



## ۲۲ بهمن: نمایش حرکت انقلاب بر شانه‌ی کارگزاران کرایه‌ای

● انقلاب اسلامی سال‌هاست در ایران از یادها رفته و تنها طی ده روزی که حکومت آن را «فجر» می‌نامد و مردم به مضحکه «دهه زجر» می‌خوانند، روی دوش کارگزاران کرایه‌ای برای نمایش حیات به خیابان‌ها کشیده می‌شود

### سرویس سیاسی کیهان:

تظاهرات خیابانی حامیان کرایه‌ای انقلاب در سالگرد ۲۲ بهمن ۵۷، سرپوش بر این باور عمومی نیست که کشتی انقلاب اسلامی به گل نشست؛ دولت انقلابی از حرکت بازمانده و حیات نظام حاکم بر لبه‌ی تیغ قرار گرفته است.

سی و هشت سال پس از قیضی قدرت در ایران، بازمانده‌ی انقلاب حکومتی است بی‌هویت، سرگردان بین «مردم‌سالاری اسلامی» و «لیبرالیسم خیابانی»، غرق در فساد و متظاهر به حرکت، حتی به روی صندلی چرخدار. جامعه‌ی انقلاب‌زده امروز ایران متنوع نیست، متضاد است و تقسیم شده بین اکثریت محروم از رفاه و آزادی، و اقلیت فربه‌ی که دست خود را در ارتکاب هر فساد آزاد می‌بیند. حکومت مذهبی ایران از کار بازمانده و مهره‌های آن از صدر تا ذیل عموماً به بیراهه می‌روند.

رئیس دولت اسلامی، متفاوت با هر رئیس دولت منتخب دیگری در جهان، سوار بر قدرت اجرایی نیست، آویخته به آن است با داشتن یک چشم بر «رهنمودهای رهبری» و چشمی دیگر

بر انتظارات انباشته و برنیاخته مردمی. این استیصال را دو دهه پیش، زمان «تین ایچری» انقلاب، حجت‌الاسلام محمد خاتمی «رئیس دولت اصلاحات» با مقایسه قدرت خود با «ابداریچی» فریاد کرد، اگر چه او هم مهره‌ای بود



©Reuters

در چرخ‌دنده‌های ناموزون نظام. در شهرداری‌های حکومت، شهردار بدون دادن رشوه به رئیس دفتر او امکان‌پذیر نیست - همه «حق التسریر» می‌گیرند.

تفسیر سیاسی هفته‌ی رادر صفحه ۲ بخوانید

### سر مقاله کارگران هیکو: زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی!

کسانی که روزهای انقلاب ۵۷ را چه در خیابان‌ها و چه از طریق رادیو و تلویزیون ملی ایران دنبال می‌کردند این شعار را می‌شناسند: زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی!

نسل‌های جوان ترممکن است آن رادر فیلم‌هایی که، البته سانسور نشده، از «صدا و سیما» جمهوری اسلامی» پخش می‌شود شنیده باشند. رهبران انقلاب اسلامی فرار بود برای کسانی که به آنها «مستضعفان» و «کوخ‌نشینان» می‌گفتند، در کنار بسیاری وعده‌های شیرین که می‌دانستند مردم برای رسیدن به آنها به خیابان‌ها می‌آیند، مسکن و آب و برق مجانی و خودکفایی و اشتغال و استقلال و آزادی بیاورند. ولی پس از پیروزی، یک «نظام جمهوری اسلامی» آوردند که همه چیز در آن دیده می‌شود مگر آن وعده‌هایی که داده شده بود.

حالا پس از ۳۸ سال، شرکت صنعتی هیکو اراک نیز که از سال ۱۳۵۳ تنها تولیدکننده ماشین آلات سنگین راه‌سازی در خاورمیانه به شمار می‌رود، در کنار صدها واحد تولیدی دیگر در آستانه ورشکستگی است. کارگران هیکو هم که چندین ماه است حقوق نگرفته‌اند، یکی از مهم‌ترین شعارهای آن دوران را تکرار می‌کنند و می‌خوانند: «وای از این وضع!» فیلم‌های راهپیمایی اعتراضی کارگران هیکو در اینترنت در دسترس است. چندین سال است کارخانجاتی که زمانی چشم و چراغ صنایع ایران بودند، مانند کارخانجات ارج و آزمایش، یا ورشکسته شده‌اند یا خطر ورشکستگی آنها را تهدید می‌کند. بنا بر گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های داخلی، تقریباً روزی نیست که تظاهراتی و تجمعی از سوی کارگران بیکار شده، اخراج شده، و حقوق نگرفته صورت نگیرد. این در حالیست که بودجه و درآمد عظیم کشور به جای حفظ و بازسازی صنایع و تولیدات داخلی، صرف جنگ در کشورهای دیگر و حمایت و بازسازی وابستگان در خارج از مرزهای ایران می‌شود.

ورشکستگی کارخانجات و عدم پرداخت حقوق کارکنان، یک موضوع اقتصادی است که برای کارگران جنبه‌ی کاملاً صنفی دارد: کار کرده‌اند و حقوق خود را می‌خواهند. اما آنچه سبب وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی در ایران شده و کارخانجات و تولید ملی را به تعطیلی کشانده، یک موضوع کاملاً سیاسی است. از تنظیم مناسبات حقوقی و مالکیت در اقتصاد گرفته تا تقویت یک اقتصاد انگلی که در آمدش، پول نفت است و فعالیت اقتصادی‌اش در واردات خلاصه می‌شود! این معادله در هر اقتصادی که حاکم شود آن را به ورشکستگی می‌کشاند. کارگران و کارکنان و تولیدکنندگان داخلی هم نخستین قربانیان این وضعیت هستند. از همین رو عجیب نیست اگر کارگران هیکو و هر موسسه تولیدی دیگر، از خواست‌های صنفی به مشکلات سیاسی می‌رسند و ناگزیر بر شعارهای دوران انقلاب را تکرار می‌کنند و موقعیت خود را ناشی از مناسباتی می‌بینند که در این شعار خلاصه شده است: زندگی زیر بار ستم!

### ایران، ناکام در جذب گردشگر خارجی



د همین نمایشگاه بین المللی گردشگری و صنایع وابسته، از هجدهم تا بیست و یکم بهمن ماه با حضور ۲۱ کشور خارجی و ۳۸۱ شرکت داخلی در محل دائمی نمایشگاه‌های تهران برگزار شد. برگزار کنندگان این نمایشگاه اعلام کردند فضای تحت پوشش نمایشگاه ۱۵ درصد رشد داشته و تعداد کشورهای شرکت کننده در نمایشگاه امسال نسبت به سال‌های گذشته تقریباً دو برابر شده است. جبار کوچکی‌نژاد، رئیس فراکسیون میراث فرهنگی و گردشگری مجلس در حاشیه برگزاری این نمایشگاه گفته است: در صفحه ۲

### دهه فجر، بزرگ‌نمایی ارزش‌های نحیف انقلاب اسلامی

در صفحه ۱۶

#### در این شماره می‌خوانید:

- صفحه ۳ ● تلاش‌های ترامپ برای ایجاد شکاف بین روسیه و ایران
- صفحه ۸ ● «زن روز» و «مرد روز»
- صفحه ۱۲ ● دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۶) - احمد احرار
- صفحه ۱۴ ● حادس و گمان درباره قرار گرفتن سپاه در لیست «سازمان‌های تروریستی»
- صفحه ۵ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۴ ● تک مضراب! - آوازه
- صفحه ۶ ● حاجی بابا صفهانی در انگلستان
- صفحه ۱۵ ● درخواست شاهزاده رضا پهلوی برای مذاکره مستقیم با دولت ترامپ
- صفحه ۷ ● مهدی خزعلی، «منتقد
- صفحه ۳ ● جسون» یا سوپاپ اطمینان؟
- صفحه ۱۲ ● دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۶) - احمد احرار
- صفحه ۱۳ ● ملی مذهبی «پیروز» - داریوش همایون
- صفحه ۱۴ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۵ ● درخواست شاهزاده رضا پهلوی برای مذاکره مستقیم با دولت ترامپ
- صفحه ۷ ● مهدی خزعلی، «منتقد

مسابقات دوچرخه‌سواری آسیا - دهلی نو  
**مدال طلا برای ایران**  
 تیم فوتبال ایران اول آسیا  
 سی و دوم جهان  
**جام جهانی کشتی فرنگی در آبادان**  
 محرمیت تیم دوومیدانی روسیه تمدید شد  
 کپروش:  
**بازیکنان پرسپولیس به درد تیم ملی نمی‌خورند، چاق هستند**  
**فوتبالیست معروف و ماجرای همسران صیغه‌ای او**  
**خودکشی دانش آموزان رو به افزایش است**  
 در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684 Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید:

**کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید**

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london

## ۲۲ بهمن: نمایش حرکت انقلاب بر شانه‌ی کارگزاران کرایه‌ای

● انقلاب اسلامی سال‌هاست در ایران از یادها رفته و تنها طی ده روزی که حکومت آن را «فجر» می‌نامد و مردم به مضحکه «دهه زجر» می‌خوانند، روی دوش کارگزاران کرایه‌ای برای نمایش حیات، به خیابان‌ها کشیده می‌شود

### کالبدشکافی انقلاب

کریین برنتون، تاریخ‌نگار آمریکایی در کتاب کلاسیک و مشهور «کالبدشکافی انقلاب»، سال ۱۹۳۸، که مقایسه تطبیقی چهار انقلاب سیاسی انگلیس ۱۶۴۰، انقلاب آمریکا، انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب بلشویکی سال ۱۹۱۷ روسیه است، در توضیح خصالت‌های مشترک آنها می‌گوید، چرخه‌ی عمر حکومت‌های انقلابی پس از سقوط نظام گذشته، با تعادل و

تظاهرات خیابانی حامیان کرایه‌ای انقلاب در سالگرد ۲۲ بهمن ۵۷، سرپوش بر این باور عمومی نیست که کشتی انقلاب اسلامی به گل نشست؛ دولت انقلابی از حرکت بازمانده و حیات نظام حاکم بر لبه‌ی تیغ قرار گرفته است. سی و هشت سال پس از قیضه قدرت در ایران، بازمانده‌ی انقلاب حکومتی است بی‌هویت، سرگردان بین «مردم‌سالاری اسلامی» و «لیبرالیسم خیابانی»، غرق در فساد و مظاهر به



حرکت، حتی به روی صندلی چرخدار، جامعه‌ی انقلاب‌زده امروز ایران متنوع نیست، متضاد است و تقسیم شده بین اکثریت محروم از رفاه و آزادی، و اقلیت فربه‌ی که دست خود را در ارتکاب هر فساد آزاد می‌بیند. حکومت مذهبی ایران از کار بازمانده و مهره‌های آن از صدر تا ذیل عموماً به بیراهه می‌روند. رئیس دولت اسلامی، متفاوت با هر رئیس دولت منتخب دیگری در جهان، سوار بر قدرت اجرایی نیست، او یخته به آن است با داشتن یک چشم بر «هنرمندهای رهبری» و چشمی دیگر بر انتظارات انباشته و برنیامده مردمی. این استیصال را دو دهه پیش، زمان «تین ایجری» انقلاب، حجت‌الاسلام محمد خاتمی «رئیس دولت اصلاحات» با مقایسه قدرت خود با «آبدارچی» فریاد کرد، اگر چه او هم مهره‌ای بود در چرخ‌دنده‌های ناموزون نظام.

در شهرداری‌های حکومت، شهردار اعتبار و احترامی بیش از رفتگران برای خود دست و پا نکرده، قاضی دزد است و دزد در لباس پاسبان. در ادارات بدون پرداختن رشوه به آبدارچی (بخوان رئیس جمهور) پرونده‌ای از بایگانی به دست رئیس نمی‌رسد و دیدن رئیس دفتر بدون دادن رشوه به رئیس دفتر او امکان‌پذیر نیست- همه «حق التسریر» می‌گیرند. در خیابان‌ها تاکسی‌ها که از زرد و نارنجی تا رنگ هر شتر یا گاوپلنگی که درآمده‌اند، عموماً کار نمی‌کنند مگر نرخ تحمیلی آنها که با نوسان دلار به روز می‌شود، مطابق میل آنها پرداخت شود.

تاکسی‌مترها نماد نقش رئیس دولت‌اند که بر ماشین‌ها سوار شده‌اند ولی سال‌هاست که خاموش و بی‌کار مانده‌اند و نمایش حرکت می‌دهند. مقام‌های جهانی نظام «ولایی» در فساد اداری، شمار اعدام‌ها، سرانه اعتیاد، رشد ترن‌فروشی، تلفات راه‌ها، و فرار مغزهاست. رکورد حکومت انقلاب اسلامی ایران در اندازهای دردناک قشری است که زیر خط فقر زندگی می‌کند. پدیده‌ی نوین حکومت ولایت فقیه، ظهور گورخواب‌هاست، در کشوری که بر دریایی از نفت و گاز قرار گرفته و یکی از ده کشور زرخیز جهان خوانده می‌شود. انقلاب اسلامی سال‌هاست در ایران از یادها رفته و تنها طی ده روزی که حکومت آن را «فجر» می‌نامد و مردم به مضحکه «دهه زجر» می‌خوانند، روی دوش کارگزاران کرایه‌ای برای نمایش حیات، به خیابان‌ها کشیده می‌شود- غافل از اینکه زیر صحنه نمایش‌های خیابانی نخ نما شده‌ی حکومت، جامعه جوان ایران پوست انداخته، منحول شده و در کمین نخستین فرصت برای تغییر نشسته است.

میان‌روی رژیم آغاز تازه و بعد از پشت سر گذاشتن چالش‌هایی شبیه کودتا، به افراط و دیکتاتوری، و نهایتاً نهادم‌از درون یا شکست از بیرون کشیده می‌شوند. گفته شده زیگنیف برژینسکی، مشاور امنیت ملی جیمی کارتر، (رئیس جمهوری آمریکا در زمان انقلاب ایران) که نظریه «کمربند سبز اسلامی» در برابر نفوذ کمونیسم و مهار اتحاد جماهیر شوروی سابق را به او نسبت می‌دهند، با مایه گرفتن از کتاب یاد شده، در مورد انقلاب ایران به رئیس خود مشاوره داده بود.

حکومت مذهبی چکمه‌پوش ایران که همچنان خود را میراثدار انقلاب می‌خواند و از متعارف شدن و اعلام پایان انقلاب پرهیز دارد، دوران تعادل



اشکال چنین تحلیل‌هایی از یک سو شکست حکومت در شکل دادن به یک نسل انقلابی باورمند است (کمبودی (قطب زاده) و یک تلاش کودتا از درون (نوژه- بختیار) را پشت سر گذاشت. انقلاب اسلامی سال‌هاست در داخل با اشاعه ترس و تکیه بر تفنگ و ضرب گلوله زنده مانده است و خارج از ایران بلندگوهای تبلیغاتی حکومت در هیات تحلیلگر، یکسره هشدار می‌دهند که در صورت کنار گذاشتن «نظام ولایی» مردم به سرنوشت سوریه و لیبی و یمن دچار می‌شوند، حال آنکه الگوی قبلی کشور و حق مردم آن، رسیدن به جایگاهی بود که زاین و کره جنوبی بر آن نشسته‌اند. جوامع انقلاب‌زده نه در عصر قدیم و نه در دوران معاصر، کمتر به آزادی، دگراندیشی و تنوع اندیشه رسیده‌اند، که بیشتر، راه آنها به دیکتاتوری و افراط ختم شده. در این قاعده شاید انقلاب دانیل اورتگا و ساندنیست‌های نیکارگونه که مانند انقلاب خمینی در ایران و انقلاب کاسترو در کوبا محصول «جنگ سرد» بود، یک نمونه تنها و استثنائی است. نظام انقلابی ایران که با شعار

رضا تقی زاده

## ایران، ناکام در جذب گردشگر خارجی

● یک توریست خارجی فکر می‌کرد اگر در ایران به دلیل نوشیدن مشروب دستگیر شود او را اعدام می‌کنند!

حتی قبل از اینکه به سمت مدیر هتل انتخاب شوند، تجربه و رزومه‌ای در این زمینه داشته‌اند.

این فعال گردشگری می‌گوید: «مدیرانی که دولت برای هتل‌ها انتخاب می‌کند بر اساس شایسته‌سالاری نیست و بر اساس رابطه است. در این شرایط نمی‌توان انتظار داشت مدیری که نه تجربه دارد و نه تحصیلات مرتبط بتواند نیازسنجی درستی از خواست مسافران به ویژه مسافران خارجی داشته باشد. به همین دلیل است که هتل‌های ایران معمولاً با یک سیستم فرسوده و ناکارآمد مدیریت و خدمات دهی روبرو هستند که شاید گردشگر داخلی خیلی متوجه آن نشود اما گردشگر خارجی در اولین ساعات حضور در هتل آن را متوجه می‌شود».

### محدودیت‌های دست و پا گیر برای گردشگران خارجی

از نظر کارشناسان و فعالان صنعت گردشگری یکی از عوامل بازدارنده سفر گردشگران خارجی به ایران محدودیت‌هایی است که در زمینه آزادی‌های اجتماعی و قوانین برای گردشگران خارجی وجود دارد. عدم امکان سرو مشروبات الکلی در رستوران‌ها، محدودیت‌های پوششی برای گردشگران زن و مرد به ویژه در فصل‌های گرم سال، عدم امکان استفاده از سواحل شمال و جنوب به صورت مختلط از این دست محدودیت‌ها هستند.

سعید در مورد این مشکلات به کیهان لندن می‌گوید: «ما وقتی تور خارجی می‌بینیم معمولاً این مسائل را حل می‌کنیم، مثلاً مشروب را برای توریست فراهم می‌کنیم. در چند رستوران شمال یا کیش و قشم که حتی در رستوران هم برای گردشگران مشروب سرو می‌کنند اما به صورت غیرقانونی، در مورد شنا و ساحل هم پلاژهای خصوصی در شمال و کیش هست که ما اجاره می‌کنیم. اما واقعیت این است که وقتی توریست می‌بیند همه این کارهایی که برای او عادی و جزئی از برنامه سفرش باید باشد، ولی ما به صورت غیرقانونی انجام می‌دهیم احساس خوشایندی ندارد. حتی یک بار یک توریست خارجی به من گفت اگر من مشروب بخورم و پلیس بفهمد مرا اعدام می‌کنند! ما می‌دانیم برای خوردن مشروب حتی یک ایرانی مسلمان را اعدام نمی‌کنند اما جرم بودن این مسئله بعضی توریست‌ها را می‌ترساند. از طرفی این عدم قانون‌مداری ایرانی‌ها در مورد قوانین مشروب و حجاب برای توریست‌های خارجی گاهی خیلی عجیب و گاهی خیلی جالب است. بسیاری از توریست‌ها بعد از سفر به ایران می‌گویند ایران خیلی پیشرفته و مردم خیلی بهتر از آن چیزی هستند که آنها پیش از سفر تصور می‌کردند».

نچند سعید می‌گوید از یک سو نشان‌دهنده عدم احساس امنیت برای توریست خارجی در ایران است و از سوی دیگر نشان‌دهنده نبود برنامه‌ریزی درست در زمینه جذب توریست خارجی است و اینکه دولت نتوانسته تصویر درستی از ایران، فرهنگ و مردم این کشور به نمایش بگذارد. به عبارت دیگر حکومتی که نمایندگی ایرانیان در مجامع بین‌المللی را به عهده دارد با واقعیت آنچه ایرانیان هستند فاصله‌ای عمیق دارد. در این میان برخوردهای نامناسبی که گاهی با توریست‌های خارجی به ویژه زنان می‌شود هم مزید بر علت شده تا گردشگران خارجی را برای سفر به ایران مردد کند. (بیشتر بخوانید)

یکی دیگر از مشکلات مهمی که توریست‌های خارجی در ایران با آن مواجه می‌شوند محدودیت‌های بانکی بر اثر تحریم برای استفاده از کارت‌های بانکی بین‌المللی است. مشکلی که باید دید در دوران پسابرجام بالاخره حل می‌شود یا نه. روشنگ آسترکی

حاصل از این صنعت در مجموع حدود ۹ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان را به خود اختصاص داده است.

### ناکارآمدی زیرساخت صنعت گردشگری

یکی از مشکلات عمده‌ای که باعث عدم تمایل گردشگران برای سفر به ایران می‌شود مشکلات زیرساختی در صنعت توریسم و گردشگری است. به اعتقاد بسیاری از فعالان صنعت گردشگری در ایران هتل‌های ایران نمی‌توانند خدمات مناسبی



به گردشگر خارجی ارائه کنند. سعید. ک از فعالان گردشگری در شهر اصفهان معتقد است یکی از عمده‌ترین ناراضی‌های گردشگران خارجی پس از اقامت در ایران، خدمات هتل محل اقامت است. او در این مورد به کیهان لندن می‌گوید: «بیشتر گردشگران خارجی در هتل‌های پنج و چهار ستاره اقامت می‌کنند اما متأسفانه خدمات این هتل‌ها در مقایسه با هتل‌های چهار یا پنج ستاره کشورهای دیگر از استانداردهای پایینی برخوردار است که در مجموع باعث ناراضی‌های مسافران خارجی می‌شود. مهم‌ترین شکایت‌ها در مورد نظافت اتاق و کیفیت و سرعت سرویس‌دهی به

در حاشیه برگزاری این نمایشگاه گفته است: «هراندازه بتوانیم خارجی‌ها را برای شناخت بهتر صنایع و پتانسیل‌های کشور به داخل جذب کنیم، نمایشگاه‌های مختلفی در سراسر دنیا برپا کنیم و توانمندی‌های خود را در دنیا به معرض نمایش بگذاریم، به همان نسبت خواهیم توانست در توسعه گردشگری و بحث سرمایه‌گذاری خارجی در این قسمت تأثیرگذار باشیم».

بر خلاف نظر این نماینده مجلس شورای اسلامی، وضعیت صنعت توریسم و گردشگری در ایران نشان می‌دهد این صنعت در ایران با مشکلات و گره‌های زیادی روبروست که با برگزاری نمایشگاه در داخل و خارج کشور نمی‌توان آنها را برطرف کرد.

### سهام اندک ایران از گردشگران خارجی

بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری در سال ۲۰۱۵ تعداد گردشگران جهانی با رشد ۴/۴ درصد به رقم یک میلیارد و ۱۸۴ میلیون نفر رسید که در این میان سهم ایران تنها ۵ میلیون و دویست هزار نفر گردشگر خارجی بوده است. این در حالیست که ایران از نظر وجود جاذبه‌های بالقوه توریستی و گردشگری مانند تنوع اقلیمی، جاذبه‌های طبیعی و تاریخی جزو ۱۰ کشور برتر جهان است، اما از نظر توریست‌پذیری در میان ۱۵۰ کشور عضو سازمان جهانی توریسم WTO در مقام هفتاد و پنجم قرار دارد. سازمان جهانی گردشگری همچنین اعلام کرده از هر ۱۲ تا ۱۵ شاغل در دنیا یک شغل به گردشگری اختصاص داشته و هر ۵ تا ۱۰ گردشگر یک فرصت شغلی ایجاد می‌کند در حال حاضر حدود ۲۶۰ میلیون در جهان در صنعت گردشگری و صنایع مرتبط به کار اشتغال دارند و درآمدهای

دهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع وابسته، از هجدهم تا بیست و یکم بهمن ماه با حضور ۲۱ کشور خارجی و ۳۸۱ شرکت داخلی در محل دائمی نمایشگاه‌های تهران برگزار شد. برگزارکنندگان این نمایشگاه اعلام کردند فضای تحت پوشش نمایشگاه ۱۵ درصد رشد داشته و تعداد کشورهای شرکت‌کننده در نمایشگاه امسال نسبت به سال‌های گذشته تقریباً دو برابر شده است. جبار کوچکی‌نژاد، رئیس فراکسیون میراث فرهنگی و گردشگری مجلس

دوره هشت ساله خالی از تهدید موثر خارجی، حکومت اسلامی ایران به این باور رسیده بود که تا آینده‌ای دراز از حاشیه امنیت کافی برای تداوم حضور در قدرت برخوردار است. نظریه پردازان حکومت نیز شاید با استناد بر فرضیه‌های برنتون Crane Brinton، اسکوپل Theda Skocpol، و هانتینگتون Samuel Huntington به رهبران خود یادآور می‌شدند که بقای عمر دیکتاتوری‌های ریشه‌دار در یک انقلاب، طولانی‌تر از عمر سایر مارک‌های دیکتاتوری و حکومت‌های اقتدارگرای متعارف است. گذشته از دگرذیسی طبیعی دیکتاتوری‌های انقلابی و شکاف برداشتن غیر قابل اجتناب از درون،



سعيد معتقد است انحصاری بودن هتل‌ها در دست دولت و عدم حضور فعال بخش خصوصی در صنعت هتلداری ایران مهم‌ترین عامل وضعیت نامطلوب هتلداری در ایران است. او که خود دانش‌آموخته رشته توریسم و گردشگری است به کیهان لندن می‌گوید: «شما بزرگ‌ترین و لوکس‌ترین هتل‌های ایران را که معمولاً مقصد اقامتی گردشگران خارجی است لیست کنید، ببینید چند درصد آن متعلق به بخش خصوصی است و چند نفر از مدیران هتل‌ها تحصیلات مرتبط دارند و یا

## تلاش‌های ترامپ برای ایجاد شکاف بین روسیه و ایران



بعضی کارشناسان معتقدند دولت‌های قبلی آمریکا هم تلاش کردند که ایران و روسیه از هم دور شوند، اما در نهایت آنها به ویژه در حوزه نظامی پیوند بیشتری خوردند

● وال استریت ژورنال در گزارشی نوشته دولت ترامپ تلاش می‌کند بین تهران و مسکو به خصوص در سوریه فاصله اندازد

● تحلیل‌گران می‌گویند او با ما هم در مقطعی نظر مدو دف رئیس جمهور پیشین روسیه را جلب کرد که از تهران فاصله بگیرد

دولت جدید آمریکا به دنبال راهی است تا میان ایران و روسیه شکاف ایجاد کند.

این تحلیلی است که روزنامه‌ی وال استریت ژورنال از مثلث واشنگتن، مسکو و تهران ارائه کرده و می‌نویسد: «ترامپ با هدف پایان دادن به جنگ سوریه و تقویت مبارزه با داعش، به دنبال راهکارهایی برای شکستن پیوندهای نظامی و دیپلماتیک روسیه با ایران است.»

یک مقام ارشد دولت آمریکا می‌گوید، کاخ سفید درباره‌ی روسیه دچار توهم نشده است و پوتین را یک سیاستمدار جوان و بی‌تجربه نمی‌داند. با این حال در چند روز گذشته ترامپ حرف‌های ضد و نقیض زیادی درباره پوتین زده است، اما به گفته‌ی این مقام مطلع، دولت ترامپ دیگر روسیه را مثل شوروی سابق یک تهدید بالقوه نمی‌داند.

این روزنامه به نقل از منبع آگاه خود با اشاره به اینکه آمریکا به دنبال مهار ایران است، می‌نویسد: «اگر اختلافی بین روسیه و ایران وجود داشته باشد،



گرافیتی انتقادی در اعتراض به تلاش‌های پوتین و ترامپ برای نزدیک کردن مسکو و واشنگتن (عکس: خبرگزاری فرانسه)

مایلیم آن را کشف کنیم.»

چند روز پس از آنکه نیکی هیلی، سفیر آمریکا در سازمان ملل گفت که افزایش خشونت‌ها در شرق اوکراین محکومیت قاطع و روشن اقدامات روسیه را می‌طلبد، مایک پنس، معاون رئیس جمهوری آمریکا و سپس ترامپ، تاکید کردند که آمریکا ممکن است تحریم‌های مسکو را در صورت همکاری‌اش با آمریکا در جنگ با داعش لغو کند.

اشاره وال استریت ژورنال به مصاحبه اخیر ترامپ با فاکس نیوز است که در

ترامپ اولین رئیس جمهوری آمریکا نیست که می‌خواهد این استراتژی را در پیش بگیرد، دولت او با ما هم چهار سال تلاش کرد روسیه را از ایران دور کند، به ویژه در سوریه، اما دیدیم که عملیات نظامی این دو کشور افزایش یافت و بشار اسد تقویت شد.

دیمیتری سیمس، کارشناس روس رئیس مرکز منافع ملی در واشنگتن، می‌گوید: «اگر کرملین قرار باشد صادرات تسلیحات خود را به ایران کاهش دهد، در عوض توقع دارد که تحریم‌هایی که علیه این کشور شده

پاسخ به این سوال که پوتین قاتل است، گفت: «شما فکر می‌کنید کشور خودمان بیگناه است؟»

با این حال خیلی‌ها معتقدند سیاست‌گذاران دولت ترامپ بر روی ایجاد شکاف بین روسیه و ایران تمرکز دارند.

یک مقام ارشد اروپایی که در ملاقات هفته‌ی گذشته خود با مسئولان شورای امنیت ملی آمریکا با تاکید بر اینکه «قطعا بین روسیه و ایران فاصله وجود دارد» این مسئله را طرح کرده که «معلوم نیست پوتین در ازای تضعیف کردن اتحادش با ایران چه طلب خواهد کرد.»

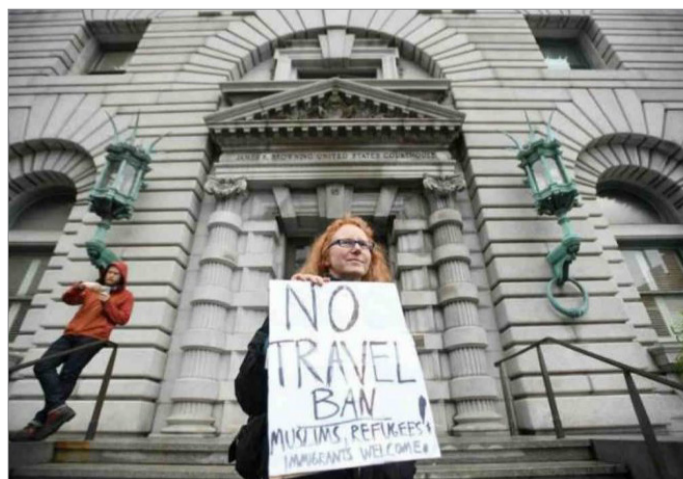
از طرفی متقاعد کردن پوتین به فاصله گرفتن از تهران سخت است و هزینه‌ی سنگینی دارد.

دولت او با ما نیز راهبرد فاصله‌انداختن بین روسیه و ایران را دنبال می‌کرد، او در دوره نخست ریاست جمهوری‌اش توانست دیمیتری مدو دف، رئیس جمهوری وقت روسیه، را به حمایت از تحریم‌های سخت علیه ایران در سازمان ملل وادارد. مسکو همچنین تحویل سامانه دفاع موشکی به تهران را به تعویق انداخت.

او با ما نیز در مقابل، استقرار سیستم موشکی در اروپا را که روسیه تهدیدی برای خود می‌دانست، متوقف کرد. تنش بین روسیه و آمریکا بعد از به قدرت رسیدن مجدد پوتین در سال ۲۰۱۲ و اشغال جزیره کریمه در سال ۲۰۱۴ تشدید شد. آمریکا و اتحادیه اروپا با تحریم‌های مالی، علیه روسیه واکنش نشان دادند.

وال استریت ژورنال در پایان نوشت: «موسسه مطالعات جنگ در واشنگتن در گزارشی که روز جمعه منتشر کرد، هشدار داد که حتی اگر مسکو از تهران فاصله بگیرد، این به مهار نفوذ گسترده ایران در نهادهای اقتصادی، نظامی و سیاسی سوریه منجر نمی‌شود. به نوشته‌ی گزارش وال استریت ژورنال، هر گونه تلاش آمریکا برای محدود کردن ایران در سوریه از طریق روسیه بی‌تردید به شکست منتهی می‌شود.»

## رای دادگاه استیناف علیه فرامین ضد مهاجرتی ترامپ



فرمان‌های ضد مهاجرتی ترامپ اعتراضات زیادی را در آمریکا به دنبال داشت

یمن در صورت داشتن ویزای معتبر می‌تواند به آمریکا سفر کنند. کمتر از یک هفته پیش قاضی جیمز روبرت، در دادگاه سیاتل در ایالت واشنگتن، دستور عمل اجرایی دولت جدید آمریکا را موقتا لغو کرد

که با انتقاد شدید ترامپ مواجه شد و رئیس جمهوری آمریکا حکم او را «مسخره» نامید. ترامپ در واکنش به حکم دادگاه استیناف در توئیترش نوشت: «دیدار در دادگاه، امنیت کشورمان در خطر است.»

## اعدام ۱۳ هزار نفر از مخالفان دولت بشار اسد در ۵ سال اول جنگ داخلی



● دولت بشار اسد از زمان آغاز جنگ داخلی طی پنج سال گذشته، بین ۵ تا ۱۳ هزار نفر از مخالفانش را به طور مخفیانه اعدام کرده است.

● جسد این افراد به مدت ۵ سال هر سه شنبه نیمه‌شب و سپیده دم در دو گور دسته‌جمعی در خارج از شهر دمشق دفن شده است.

سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد، دولت بشار اسد از زمان آغاز جنگ داخلی طی پنج سال گذشته، بین ۵ تا ۱۳ هزار نفر از مخالفانش را که اغلب غیر نظامی بوده‌اند، در یک زندان نظامی به نام «صیدانایا» در نزدیکی شهر دمشق به طور مخفیانه اعدام کرده است.

بر اساس این گزارش، جسد این افراد به مدت ۵ سال هر سه‌شنبه نیمه‌شب و سپیده دم در دو گور دسته‌جمعی در خارج از شهر دمشق دفن شده است.

همچنین بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ به‌طور متوسط هفته‌ای ۲۰ تا ۵۰ نفر در این زندان در شمال دمشق، اعدام شده‌اند.

دیده‌بان حقوق بشر، این اقدام دولت سوریه را «جنایت جنگی» دانسته و از سازمان ملل خواسته

است تا در این باره تحقیقات کاملی انجام دهد.

بر اساس مصاحبه‌ای که از ۸۴ شاهد عینی از جمله نگهبان‌های سابق، مقامات، زندانی‌ها، قضات و وکلای در طول بیش از ۱۲ ماه صورت گرفته، بسیاری از این افراد در جریان محاکماتی بدون رعایت اصول اولیه عدالت در دادگاه‌های نظامی و در مواردی پس از اعتراف‌های اجباری به مرگ محکوم شده‌اند.

بسیاری از اعدام‌شدگان پس از مدت‌ها شکنجه و گرسنگی سازمان‌یافته و نیز محرومیت از دارو و مراقبت‌های پزشکی اعدام شده‌اند.

همچنین بین مارس ۲۰۱۱ تا اوت ۲۰۱۳ بیش از ۱۱ هزار نفر توسط

دولت سوریه کشته شده‌اند که تصویری از این کشتار توسط یک عکاس که برای پلیس نظامی سوریه کار می‌کرده، ثبت شده است.

همچنین در گزارش سازمان عفو بین‌الملل آمده است که هیچ دلیلی دیده نمی‌شود که این اعدام‌ها متوقف شده باشد و احتمال داده می‌شود که همچنان این شکنجه‌ها و اعدام‌ها ادامه یافته باشد.

این نهاد حقوق بشری پیشتر نیز در ماه اوت ۲۰۱۶ در گزارشی بر اساس شواهد ۶۵ نفر از زندانیانی که از زندان‌های سوریه جان سالم به‌در برده بودند، اعلام کرده بود که از آغاز جنگ داخلی در سوریه ۱۸ هزار نفر در زندان‌های این کشور جان خود را از دست داده‌اند.

## پیشنهاد نتانیاهو برای تشکیل «جبهه مشترک» علیه ایران



● نخست وزیر اسرائیل اعلام کرد: قصد دارد درباره اعمال «متجاوزانه»، «گستاخی» و «مبارزه طلبی» ایران به رایزنی با نخست‌وزیر انگلیس بپردازد.

● انتظار می‌رود که تریسا می‌نیز پس از انجام آزمایش موشکی جدید ایران، علیه این کشور در جبهه مشترک با نتانیاهو قرار گیرد.

تریسا می‌نیز نخست‌وزیر انگلیس روز دوشنبه برای اولین بار از زمان دوره نخست‌وزیری خود از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در لندن استقبال کرد.

به گزارش بی‌بی‌سی جهانی، اگرچه تریسا می‌نیز هدف از این دیدار را افزایش روابط دو جانبه اقتصادی و تجاری بین دو کشور بعد از برگسیت ذکر کرده است، اما نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل از تشکیل یک «جبهه مشترک» با همراهی آمریکا و انگلیس در مقابله با ایران خبر داد.

نخست‌وزیر اسرائیل همچنین قبل از سفرش به لندن در جلسه هیات دولت خود اعلام کرد: «قصد دارم در دیدار با تریسا می‌نیز هم‌تای انگلیسی خود و بوریس جانسون وزیر امور خارجه این کشور درباره اعمال «متجاوزانه»، «گستاخی» و «مبارزه طلبی» ایران که قصد دارد توان دولت‌های بریتانیا و آمریکا را به چالش بکشد، به رایزنی بپردازم.»

وی در این سخنان تاکید کرد: «به نظر من در حال حاضر مهم‌ترین مساله این است که آمریکا با رهبری متحدان خود، انگلیس و اسرائیل، به «اعمال متجاوزانه» ایران به طور قاطع پایان دهد.» نخست‌وزیر اسرائیل که قرار است در ۱۵ فوریه به منظور دیدار با دونالد ترامپ، رئیس جمهوری جدید آمریکا به واشنگتن سفر کند، تاکید کرد: «ما در یک فرصت دیپلماتیک نوین با دولت‌های جدید بریتانیا و آمریکا هستیم.»

از سوی دیگر انتظار می‌رود که تریسا می‌نیز پس از آزمایش موشکی جدید ایران، علیه این کشور در جبهه مشترک با نتانیاهو قرار گیرد. اما بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت

امور خارجه جمهوری اسلامی ایران درباره اظهارات نتانیاهو مبنی بر تشکیل ائتلاف سه‌گانه این کشور همراه با انگلیس و آمریکا علیه جمهوری اسلامی اظهار داشت: «نتانیاهو احساس می‌کند فرصتی به وجود آمده و می‌خواهد از این فرصت استفاده کند اما تصور می‌کنم که نه شرایط ایران و نه شرایط منطقه و جهان اجازه چنین اتفاقی را نمی‌دهد.»

همچنین در دیدار نخست‌وزیر انگلیس با هم‌تای اسرائیلی خود، پیش‌بینی می‌شود که نخست‌وزیر انگلیس، نگرانی این کشور را در مورد ادامه شهرک‌سازی‌های دولت اسرائیل با نتانیاهو در میان بگذارد. پیشتر نخست‌وزیر اسرائیل از برنامه ساخت ۳ هزار واحد مسکونی جدید در کرانه غربی و شرقی

اورشلیم (بیت‌المقدس) خبر داده بود که در حال حاضر در مرحله اجراست.

در این میان جرمی کوربن رهبر حزب کارگر انگلیس نیز این شهرک‌سازی را غیرقانونی دانسته و آن را مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی ذکر کرده و گفته است: «ایجاد شهرک‌های جدید سبب دامن زدن به جنگ بیشتر بین اسرائیل و فلسطین خواهد شد.»

از سوی دیگر با آغاز اجرایی شدن برگسیت از آوریل ۲۰۱۷، دولت تریسا می‌نیز در صدد است تا گفت‌وگوهایی غیر رسمی در مورد مبادلات تجاری این کشور با کشورهای خارج از اتحادیه اروپا داشته باشد. پیش‌بینی می‌شود این موضوع دلیل اصلی نزدیکی دو کشور انگلیس و اسرائیل در آینده خواهد بود.

### دارالترجمه بین المللی تریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831  
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk  
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road  
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

## پنج راهی که ملانیا می تواند دونالد ترامپ را نجات دهد



دونالد ترامپ به افتخار مراسم سوگند ریاست جمهوری اش با ملانیا می رقصند

● بانوی اول آمریکا چگونه می تواند به یکی از قدرتمندترین سرمایه‌های سیاسی رئیس‌جمهور تبدیل شود؟

● ملانیا از منطقه‌ای از جهان آمده که با وحشت روزمره از جنگ و محرومیت و فقر و استبداد دست به گریبان است

اولین باری که بانوی اول آمریکا متولد خارج از این کشور بود و با گرایش‌های اجتماعی واشنگتن جور در نمی‌آمد در دوره ریاست جمهوری جان کوئینسی آدامز ششمین رئیس‌جمهوری ایالات متحده بود. پایگاه خبری پولیتیکو با این مقدمه می‌نویسد، همسر آدامز خانم لوئیزا کاترین آدامز، در بریتانیا متولد شده بود و چندان جایی در بین نخبگان قدرتمند شهر نداشت. چیزی که در اوایل آغاز به کار دولت شوهرش، به سردی روابط انجامید، اما او با گذشت زمان ثابت کرد که سرمایه‌ای زیرک و افسون‌گری محتاط است که بسیاری از منتقدان و رقبای شوهرش را خلع سلاح می‌کند.

حالا نزدیک به دوپست سال بعد، برای دومین بار بانوی اول آمریکا یک خارجی است و این فرصت را دارد تا همان الگو را تکرار کند.

ملانیا ترامپ در پس‌پشت مراسم سوگند پرچنجال و متشنج دونالد ترامپ، نقش بسیار مثبتی ایفا کرد. او زیبا و برازنده بود و در ظاهر و رفتار خود ژاکلین کندی را به یاد می‌آورد. او با ملاحظه بود و برای خانواده‌ی اواما که در حال خارج شدن از کاخ سفید بود، هدیه‌ای از محصولات تیفانی تدارک دیده بود. او حتی زمانی که در معرض توییت‌های پر از نفرت مردم قرار گرفت، با طمأنینه و خوشایند رفتار کرد.

ویدئویی که نشان می‌داد پس از آن که ناگهان شوهرش پشت‌اش را به او



سحرانی ملانیا در یک کارزار انتخاباتی به نفع ترامپ قبل از انتخابات در سال ۲۰۱۶

می‌کند و به سمت سکو برمی‌گردد، چهره‌ی ملانیا در هم می‌افتد به سرعت به هشتگ: «ملانیا را آزاد کنید» منجر شد (این تصویر که بانوی اول آمریکا قربانی شکنجه است و فریاد می‌زند که کمک‌اش کنند، مثبت‌ترین تصویری است که در فضای توییتر منتشر شده است).

این گزارش نوشته، ملانیا ترامپ قدرت دارد. قدرتی که می‌تواند میلیون‌ها آمریکایی و غیرآمریکایی را که دونالد ترامپ را دوست ندارند و حتی از او می‌ترسند را متقاعد کند که او هیولایی خطرناک و پیش‌بینی‌ناپذیر نیست. درسی که می‌تواند روایت دیگری از دولتی ایجاد کند که از همان زمانی که هنوز روی کار نیامده بود، در معرض اعتراضات و شورش‌های اداری و تخریب و کاهش میزان مقبولیت است. این اتفاق خواهد افتاد اما اگر کاخ سفید ملانیا را در جای درستی قرار دهد، چند پیشنهاد برای نقش مثبت ملانیا از این قرار است:

### سفیر عظمت آمریکا

هر یک از بانوان اول آمریکا روی موضوع خاصی متمرکز شدند؛ باربارا بوش مسئله‌ی سواد و میشل اواما مسئله‌ی چاقی کودکان را انتخاب کردند. ملانیا در همراهی با رویکرد دولت ترامپ شاید بهتر باشد روی مسئله‌ی حساس‌تری متمرکز شود یعنی دفاع از موقعیت استثنایی

بفرستد؟ ملانیا با برگزاری سخنرانی و سفر به سراسر این قاره و شاید سایر کشورهای نزدیک به آمریکا مثل استرالیا و کانادا و مکزیک می‌تواند این کار را بکند. یکی از کارها می‌تواند دیدار از سرزمین مادری خود او و بهره‌گیری از روابطش باشد.

### مدافع مهاجرت قانونی

ملانیا به عنوان بخشی از وظایف خود به عنوان سفیر «عظمت آمریکا» می‌تواند درک مردم از دیدگاه‌های دولت در مورد مهاجرت را تغییر دهد. صاحب‌نظران، افراد مشهور و رسانه‌های مختلف اغلب مرز بین مهاجرت قانونی و غیر قانونی را نادیده می‌گیرند. حمله به کسی که ضدمهاجرت است بسیار

مهم‌ترین کاری که در حال حاضر ملانیا می‌تواند انجام دهد این است که به مردم اطمینان دهد که چهره‌های ترسناک را انتخاب نکرده‌اند. بانوی اول احتمالاً نزدیک‌ترین فرد به رئیس‌جمهوری است. نزدیک دو دهه است که او را می‌شناسد و ۱۲ سال است که با او ازدواج کرده و از او یک پسر نوجوان دارد.

او باید عملاً و با تمام احساساتش این را نشان دهد. نه آن‌طور که هیلاری و بیل کلینتون با گرفتن عکسی در حال رقص و با لباس حمام خود انجام دادند و نه با شکایت از اینکه ترامپ جو‌رایزهایش را جمع نمی‌کند، آن‌طور که میشل اواما انجام داد. بلکه باید کمی بیشتر بداند که چه چیزی باعث شده در کنار ترامپ بماند.

جالب است که ترامپ نسبت به اینکه مردم در مورد رابطه‌ی او با ملانیا چه فکر می‌کنند حساس است. اما خواه ناخواه مردم در مورد چنین روابطی حرف می‌زنند و تحلیل می‌کنند، چنانکه در مورد سایر رئیس‌جمهوری‌هایی که سر کار آمدند نیز همین کار را کردند. ملانیا می‌تواند انتخاب کند که می‌خواهد مردم در مورد رابطه‌اش با ترامپ فکرهای بدی داشته باشند یا اینکه می‌خواهد دلایلی به آنها ارائه دهد تا تصور بهتری پیدا کنند.

● الکسی دوتوکویل متفکر قرن نوزدهم فرانسه در تحلیلی جامعه آمریکا آن را ماهیتاً حائز خصوصیات متمایزی از سایر ملل پیشرفته می‌داند. سه موردی که این کشور را استثنایی کرده به اختصار اینهاست: تمایز تاریخ این کشور، ماموریت آمریکا برای تغییر جهان و سوم ماموریت آمریکا برای سایر ملتها.

### زنی پر رمز و راز

ژاکلین کندی و نانسی ریگان یا به طور غریزی یا از طریق مشاوران خردمند خود این حقیقت مهم را در مورد روابط عمومی پذیرفتند: مردم همیشه چیزی را می‌خواهند که نمی‌توانند داشته باشند. این هر دو زن در راه و روش شخصی و فریبنده‌ی خود همواره تا حدی خود را از مطبوعات و فضای عمومی دور نگاه داشتند.

ملانیا چه تصادفی و چه با برنامه‌ریزی قبلی حتی کمتر از آنها در دسترس است. بانوی اول آمریکا خیلی کم درک بهتر آمریکا. با دفاع از آموزش مدنی در مدارس و دانشگاه‌ها، تشویق نسل جوان به درک و یادگیری درس‌های جنگ سرد. او حتی می‌تواند درباره‌ی عظمت آمریکا برای کودکان کتاب بنویسد.

چیزی که ما از ملانیا ترامپ می‌دانیم یا دست کم تصور می‌کنیم که می‌دانیم این است که سیاست برای او اولویت نیست و یا حتی شاید برای او کسل‌کننده است. اتفاقاً همین موضوع می‌تواند کمک بزرگی باشد. اغلب افراد معمولی دقیقاً همین‌طور فکر می‌کنند. او حرفه و علایق خود را دارد و اگر گاهی حرفی بزند، می‌تواند از پشت چهره دلربایش، پیشنهادهای فولادین ارائه دهد. او می‌تواند با مصاحبه‌های به‌موقع و محتاطانه این کار را بکند و بیش از پیش به یک ستاره تبدیل شود.

### شاهد عینی ترامپ

مهم‌ترین کاری که در حال حاضر ملانیا می‌تواند انجام دهد این است که به مردم اطمینان دهد که چهره‌های ترسناک را انتخاب نکرده‌اند. بانوی اول احتمالاً نزدیک‌ترین فرد به رئیس‌جمهوری است. نزدیک دو دهه است که او را می‌شناسد و ۱۲ سال است که با او ازدواج کرده و از او یک پسر نوجوان دارد.

او باید عملاً و با تمام احساساتش این را نشان دهد. نه آن‌طور که هیلاری و بیل کلینتون با گرفتن عکسی در حال رقص و با لباس حمام خود انجام دادند و نه با شکایت از اینکه ترامپ جو‌رایزهایش را جمع نمی‌کند، آن‌طور که میشل اواما انجام داد. بلکه باید کمی بیشتر بداند که چه چیزی باعث شده در کنار ترامپ بماند.

جالب است که ترامپ نسبت به اینکه مردم در مورد رابطه‌ی او با ملانیا چه فکر می‌کنند حساس است. اما خواه ناخواه مردم در مورد چنین روابطی حرف می‌زنند و تحلیل می‌کنند، چنانکه در مورد سایر رئیس‌جمهوری‌هایی که سر کار آمدند نیز همین کار را کردند. ملانیا می‌تواند انتخاب کند که می‌خواهد مردم در مورد رابطه‌اش با ترامپ فکرهای بدی داشته باشند یا اینکه می‌خواهد دلایلی به آنها ارائه دهد تا تصور بهتری پیدا کنند.

● الکسی دوتوکویل متفکر قرن نوزدهم فرانسه در تحلیلی جامعه آمریکا آن را ماهیتاً حائز خصوصیات متمایزی از سایر ملل پیشرفته می‌داند. سه موردی که این کشور را استثنایی کرده به اختصار اینهاست: تمایز تاریخ این کشور، ماموریت آمریکا برای تغییر جهان و سوم ماموریت آمریکا برای سایر ملتها.

● به زودی لیستی از افراد و شرکت‌های آمریکایی که قرار است به دلیل همکاری با داعش تحت تحریم جمهوری اسلامی قرار بگیرند، رسماً اعلام خواهد شد.

● سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران: بازخوانی مجدد برجام به مصلحت دولت جدید آمریکا، منطقه و جهان نیست و فکر نمی‌کنم که آنها بتوانند به راحتی در این ارتباط به اجماع برسند.

● سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ضمن بی‌اهمیت خواندن «سخنان خصمانه و تهدیدآمیز» آمریکایی‌ها علیه حکومت ایران اعلام کرد: «دولت به دنبال تحریم برخی موسسه‌ها و افراد آمریکایی است که از داعش حمایت می‌کنند.»

● بهرام قاسمی روز دوشنبه ۱۸ بهمن در جمع خبرنگاران داخلی تأکید کرد: «این موضوع در حال بررسی است و امیدواریم بتوانیم به زودی لیستی از افراد و شرکت‌ها را منتشر و رسماً اعلام کنیم.»

● به گفته سخنگوی وزارت خارجه ایران «دولت آمریکا تا استقرار کامل هنوز فاصله دارد و سخنان دولت ترامپ ضد و نقیض است.» با این حال وی تأکید کرد که این سخنان «برای ما زیاد مهم نیست زیرا طی سده‌های گذشته از این صحبت‌ها شنیده‌ایم اما گذر زمان شرایط را بر دیگران تحمیل می‌کند.»

● قاسمی در پاسخ در مورد این موضوع که «آیا ایران با آزمایش جدید موشکی در صدد ارایه پیمایی به دولت

## تحریم برخی افراد و موسسات آمریکایی از سوی جمهوری اسلامی



باشد و نگاهی هم به دولت جدید آمریکا، تا بتواند جلوی ضرر و زیان بیشتر را بگیرد.»

بهرام قاسمی خاطرنشان کرد: «بعید می‌دانم در میان مدت انگلستان بتواند واقعیات تاریخی و موجود منطقه را نادیده گرفته و با نگاه یک بعدی به منطقه، جایگاه و نقش ایران را فراموش کند.» وی همچنین با بیان این که ما در مورد «مساله هسته‌ای با روسیه مکرراً رایزنی و گفت‌وگو داشته‌ایم» افزود: «روز گذشته نیز فرستاده ویژه پوتین در تهران بود و با شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت دیدار و رایزنی کرد.»

قاسمی در ادامه به مسائلی منتشر شده در ارتباط با رابطه ترامپ و پوتین اشاره کرد و گفت: «آنچه که در این زمینه مطرح می‌شود را گمانه‌زنی می‌دانم. باید کمی صبر کرد.»

این در حالیست که دیمیتری اسکوف، سخنگوی رییس جمهوری روسیه نیز تأکید کرده است که دولت روسیه ایران را «تروریست» نمی‌داند و روسیه در این مورد با مواضع دونالد ترامپ رییس جمهوری جدید آمریکا توافق ندارد.

● جدید آمریکا بوده است» گفت: «این موشک‌ها دفاعی هستند و ما از آنها استفاده ابزاری نمی‌کنیم که بخواهیم با آن پیامی به دیگران بدهیم.»

وی در مورد سخنان ترامپ در خصوص لغو برجام نیز تصریح کرد: «تصور نمی‌کنیم که ترامپ بتواند برجام را یک طرفه و به راحتی نادیده بگیرد. این بحث ساده‌ای نیست. برجام حاصل مذاکرات چند جانبه است و قطعنامه شورای امنیت را به همراه خود داشته است.»

● به گفته قاسمی، «بازخوانی مجدد برجام به مصلحت آنها، منطقه و جهان نیست و فکر نمی‌کنم که آنها بتوانند به راحتی در این ارتباط به اجماع برسند.»

● سخنگوی وزارت امور خارجه درباره اظهارات تریسا می در مورد ایران نیز گفت: «این نوع برخوردها، غیرواقع‌بینانه و فرصت‌طلبانه است که تحت شرایط خاصی اتفاق می‌افتد.»

● وی افزود: «وضعیت بحرانی انگلستان بعد از خروج از اتحادیه اروپا و حوادث مترتب بر آن، لندن را مجبور کرده که به درآمدهای نفتی برخی کشورهای خلیج فارس گرایش صوری داشته

● به گفته سخنگوی وزارت خارجه ایران «دولت آمریکا تا استقرار کامل هنوز فاصله دارد و سخنان دولت ترامپ ضد و نقیض است.» با این حال وی تأکید کرد که این سخنان «برای ما زیاد مهم نیست زیرا طی سده‌های گذشته از این صحبت‌ها شنیده‌ایم اما گذر زمان شرایط را بر دیگران تحمیل می‌کند.»

● قاسمی در پاسخ در مورد این موضوع که «آیا ایران با آزمایش جدید موشکی در صدد ارایه پیمایی به دولت

● به گفته سخنگوی وزارت خارجه ایران «دولت آمریکا تا استقرار کامل هنوز فاصله دارد و سخنان دولت ترامپ ضد و نقیض است.» با این حال وی تأکید کرد که این سخنان «برای ما زیاد مهم نیست زیرا طی سده‌های گذشته از این صحبت‌ها شنیده‌ایم اما گذر زمان شرایط را بر دیگران تحمیل می‌کند.»

● قاسمی در ادامه به مسائلی منتشر شده در ارتباط با رابطه ترامپ و پوتین اشاره کرد و گفت: «آنچه که در این زمینه مطرح می‌شود را گمانه‌زنی می‌دانم. باید کمی صبر کرد.»

این در حالیست که دیمیتری اسکوف، سخنگوی رییس جمهوری روسیه نیز تأکید کرده است که دولت روسیه ایران را «تروریست» نمی‌داند و روسیه در این مورد با مواضع دونالد ترامپ رییس جمهوری جدید آمریکا توافق ندارد.

● جدید آمریکا بوده است» گفت: «این موشک‌ها دفاعی هستند و ما از آنها استفاده ابزاری نمی‌کنیم که بخواهیم با آن پیامی به دیگران بدهیم.»

وی در مورد سخنان ترامپ در خصوص لغو برجام نیز تصریح کرد: «تصور نمی‌کنیم که ترامپ بتواند برجام را یک طرفه و به راحتی نادیده بگیرد. این بحث ساده‌ای نیست. برجام حاصل مذاکرات چند جانبه است و قطعنامه شورای امنیت را به همراه خود داشته است.»

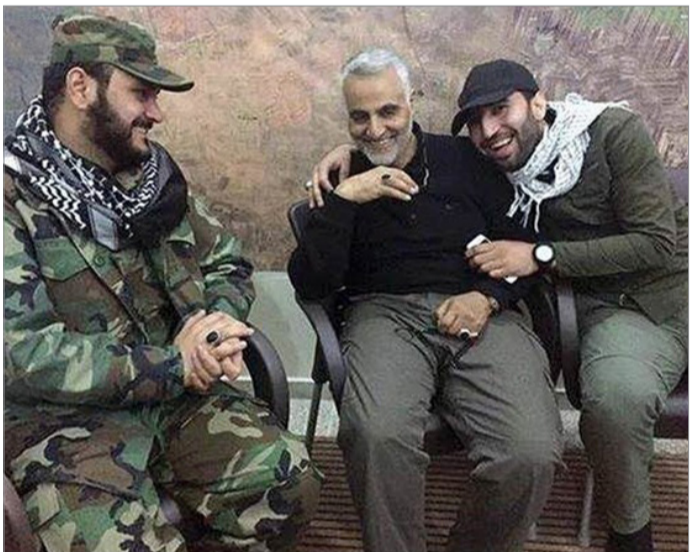
● به گفته قاسمی، «بازخوانی مجدد برجام به مصلحت آنها، منطقه و جهان نیست و فکر نمی‌کنم که آنها بتوانند به راحتی در این ارتباط به اجماع برسند.»

● سخنگوی وزارت امور خارجه درباره اظهارات تریسا می در مورد ایران نیز گفت: «این نوع برخوردها، غیرواقع‌بینانه و فرصت‌طلبانه است که تحت شرایط خاصی اتفاق می‌افتد.»

● وی افزود: «وضعیت بحرانی انگلستان بعد از خروج از اتحادیه اروپا و حوادث مترتب بر آن، لندن را مجبور کرده که به درآمدهای نفتی برخی کشورهای خلیج فارس گرایش صوری داشته

● به گفته سخنگوی وزارت خارجه ایران «دولت آمریکا تا استقرار کامل هنوز فاصله دارد و سخنان دولت ترامپ ضد و نقیض است.» با این حال وی تأکید کرد که این سخنان «برای ما زیاد مهم نیست زیرا طی سده‌های گذشته از این صحبت‌ها شنیده‌ایم اما گذر زمان شرایط را بر دیگران تحمیل می‌کند.»

## حدس و گمان درباره قرار گرفتن سپاه در لیست «سازمان‌های تروریستی»



● دولت جدید ترامپ در حال تحقیق پیشنهادی است که می‌تواند بر اساس آن سپاه پاسداران را در لیست «سازمان‌های تروریستی» قرار دهد.

● رابرتز نوشت: قرار دادن سپاه به عنوان یک نهاد قدرتمند نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی، به تشدید درگیری‌های نظامی در منطقه دامن خواهد زد.

● فرمانده کل سپاه پاسداران اعلام کرد: ایران موقعیتی دارد که آمریکا را «ببر کاغذی» می‌بیند.

● رابرتز به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد، دولت ترامپ در حال بررسی یک پیشنهاد است که می‌تواند بر اساس آن سپاه پاسداران را در لیست «سازمان‌های تروریستی» قرار دهد.

● به گفته مقامات آمریکایی، چندین سازمان دولتی آمریکا درباره این پیشنهاد مشورت کرده‌اند که در صورت اجرای چنین پیشنهادی، تحریم‌های اعمال شده از سوی ایالات متحده علیه افراد و شرکت‌های وابسته به سپاه را افزایش دهد.

● رابرتز می‌نویسد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از نهادهای امنیتی قدرتمند جمهوری اسلامی است که کنترل وسیعی در فعالیت‌های اقتصادی و تأثیر به‌سزایی در نظام سیاسی ایران دارد.»

● این خبرگزاری می‌افزاید: «قرار دادن سپاه به عنوان یک نهاد قدرتمند نظامی و سیاسی در لیست سازمان‌های تروریستی، می‌تواند سبب تشدید بی‌ثباتی در منطقه شده و به افزایش درگیری‌های نظامی دامن بزند همان‌طور که پیش از این نیز آمریکا

ایران را به دخالت در این درگیری‌ها و تشدید آن در منطقه متهم کرده بود. اتهاماتی که ایران بارها آن را رد کرده است.»

● رابرتز نوشت: «رونوشت پیشنهاد دولت ترامپ هنوز به رویت این خبرگزاری نرسیده است و تا کنون معلوم نشده که آیا ترامپ این پیشنهاد را امضا خواهد کرد یا نه؟»

● کاخ سفید نیز هنوز در این مورد هیچ‌گونه اظهار نظری نکرده است. از سوی دیگر حکومت ایران هم هر گونه ارتباطی با تروریسم را رد می‌کند.

● رابرتز همچنین به نقل از مقامات ارشد دولت ترامپ یادآور می‌شود: «دولت ترامپ برجام را پاره نمی‌کند، در عوض تلاش خواهد کرد که ایران را به خاطر حمایت از نیروهای «حوثی»، یمن، «حزب‌الله» لبنان، حمایت از بشار اسد، حمایت از مخالفان در منطقه علیه آمریکا و همچنین حملات سایبری علیه عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس و حمایت از برخی گروه‌های شیعه در عراق تحت فشار شدید قرار دهد.»

● به گزارش رابرتز، علاوه بر سپاه پاسداران، اخوان‌المسلمین در مصر هم متهم به فعالیت‌های تروریستی هستند و احتمالاً در این لیست قرار خواهند گرفت.

● رابرتز در ادامه می‌نویسد، از سوی دیگر دولت ترامپ واهمه دارد که قرار گرفتن نام سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی، سبب امتناع سرمایه‌گذاران خارجی از سرمایه‌گذاری در ایران شود و بحران خاورمیانه را تشدید کند.

● این اولین بار نیست که نام سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی قرار می‌گیرد. در سال ۲۰۰۷ نیز دولت آمریکا سپاه قدس را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد و اتحادیه اروپا هم در سال ۲۰۱۱ سپاه قدس را به دلیل حمایت از حکومت بشار اسد در لیست تحریم‌ها قرار داد و نام افرادی مانند «قاسم سلیمانی» و «حسن چچیری» در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت.

● از سوی دیگر، محمد علی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران در واکنش سریع به خبر رابرتز گفت: «بهتر است دولتمردان آمریکایی تهدید علیه ایران را بی‌فایده بدانند.»

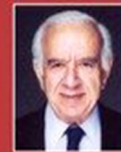
● وی افزود: «ایران در موقعیتی است که آمریکا در برابر آن «ببر کاغذی» است.»

## یک عمر خدمت به ایران

The Memoirs of  
Abdolreza Ansari

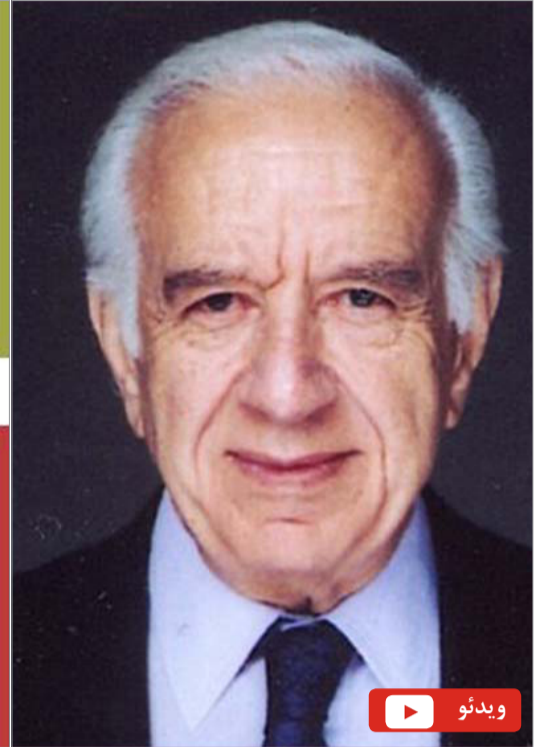
Foreword by Jamshid Amouzegar

Interviewer: Gholam-Reza Afkhami  
Oral History Archives of the  
Foundation for Iranian Studies



Ibex Publishers  
ibexpublishers.com

ویدئو



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

چهره‌های شناخته شده نظام پادشاهی ایران که با ۳۲ سال پیشینه خدمات دولتی کمک‌های ارزنده‌ای به پیشرفت و آبادانی کشور کرد در اروپا منتشر شده است.

مترجم این کتاب زیر عنوان «ایران شاه: ظهور و سقوط» کتابیون انصاری-بیگلری فرزند آقای انصاری است و کتاب توسط انتشارات TAURIS.LB طبع و نشر شده است.

عبدالرضا انصاری پیش از انقلاب بهمن ۵۷ مشاغل حساسی را در ایران عهده‌دار شد که از آن جمله می‌توان از خزانه‌داری کل کشور، وزارت کار، استانداری خوزستان، وزارت کشور و قائم مقامی شاهدخت اشرف پهلوی در امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران نام برد.

بیزن فرهودی در پاریس پیرامون این کتاب با آقای عبدالرضا انصاری به گفتگو نشست.

● من متوجه شدم که نسل جوان ایران از گذشته اطلاع چندانی ندارد. علاوه بر جوانانی که در ایران هستند، نسل جوانی که در خارج از کشور اقامت دارد متأسفانه بعد از انقلاب هر چند که فارسی صحبت می‌کند ولی تعداد کمی از آنها فارسی را می‌توانند بنویسند و بخوانند. این است که دختر کوچکم، کتابیون انصاری-بیگلری پیشنهاد ترجمه‌ی انگلیسی کتاب خاطرات مرا مطرح کرد و دختر دیگرم، نازنین انصاری در این زمینه کمک کرد.

● من متوجه شدم که نسل جوان ایران از گذشته اطلاع چندانی ندارد. علاوه بر جوانانی که در ایران هستند، نسل جوانی که در خارج از کشور اقامت دارد متأسفانه بعد از انقلاب هر چند که فارسی صحبت می‌کند ولی تعداد کمی از آنها فارسی را می‌توانند بنویسند و بخوانند. این است که دختر کوچکم، کتابیون انصاری-بیگلری پیشنهاد ترجمه‌ی انگلیسی کتاب خاطرات مرا مطرح کرد و دختر دیگرم، نازنین انصاری در این زمینه کمک کرد.

● من راجع به آینده بسیار خوش‌بین هستم. دلیل آن هم وجود میلیون‌ها جوان تحصیل کرده‌ای است که منبع عظیم تغییر در ایران هستند.

● به تازگی نسخه انگلیسی کتاب «خاطرات عبدالرضا انصاری» از

● من متوجه شدم که نسل جوان ایران از گذشته اطلاع چندانی ندارد. علاوه بر جوانانی که در ایران هستند، نسل جوانی که در خارج از کشور اقامت دارد متأسفانه بعد از انقلاب هر چند که فارسی صحبت می‌کند ولی تعداد کمی از آنها فارسی را می‌توانند بنویسند و بخوانند. این است که دختر کوچکم، کتابیون انصاری-بیگلری پیشنهاد ترجمه‌ی انگلیسی کتاب خاطرات مرا مطرح کرد و دختر دیگرم، نازنین انصاری در این زمینه کمک کرد.

● مسلماً دولت آمریکا از

### بهمین بیدادگر!

باز، تو باز آمدی  
ظلمت آن خاک و خشت!

باز، نمی‌خواهمت  
بهمین خونین سرشت!

با نفس سرد تو  
شاخه‌ی شادم شکست.

غم، به سراپرده‌ام  
خیمه زد و ریشه بست.

با من و نیلوفر  
حرف تو از برف بود.

با دل گلرنگ من  
گفتگو از برف بود.

کینه‌ی دیرینه‌ای!  
سنگ هر آینه‌ای!

زندگی، از دست تو  
اینهمه، فریادگر.

باز، نمی‌خواهمت  
بهمین بیدادگر!



طرح زمینه اثری از آیدین آخداشلو



رضا مقصدی

## تنگ مضراب! آوازه

به بهانه کنسرت سامانی‌ها:  
«برای ضرب. دستی آهنین ده»

گروهی از سازهای کوبه‌ای را زیر یک چتر گرد آورد و هنر ضرب‌نوازی را در موسیقی ایران زنده کند. بهنام و برادرش رضا از آن پس توانسته‌اند از کنسرت‌های خود در راه بالا بردن فرهنگ ضرب و سازهای کوبه‌ای دیگر بهره بگیرند. در همه این کنسرت‌ها چیزی که سخت مورد مراقبت سامانی‌ها بوده حفظ



ارزش‌های بداهه‌نوازه است. یکی از برجستگی‌های کار حسین تهرانی کوششی بود که برای گسترش محدوده بداهه نوازی به کار می‌زد. سامانی‌ها به نظر می‌رسد که همین راه و هدف را دنبال می‌کنند. درست هم همین است. اگر می‌خواهیم موسیقی ما از تکرارهای ملال‌آور سنتی رها شود باید به سراغ ریت‌ها و ریت‌پردازی‌های تازه‌تر برویم. این چیزی است که آهنگسازان نوپرداز سنتی نیز در ساخت آهنگ‌های خود رعایت می‌کنند. این به نیروی ضرب ریت‌ها بوده است که موسیقی سنتی ما در این سه چهار دهه اخیر کاملاً دگرگون شده است. ریت‌ها کاری کرده که موسیقی بی‌کلام نیز برانگیزاننده شده و ملال از آن رخت بر بسته است. کنسرت برادران سامانی قرار است شب یازدهم فوریه در فیلارمونی شهر کلن برگزار شود. با کنجکاو و اشتیاق به کنسرت سامانی‌ها می‌رویم و درباره‌اش خواهیم نوشت. در پایان بد نیست با این بیت از مولوی هم‌صدا شویم که: خدایا مطربان را انگبین ده برای ضرب، دستی آهنین ده

در آخرین سال‌های پیش از انقلاب اغلب موسیقی‌دانان ایرانی بر این باور بودند که موسیقی سنتی ما را با ریتم سر و کاری نیست. البته به ظاهر حق به جانب آنان بود. ریتم در معنایی که ما از آن در ذهن داریم هنگامی وارد بحث و جدل می‌شود که آدمی بتواند خود را با آن تکانی بدهد و نظم چشمگیر در رفتار و کردار خود به وجود بیاورد. در همان سال‌ها بودند تک و توکی از هنرمندان که هیچ پدیده‌ای را بدون ریتم نمی‌دیدند و نمی‌شنیدند. فشرده حرف آنها این بود که طبیعت وزمین و زمان از روز ازل بر محور ریتم یا وزن شکل گرفته‌اند. دنیای بدون ریتم مصداق عقلانی ندارد. چیزی که هست بعضی ریت‌ها آن چنان در ذات نغمه‌ها پنهان شده‌اند که قابل رویت نیستند و یا بعضی دیگر آن چنان سرعتی دارند که از شعاع دریافت بینایی ما بیرون است. ریتم در موسیقی ایران نمایان نیست ولی حضور دارد. ریتم‌هایی را که در ذات ملودی‌ها رسوب کرده‌اند باید به دست کاشفان با تجربه سپرد تا منجمد شده‌ها را از دل آنها در بیاورند. تا پیش از انقلاب اسلامی ما از این دست کاشفان در اختیار داشتیم که حسین تهرانی شاگرد مکتب صبا در صدر آنان نشسته بود. تهرانی علاوه بر کشف ریت‌های پنهان اعتبار اجتماعی ساز تنبک را که معروف‌ترین وسیله ایجاد ریتم در موسیقی سنتی ایران است فراهم آورد. تنبک نازل‌ترین جایگاه را در میان سازهای سنتی داشت. بر اساس گزارش‌های جهانگردان دوره قاجار تنبک‌نوازان را در پایین اتاق می‌نشاندند. علاوه بر آن تنبک‌نوازان خدمتکاران خصوصی خوانندگان و نوازندگان نیز بودند و برایشان آب و غذا و قلیان می‌آوردند.

وسيله شاگردان و هواداران‌اش ادامه پیدا کرد. پس از تهرانی ریت‌های موسیقی ایران نه تنها نوازندگان تنبک را که آهنگسازان سنتی را به استفاده بیشتر از ریت‌های مهجور برانگیخت. نمونه برجسته حسین علیزاده است که با استفاده از ریت‌های مهجور و ابداع ریت‌های تازه، شبه‌انقلابی در کار آهنگسازی پدید آورده است. از آن گذشته تک‌نوازان برجسته تنبک پرورش یافته‌اند به عنوان مثال می‌توان از محمد اسماعیلی، بهمن رجبی، ناصر فرهنگ‌فر، پژمان حدادی، محمدرضا مرتضوی و برادران سامانی یاد کرد. از آن گذشته ارکستر تنبک به وجود آمد و گروه‌نوازی تنبک به برنامه‌های اجرایی جاذبه بیشتری بخشید. برادران سامانی ارکستری پدید آوردند از سازهای کوبه‌ای تازه کشف شده و کم‌تر شناخته شده. نام گروه خود را هم در آغاز «آنسامل ضربانگ» نهاده بودند ولی حالا آن را به آنسامل سامانی تغییر داده‌اند.

بهنام سامانی در سال ۱۹۹۳ برای نخستین بار به این فکر درآمد که

در آخرین سال‌های پیش از انقلاب اغلب موسیقی‌دانان ایرانی بر این باور بودند که موسیقی سنتی ما را با ریتم سر و کاری نیست. البته به ظاهر حق به جانب آنان بود. ریتم در معنایی که ما از آن در ذهن داریم هنگامی وارد بحث و جدل می‌شود که آدمی بتواند خود را با آن تکانی بدهد و نظم چشمگیر در رفتار و کردار خود به وجود بیاورد. در همان سال‌ها بودند تک و توکی از هنرمندان که هیچ پدیده‌ای را بدون ریتم نمی‌دیدند و نمی‌شنیدند. فشرده حرف آنها این بود که طبیعت وزمین و زمان از روز ازل بر محور ریتم یا وزن شکل گرفته‌اند. دنیای بدون ریتم مصداق عقلانی ندارد. چیزی که هست بعضی ریت‌ها آن چنان در ذات نغمه‌ها پنهان شده‌اند که قابل رویت نیستند و یا بعضی دیگر آن چنان سرعتی دارند که از شعاع دریافت بینایی ما بیرون است. ریتم در موسیقی ایران نمایان نیست ولی حضور دارد. ریتم‌هایی را که در ذات ملودی‌ها رسوب کرده‌اند باید به دست کاشفان با تجربه سپرد تا منجمد شده‌ها را از دل آنها در بیاورند. تا پیش از انقلاب اسلامی ما از این دست کاشفان در اختیار داشتیم که حسین تهرانی شاگرد مکتب صبا در صدر آنان نشسته بود. تهرانی علاوه بر کشف ریت‌های پنهان اعتبار اجتماعی ساز تنبک را که معروف‌ترین وسیله ایجاد ریتم در موسیقی سنتی ایران است فراهم آورد. تنبک نازل‌ترین جایگاه را در میان سازهای سنتی داشت. بر اساس گزارش‌های جهانگردان دوره قاجار تنبک‌نوازان را در پایین اتاق می‌نشاندند. علاوه بر آن تنبک‌نوازان خدمتکاران خصوصی خوانندگان و نوازندگان نیز بودند و برایشان آب و غذا و قلیان می‌آوردند.

اما تهرانی که وارد میدان شده همه اوضاع را دگرگون کرد و تنبک‌نوازان همان قدر، قدر می‌دیدند که نوازندگان دیگر. تهرانی همیشه خود می‌گفت: ما ضرب‌گیرها صفر پیش از عدد بودیم حالا به صفر جلوی عدد تبدیل شده‌ایم. کوشش‌های تهرانی هم برای اعاده حیثیت

اما تهرانی که وارد میدان شده همه اوضاع را دگرگون کرد و تنبک‌نوازان همان قدر، قدر می‌دیدند که نوازندگان دیگر. تهرانی همیشه خود می‌گفت: ما ضرب‌گیرها صفر پیش از عدد بودیم حالا به صفر جلوی عدد تبدیل شده‌ایم. کوشش‌های تهرانی هم برای اعاده حیثیت

### دیدار و گفتگو با رضا روحانی



ویدئو

«برای دیدن ویدئو روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

رضا روحانی، نوازنده و آهنگساز چیره‌دست، چهره‌ای است محبوب که هر هفته با حضور در برنامه‌ی تلویزیونی پرترفدار «استیج» و ویژه‌ی یافتن استعدادها تا کنون ناشناخته موسیقی، مهمان منازل فارسی‌زبانان در گوشه و کنار جهان است. بیزن فرهودی در استودیوی کیهان لندن با رضا روحانی، فرزند استاد انوشیروان روحانی، که خود از نوابغ موسیقی ایران است، به گفتگو نشست.

برای من امکان فعالیت در ایران به همان اندازه مهم‌تر از رفت و آمد به وطن است. در ایران هم به بهانه‌های واهی، از جمله مثلاً بهایی بودن، جلوی فعالیت مرا می‌گرفتند. و وقتی هم که می‌گفتم بهایی نیستم جوابی در مقابل نداشتند.

● امیدوارم و سعی خودم را می‌کنم که بتوانم پدرم را الگو قرار بدهم.

● با توجه به اینکه هم از طرف پدر، پدربزرگم، پدرم و عموهایم، و هم از طرف مادر- زنده‌یاد پوران خاله‌ام بود- در موسیقی بودند و هستند، من راه دیگری غیر از اینکه در این مسیر گام بردارم نداشتم.

● پروفیسور مجید سمیعی، جراح معروف که دوست صمیمی پدرم است و همسرش مهشید جان، وظیفه‌ی نگهداری مرا در هانوفر آلمان به عهده داشتند. اگر حمایت‌های پروفیسور سمیعی و همسرش نبود من مطمئن نیستم که به مدارج کنونی در موسیقی می‌توانستم برسیم.

● از ترک ایران و مهاجرت به آمریکا پشیمان نیستم.



# افغانستان همچنان در آتش می سوزد



بیژن فرهودی - ایالات متحده حدود سید تفتنگدار دریایی خود را به ولایت هلمند در جنوب افغانستان می‌فرستند تا نیروهای امنیتی افغان را که در بیرون راندن طالبان از این منطقه تریاک‌خیز با مشکل روبرو بودند آموزش و همیاری بدهند. آمریکا و ناتو در پایان سال ۲۰۱۴ رسماً به ماموریت رزمی خودشان در افغانستان پایان دادند. اما هزاران نفر سرباز خارجی در کشور باقی ماندند، تا نیروهای افغان را برای اجرای عملیات ضد تروریستی تعلیم بدهند و هدایت کنند. در مورد وضعیت افغانستان و چشم‌انداز برقراری صلح و امنیت در این کشور با دکتر لعل زاد استاد دانشگاه و کارشناس مسائل افغانستان گفتگویی داشتیم.

● آقای لعل زاد وقتی آدم به وضعیت افغانستان نگاه می‌کند می‌بیند که حدود ده هزار سرباز آمریکایی آنجا حضور دارند و کمک می‌کنند به نیروهای افغان برای اینکه عملیات تامین امنیت در کشور را اجرا کنند. بعد خبر می‌آید که آمریکا باز می‌خواهد سید تفتنگدار دریایی دیگر را روانه آن کشور بکند. چه احتیاجی هست که باید سید تفتنگدار دیگر برونند کمک بکنند در حالی که ده هزار نیروی آمریکایی از قبل در آنجا حضور دارند؟

- در صورتی که شما از تحولات افغانستان مطلع بوده باشید با وجود اینکه فعلاً فصل زمستان است و در سال‌های گذشته اکثراً در موسم زمستان جنگ‌ها توقف می‌کرد ولی با بد شدن اوضاع حتی در همین فصل زمستان جنگ‌ها در افغانستان توقف نکرده است. با وجودی که جنگ به شمال افغانستان گسترش یافته است. در چند هفته اخیر جنگ‌های شدیدی در هلمند و بخصوص در فراه وجود داشت و تشویش‌هایی وجود داشت که ولایت فراه و ولایت هلمند سقوط نکند. فکر می‌کنم بیشتر به خاطر اطمینان اینکه حتی در موسم زمستان ولایت هلمند و یا احتمالاً فراه سقوط نکند احتمالاً نیروی بیشتری به افغانستان فرستاده شده است.

● الان ارتش افغانستان و پلیس ملی کشور چه تعداد نیرو دارد؟ - به طور رسمی حدود سیصد هزار نیروهای مسلح افغانستان است. ولی واقعیت قضیه معلوم نیست که چه تعدادی از این سربازان خیالی هستند که متأسفانه یک داستان بسیار معمول در وزارت‌های مختلف افغانستان است.

● اشاره کردید به نیروهای خیالی. منظور از خیالی چیست؟ - همان قسمی که در وزارت معارف افغانستان مکاتب خیالی، مدرسه‌های خیالی مسلح افغانستان هم پلیس خیالی و کتک‌های خیالی و به همین ترتیب قانون‌های خیالی که در افغانستان می‌گویند وجود دارد.

● یعنی روی کاغذ فقط می‌گویند که این تعداد ما نیرو داریم ولی واقعاً ندارند؟

- یعنی در مناطق مختلف و در ولایات مختلف به طور مثال یک پاسگاهی که آنجا وجود دارد برای صد نفر یا دو صد نفر اینها یا شا باطی می‌گیرند یعنی پول می‌گیرند در حالی که اینها در واقع آنجا شاید ده نفر بیشتر نباشند. یک فساد بسیار گسترده‌یست که در نیروهای مسلح افغانستان متأسفانه وجود دارد.

● کل کشور افغانستان را که در نظر بگیریم الان چه مقدارش تحت نیروهای دولتی است و چه مقدار تحت کنترل طالبان؟

- با وجودی که رسماً هیچ ولایتی در کنترل مخالفین وجود ندارد ولی دقیقاً مثل زمانی که اتحاد شوروی در افغانستان بود وضع بدتر از آن است. یعنی تمام این مراکز ولایات و والس والی‌ها در اختیار دولت است ولی اگر تمام نگوییم در اکثریت مطلق قریه‌ها، قشلاق‌ها و روستاها طالبان وجود دارند.

● یعنی از شهرها که خارج می‌شوید دیگر امنیت به آن صورت نیست و دست طالبان است؟

- متأسفانه واقعیت تلخ همین است، البته قبلاً فقط در جنوب این اوضاع حاکم بود ولی متأسفانه این وضع فعلاً بر شمال هم انتقال کرده و

در اکثر روستاهای افغانستان طالبان حاکم‌اند.

● در گزارش‌های خبری آمده است که طالبان حدود ۸۵ درصد هلمند را کنترل می‌کنند. این مقدار می‌گویند که در سال گذشته تنها حدود بیست درصد بوده. چگونه است که طالبان توانسته طی یک سال ۶۵ درصد دیگر از این ایالت را تحت کنترل خودشان در بیاورند با وجود اینکه نیروهای امنیتی سعی دارند اینها را از آنجا بیرون برانند و می‌دانیم که منطقه بسیار، منطقه تریاک‌خیز است و حدود چهار میلیارد دلار در سال در آمد دارد این منطقه.

- البته این می‌تواند عوامل مختلفی داشته باشد. از یک طرف پالیسی دولت کنونی یعنی پالیسی ریاست شورای امنیت که غنی در راس او هست و کس دیگری به نام اتمر عملاً کنترل زور را در دست دارد. متأسفانه پالیسی هجوم بر طالبان را اینها در هیچ دولتی تطبیق نکرده‌اند. قسمی که ولایت کندوز دو بار به دست طالبان می‌افتد. چیزی که در چهارده سال گذشته وجود نداشت به همین ترتیب جنگ نه تنها در جنوب بلکه در شمال انتقال داده می‌شود و در جنوب هم در استان هلمند وضع به همین گونه است. یعنی در هر جایی که نیرو وجود دارد فقط مصروف نگهداری مرکز ولایات و یا والس والی‌ها هستند و طالبان همه روزه دارند پیشروی می‌کنند. ولی فقط به خاطر اینکه نگذارند ولایت سقوط بکند و یا والس والی سقوط بکند فکر می‌کنم بیشتر دلیل‌اش همین است.

● دکتر لعل زاد، آقای اش کارتر وزیر دفاع آمریکا در روزهای پایانی دولت اوباما آخرین سفر خودش را به عنوان وزیر دفاع به افغانستان انجام داد برای ملاقات با مقامات افغان و بازدید نیروهای آمریکایی. آیا ایالات متحده در چند ماه آخر دولت اوباما سستی به خرج داده یا سیاست‌اش درست نبوده که نتوانسته آن جور که باید و شاید کمک بکند به نیروهای افغان در قلع و قمع طالبان؟

- متأسفانه سیاست آمریکایی‌ها در افغانستان از اوایل هم کاملاً نا روشن بوده. بخصوص در رابطه با مسائلی که در ارتباط با پاکستان دارند و نیروهایی که در افغانستان از طریق پاکستان داخل می‌شوند. این سیاست همیشه گنگ و مبهم بوده است. از یک طرف با پاکستان ادعای دوستی دارند و از یک طرف هم می‌خواستند که دولت افغانستان را کمک کنند و به این ترتیب در دوران اوباما که در افغانستان در مورد نیروهای نظامی اقداماتی کرده‌اند یا خروج و دخولی که کرده‌اند هیچ اثری نداشته است. متأسفانه در روزهای پایانی هم همان قسمی که فرستادن سربازها اثری نداشته فرستادن مقامات نظامی‌اش هم اثری ندارد و تا جایی که من در جریان هستم همگان در افغانستان منتظر این قضیه بودند که با آمدن ترامپ سیاست آمریکا در قبال افغانستان چگونه می‌شود. یعنی اگر آنها سیاست قاطعی در میان بگیرند همین سیاست یا همین سرباز به همین گونه‌ای که ادامه دارد بدتر ادامه پیدا خواهد کرد.

● فکر می‌کنید اینکه سیاست قاطعی در پیش نگرفتند ممکن است یک دلیل‌اش این باشد که در افغانستان نوعی دوگانگی قدرت

وجود دارد؟ از یک سو آقای اشرف غنی است از سوی دیگر آقای عبدالله عبدالله و با یک صدا شاید صحبت نمی‌کنند با غرب و به ویژه با آمریکا.

- دقیقاً اصل مطلب همین است یعنی ما در افغانستان با یک حاکمیتی سر و کار داریم که به اصطلاح وطنی دو راننده دارند. یکی اشرف غنی است و دیگری هم داکتر عبدالله. یعنی دو نیم سال قبل زمانی که اشرف غنی در یک انتخابات تقلبی در افغانستان حکومت را در دست می‌گیرد توسط جان کری در آنجا یک حکومت یک موجودی به نام وحدت ملی خلاف قانون اساسی صورت می‌گیرد ولی در آنجا زمان تعیین می‌شود که در مدت دو سال اینها باید با همدیگر لویه جرگه را دعوت بکنند و این حکومت غیرقانونی را از طریق تغییر قانون اساسی به یک حکومت قانونی تبدیل بکنند و ما با در نظر داشت این موضوع با وجود اینکه از نگاه رسمیات قدرت گویا پنجاه پنجاه تقسیم است ولی عملاً جنگ بر سر قدرت ادامه دارد. پس از مدت دو و نیم سال هنوز قدرت عبدالله معلوم نیست و تناقضاتی در بین اردوگاه عبدالله به وجود آمده. مردم ناراضی‌اند، جنگ گسترش یافته انتحار و انفجار همه روز ادامه دارد چنین حکومتی معلوم است که دوام ندارد و همه کس منتظر این بودند که با آمدن ترامپ چه تحولاتی در افغانستان به وجود می‌آید.

● آیا هیچ صحبتی شده است از سوی مقامات دولت منتخب آمریکا که چه سیاستی ممکن است آقای ترامپ در مورد افغانستان در پیش بگیرد؟

- تا جایی که من در جریان هستم هنوز رسماً دونالد ترامپ هیچ پالیسی در رابطه با افغانستان ندارد به همین خاطر همه چیز مبهم است. ● از لحاظ محبوبیت در داخل افغانستان این دو نفر چه میزان محبوبیت دارند آقای غنی و عبدالله؟

- خوب در افغانستان کاملاً مردم می‌دانند که دکتر اشرف غنی در دوره اول انتخابات حدود سی درصد رای گرفت با وجود اینکه عبدالله در انتخابات بیش از چهل و پنج درصد رای داشت و در دور دوم از طریق تقلب اشرف غنی به قدرت رسید. اما مردم از دکتر عبدالله توقع داشتند که در دو سال گذشته بتوانند لویه جرگه را دعوت بکنند، بنیاد حکومت وحدت ملی را بسازند، امنیت را برقرار بکنند و آن وعده‌هایی را که در انتخابات داده بودند آن را تکمیل بکنند که متأسفانه نه آن وعده‌ها تکمیل شد و نه امنیت تکمیل شد و نه وضعیت در خانه مردم تغییر خورد. اینها هر دویشان مساویانه مورد نفرت و انزجار مردم قرار دارند.

● به نقش دو کشور همسایه، پاکستان و ایران هم اشاره‌ای داشته باشیم. چندسال پیش با آقای خلیل زاد که صحبت می‌کردم، سفیر پیشین آمریکا در افغانستان می‌گفت که جمهوری اسلامی‌به هر دو طرف در این معادله افغانستان کمک می‌کند هم به دولت مرکزی کمک می‌کند هم به طالبان. آن موقع آقای کرزی سر کار بودند. آقای عبدالله و غنی نبودند، یک دولت واحد بود. آیا سیاست جمهوری اسلامی را شما همچنان اینگونه می‌بینید؟

- البته در رابطه با جناب خلیل زاد می‌توانیم بگوییم که تمام بدبختی‌هایی که امروز دامنگیر دولت افغانستان است بنیانگذارش جناب خلیل زاد هستند. جناب خلیل زاد من حیث یک کسی که امریکایی و افغانستانی بودند و اثرمندی زیادی داشتند در جلسه بن موجودی را به نام کزازی تحمیل کردند بعد قانون اساسی جعلی ساختند و یک ساختار متمرکز حکومتی را بر افغانستان تحمیل کردند که در آنجا دیکتاتوری کزازی و دیکتاتوری غنی هنوز ادامه دارد اما در رابطه با مداخلات ایران و پاکستان...

● ببخشید، به دیکتاتوری اشاره می‌کنید آیا آن دیکتاتوری از نظر شما بهتر از حکومت طالبان نبود؟

- ببینید، ما در زمان طالبان چیزی به عنوان حکومت نداشتیم. آن یک ساختار قرون وسطایی بود که بر هیچ بنیادی استوار نبود. ولی بدبختی در زمان دکتر خلیل زاد این بود که اینها به عنوان دموکراسی این را تحمیل کردند یعنی یک ساختار ریاستی با قدرت بی حد و حصر رئیس جمهوری یک جامعه چند قومی با تضادهای قومی، زبانی، فرهنگی. یک چنین ساختاری بر افغانستان کاملاً غیر عملی بود و به همین خاطر است که جناب‌هایی که داریم و امروز هم اشرف غنی و داکتر عبدالله با یکدیگر جور نمی‌آیند سخن بر سر ساختار است. اشرف غنی می‌خواهد که مطابق قانون اساسی همان ریاست جمهوری خود را ادامه بدهد در حالی که عبدالله از نگاه وحدت ملی درخواست این را دارد که باید حکومت پنجاه پنجاه تقسیم و قدرت باید تقسیم شود.

● یک رئیس جمهوری و یک صدر اعظم...

اهداف آمریکا این بود که القاعده را از افغانستان بیرون کند. آیا این هدف کاملاً اجرا شده و الان افغانستان خالی از نیروهای القاعده است؟

- القاعده در افغانستان به کمک طالبان آمدند و در وجود طالبان در افغانستان عمل می‌کردند. با تحولاتی که در سال ۲۰۰۱ آمد و حاکمیت طالبان سقوط کرد اینها به پاکستان فرار کردند یکجا با القاعده. البته تحولاتی که در القاعده شده فقط رهبری است و یک تعداد رهبران بلند پایه دستگیر شدند و یا کشته و اعدام شدند. ولی رهبران طالبان هیچ یک نه گرفتار شدند نه به محاکمه سپرده شدند ولی زمانی که پاکستان انکشاف اوضاع را دید مورد افغانستان دوباره مداخلات خودش را شروع کرد. طالبان دوباره مسلح شدند و به داخل افغانستان آمدند و همان یک بام و دو هوا ادامه دارد.

● آیا رهبران القاعده تا حالا هیچ یک به ایران فرار کردند؟ در ابتدا گزارش‌هایی بود که ایران کمک کرده به بعضی از چهره‌های القاعده. آیا این هنوز ادامه دارد؟ آیا ایران به شکلی کمک می‌کند به آنها؟

- البته گزارش‌هایی وجود دارد ولی اسنادی از جانب هیچ کدام تا کنون ارائه نشده. با وجود اینکه گزارش‌هایی وجود دارد که رهبران طالبان از حکومت ایران دعوت کرده‌اند یا مثلاً بعضی از رهبران القاعده آنجا بوده‌اند ولی ما گزارش مستندی تا کنون ندیده‌ایم.

● با توجه به اینکه در ایران یک مقدار احساسات ضد مهاجران وجود دارد و با افغان‌ها بدر رفتاری شده توسط مقامات دولتی، الان واقعا رابطه بین ایران و افغانستان به چه شکلی هست؟ افغان‌ها چگونه به جمهوری اسلامی ایران و به مردم ایران نگاه می‌کنند؟

- ببینید وقتی که در این مورد صحبت می‌کنیم باید تعاملات دولتی را با تعاملات مردمی جدا بکنیم. یعنی مردم ایران و مردم افغانستان زبان مشترک، تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک دارند هیچ جوهی قابل اختلاف در بین این مردم وجود ندارد. ولی آنچه از طریق مقامات ایران در مورد بعضی مهاجرین افغانستان در مقایسه با پاکستان صورت گرفته متأسفانه ناخوشایند برای مردم افغانستان بوده. یعنی همان طوری که در پاکستان مردم افغانستان مورد مهمان‌نوازی و قدرشناسی قرار گرفته بودند کسانی که در ایران رفته بودند متأسفانه یک مقدار ناراضی و برایشان ناخوشایند بوده است.

● ولی آیا افغانستان همچنان ایران را یک کشور دوست و برادر می‌داند؟

- دستگاه دولتی حاکمیت افغانستان در چنین حالتی قرار ندارد. شما در جریان هستید که دستگاه حاکمیت افغانستان زبان مارا حتی نام‌اش در تغییر داده‌اند. در افغانستان نام زبان فارسی را دری گذاشته‌اند به خاطر اینکه گویا ما دو زبان مختلف و دو کشور مختلف هستیم. و به همین ترتیب تناقضات فرهنگی وجود دارد. کوشش می‌شود که زبان فارسی در افغانستان به کنار گذاشته شود. و زبان پشتو و فرهنگ پشتو در افغانستان حاکمیت پیدا کند. این تناقضات از نگاه دستگاه‌های حکومتی در افغانستان وجود دارد

ولی در بین مردم نیست. ● دکتر لعل زاد، چه انتظاراتی دولت افغانستان از دولت جدید آمریکا دارد؟ چه کارهایی باید انجام شود برای کمک به تامین امنیت و برقراری صلح و ثبات و عمران افغانستان؟

- سوال خیلی مشکلی است که من در موقعیت سخنگویی دولت افغانستان نمی‌توانم جوابگو باشم. تا جایی که من دولت افغانستان را می‌بینم اینها هیچ گامی در صد تامین امنیت و یا خدمت به مردم بر نداشته‌اند. تا جایی که من از وضعیت افغانستان خبر دارم مردم افغانستان دستگاه حاکمه را ملامت می‌کنند که اینها بوده‌اند که جنگ را به شمال افغانستان گسترش دادند اینها بودند که باعث سقوط قندوز شدند. اینها بودند که از این ممانعت کردند که معاون اول رئیس جمهور به قندوز برود. به شمال برود یعنی اگر ما نیروهایی که در شمال داریم واقعا دولت افغانستان خواستار این بوده باشد که در آنجا القاعده را یا طالبان را یا داعش را سرکوب بکنند، در آنجا اینها بسیار ساده سرکوب می‌شوند. چون طالبان، القاعده یا داعش در شمال افغانستان نه پایگاه مردمی دارند نه پایگاه زبانی دارند نه پایگاه فرهنگی و هیچ پشتیبانی خارجی هم در شمال افغانستان برای اینها وجود ندارد. یعنی شورای امنیت افغانستان متهم به این است که اینها خودشان جنگ را به افغانستان به شمال گسترش می‌دهند تا پای حاکمیت خود را تقویت بکنند.

● آیا این امکان وجود دارد که این دعوای بین آقای غنی و دکتر عبدالله این قدر زیاد شود که شیرازه امور از دست برود و از هم گسیخته شود و این وسط نیروهای طالبان بیایند و از آب گل آلود ماهی گرفته و حکومت را به دست بگیرند؟

- وضع کاملاً همین گونه است فعلاً یعنی مناسبات دولتی در دستگاه دولت کاملاً از هم گسیخته و پاشیده است. بگانه امیدواری که در آنجا وجود دارد برای این است که نیروهای خارجی وجود دارند و اینکه دونالد ترامپ چه سیاستی را در رابطه با افغانستان اتخاذ می‌کند. ● یعنی منظور شما این است که اگر نیروهای خارجی نباشند احتمال سقوط دولت در افغانستان وجود دارد؟

- صد در صد این احتمال وجود دارد. اگر نیروهای خارجی وجود نداشته باشند حتی ضرورت بر موجودیت طالبان چه اینکه دستگاه کابل فردا سقوط می‌کند.

● در مورد داعش به نظر شما الان وضعیت چیست؟ آیا نیروهای داعش در افغانستان فعال هستند؟

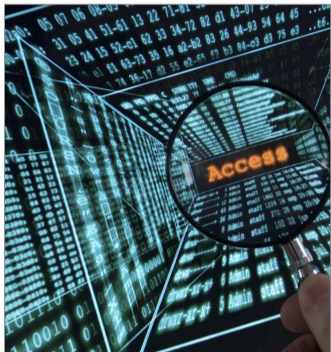
- آنچه جالب است و دستگاه‌های دولتی ما ادعا دارند که در افغانستان داعش به وجود آمده یا مثلاً پایگاهی می‌خواهند در شمال ایجاد بکنند یا وجود اینکه داعش هیچگونه پایگاه مردمی، زبانی، فرهنگی در افغانستان ندارد و مردم این را باور نمی‌کنند. باید همان گروه‌های طالب بوده باشند که شاید پرچم خود را عوض می‌کنند و گرنه وجود داعش آن هم در شمال افغانستان که پشتیبانی خارجی دارد امکان‌اش بسیار کم است.

● آینده را چگونه می‌بینید دکتر لعل زاد؟

- آینده افغانستان تا زمانی که چنین ساختاری مردود و حکومتی نادرست در افغانستان وجود دارد و چنین ساختاری از بیخ و بن اگر تغییر نکند حکومت افغانستان بر سر پا ایستاده نمی‌شود. چون ما هیچگونه پشتیبانی اقتصادی برای این مقدار نیرویی که در افغانستان وجود دارد نداریم اگر همکاری یا پشتیبانی خارجی‌ها بخصوص آمریکا نباشد نیروهای مسلح افغانستان حتی توان این را ندارند که برای یک ماه به پای خود ایستاده شود. یعنی هم تغییر حکومت در افغانستان و هم پشتیبانی قوی خارجی می‌تواند متضمن این شود که حکومت افغانستان بر جا ایستاده شود. غیر از این آینده بسیار تاریکی در پیش روی مردم ما وجود دارد.

\*انتشار گفتگوی ویدیویی: ۱۳ ژانویه ۲۰۱۷\*

## جاسوسی ۱۸ هزار بسیجی سایبری در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی



مصادیق محتوای مجرمانه گزارشات خود را ارسال کرده و اعلام همکاری داوطلبانه کنند.»

فیلترینگ اینترنتی هوشمند و غیرهوشمند و سرعت پایین اینترنت، در حال حاضر میزان فعالیت افراد در فضای مجازی را محدود کرده است و پلیس فتا (پلیس سایبری) از سازمان‌های فعال دیگر در زمینه کنترل شدید و رصد فضای مجازی است که کاربران را کنترل می‌کند.

بسیاری از ایرانیان در حال حاضر در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام فعالیت می‌کنند. اما دسترسی کاربران ایرانی به فیس بوک یا توئیتر، یوتیوب و بسیاری از سایت‌های اینترنتی محدود است و آنها تنها با وی‌پی‌ان قادر به باز کردن برخی از سایت‌های اینترنتی هستند.

مقامات جمهوری اسلامی رویکردی دوگانه در استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارند، از یک‌سو خود در این شبکه‌ها فعال هستند و این شبکه‌ها تریبون آنهاست و از سوی دیگر بر این کنترل شدید آنها قرار داشته باشد. از آنجا که گفته می‌شود، گسترش اقدامات برای جاسوسی و خبرچینی بیشتر در فضای مجازی هزینه بالایی برای دولت دارد و هر ساله بودجه زیادی به کنترل فضای مجازی اختصاص داده می‌شود، حالا قرار است از نیروی کار «داوطلبانه» استفاده شود

فیلترینگ اینترنتی هوشمند و غیرهوشمند و سرعت پایین اینترنت، در حال حاضر میزان فعالیت افراد در فضای مجازی را محدود کرده است و پلیس فتا (پلیس سایبری) از سازمان‌های فعال دیگر در زمینه کنترل شدید و رصد فضای مجازی است که کاربران را کنترل می‌کند.

بسیاری از ایرانیان در حال حاضر در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام فعالیت می‌کنند. اما دسترسی کاربران ایرانی به فیس بوک یا توئیتر، یوتیوب و بسیاری از سایت‌های اینترنتی محدود است و آنها تنها با وی‌پی‌ان قادر به باز کردن برخی از سایت‌های اینترنتی هستند.

مقامات جمهوری اسلامی رویکردی دوگانه در استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارند، از یک‌سو خود در این شبکه‌ها فعال هستند و این شبکه‌ها تریبون آنهاست و از سوی دیگر بر این کنترل شدید آنها قرار داشته باشد. از آنجا که گفته می‌شود، گسترش اقدامات برای جاسوسی و خبرچینی بیشتر در فضای مجازی هزینه بالایی برای دولت دارد و هر ساله بودجه زیادی به کنترل فضای مجازی اختصاص داده می‌شود، حالا قرار است از نیروی کار «داوطلبانه» استفاده شود

فیلترینگ اینترنتی هوشمند و غیرهوشمند و سرعت پایین اینترنت، در حال حاضر میزان فعالیت افراد در فضای مجازی را محدود کرده است و پلیس فتا (پلیس سایبری) از سازمان‌های فعال دیگر در زمینه کنترل شدید و رصد فضای مجازی است که کاربران را کنترل می‌کند.

● **حدود ۱۸ هزار بسیجی سایبری به طور «داوطلبانه» سایت‌ها و شبکه‌های مجازی را برای دادستانی کل رصد می‌کنند.**

● **معاون دادستان کل اعلام کرد: افراد می‌توانند با مراجعه به سایت اعلام شده و دسترسی به قسمت «کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه» گزارش‌های خود را ارسال کرده و اعلام همکاری «داوطلبانه» کنند.**

معاون دادستان کل از راه‌اندازی «بسیج سایبری» در فضای مجازی خبر داد و گفت: «حدود ۱۸ هزار نفر به طور داوطلبانه گزارش رصد سایت‌ها و شبکه‌های مجازی را به دادستانی کل ارایه می‌کنند.»

به گزارش خبرگزاری مهر، عبدالصمد خرم آبادی افزود: «یکی از منابع اصلی برخورد کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه با سایت‌های متخلف همین گزارش‌های داوطلبانه بسیج سایبری است.»

معاون دادستان کل کشور در رابطه با نحوه همکاری با این نوع بسیج در فضای مجازی خاطرنشان کرد: «افراد می‌توانند با مراجعه به سایت و دسترسی به قسمت کارگروه تعیین

## آیدا مشرف، آواز خوانی از سوئد تا ترکیه



شگفت‌زده کردید؛ اصلاً چه شد که تصمیم گرفتید در «او-سس» شرکت کنید؟ و اسم آن آهنگ معروف چیست؟

به همراه مادرم هنگام مسافرت تابستان در ترکیه در تلویزیون آگهی «او-سس» را دیده بودم و چند کلیپام را برایشان فرستادم که سه هفته بعد تماس گرفتند گفتند بیا البته من از ابتدا به «او-سس» نرفته بودم، بلکه از طرف برنامه تلویزیونی (Turkeys got talent) به «او-سس» دعوت شدم. یعنی اول به مرکز «تلنت شو» رفتم و از آنجا مرا به «او-سس» معرفی کردند و بعد هم به برنامه «د وویس» ترنسفر کردند.

اسم آهنگ معروفی که در آن برنامه خواندم «ایسیان» (به معنی عیسان) بود از Halil Sezai حلیل سزایی که اصلاً یک سال قبل از این مسابقه من به سبک خودم با گیتار خوانده بودم و در یوتیوب هم پخش شده بود. این آهنگ را که برای مسابقه خواندم خیلی گرفت.

● **نظر داوران و تماشاچی‌ها چه بود؟ بیشتر چه می‌گفتند؟**

اولین بار بود که من در یک سالن بزرگ آهنگ ترکی می‌خواندم. همه شوکه شده بودند چون فکر نمی‌کردند که بتوانم به ترکی هم بخوانم. به من گفتند صدایت گرم و سوزان است.

● **بعد از موفقیت در «او-سس» چه اتفاقی افتاد؟**

از طریق همانجا با «سونی موزیک» قرارداد بستم و سه سال هم در ترکیه بودم و آهنگ Boğaz'da Yangın Var را آنجا ساختیم و سال ۲۰۱۵ با برندسونی موزیک در ترکیه منتشر شد.

● **از این آهنگ چقدر استقبال شد؟**

خیلی. مردم خیلی دوست داشتند.

● **فکر می‌کنید شهرت و موفقیت خواننده به زبان انگلیسی و سوئدی سخت‌تر از ترکی و فارسی است؟**

نه، من هیچ موقع در سوئد و انگلیس در میان مردم خوانده بودم که حالا بتوانم بگویم آنجا شهرت و موفقیت، سخت‌تر است یا راحت‌تر. من آنجا در اتاق یک استودیو خانگی داشتم که در آن آهنگ می‌ساختم و آواز می‌خواندم. تولید در بازار موسیقی همه کشورها سخت است.

● **یعنی شما کار موسیقی را بیشتر برای دل خودتان انجام می‌دهید و نه برای بازار؟**

بله، خوب، همه چیز اول از دل شروع می‌شود. کسی که دل ندارد، نباید وارد کار موسیقی شود. البته همیشه دوست داشتم که پیشرفت کنم و می‌خواستم که در یک اجرای بزرگ آواز بخوانم و مردم مرا با خواندن آهنگ‌های خودم بشناسند و دوست داشته باشند.

● **شما با خواندن آوازهای ترکی در میان مردم ایران هم مشهور و محبوب شده‌اید، فکر می‌کنید موسیقی ترکی چه ویژگی دارد که حتی فارسی‌زبان‌ها که زبان ترکی هم نمی‌دانند، با آن ارتباط برقرار می‌کنند؟**

موسیقی را همه دوست دارند. البته هر کسی یک سلیقه‌ای دارد. موسیقی کشورهای خاورمیانه به هم نزدیک است. در ایران هم که موسیقی محدود و موسیقی زنان ممنوع است، این مسئله خیلی تأثیر می‌گذارد و مردم به موسیقی‌های کشورهای همسایه گوش می‌کنند. حتی اگر زبان خواننده را متوجه نشوند، باز هم موسیقی و فرهنگ کشورهای

● **با اینکه در سوئد به دنیا آمده‌اید، امروز بیشتر به عنوان یک هنرمند شرقی شناخته می‌شوید. آیا ملیت پدر و مادرتان شما را به سوی خاورمیانه کشانده؟**

بله، صد در صد همین‌طور. من در سوئد به دنیا آمدم ولی شب‌ها با شنیدن داستان‌های قدیمی فارسی و ترکی به خواب می‌رفتم. از کودکی بیشتر به انگلیسی آواز می‌خواندم. البته از همان کودکی به آهنگ‌های سوئدی، انگلیسی، ترکی و فارسی گوش می‌کردم.

● **از کودکی بیشتر انگلیسی می‌خواندم یعنی موسیقی را با آواز شروع کردید؟**

بله، پدر و مادرم برایم فیلم‌های والت دیسنی می‌خریدند که تماشا کنم و همیشه آوازهای انگلیسی آنها را می‌خواندم. همیشه با رقص و موزیک و آواز بزرگ شده‌ام. به هر چهار زبان هم آهنگ گوش می‌کردم و هم می‌خواندم.

● **دلیل مهاجرت‌تان به ترکیه چه بود؟**

من سه سال در ترکیه زندگی کرده‌ام و الان هم چون در پروسه تولید یک آلبوم موسیقی انگلیسی‌زبان هستم، در لندن زندگی می‌کنم.

● **به عنوان یک هنرمند، فضای ترکیه و سوئد و بریتانیا برایتان یکدیگر متفاوت نیست؟**

متفاوت که هست، اما همه این فرهنگ‌ها چیزی از وجود من و زندگی من است. به همین دلیل هم این تفاوت‌ها برای من بیگانه نیست.

● **با اینکه گفتید به هر چهار زبان خوانده‌اید، فکر می‌کنید چرا در میان مردم بیشتر به عنوان خواننده ترک شناخته می‌شوید؟**

من در مسابقه «او-سس» ترکیه شرکت کردم و در آنجا آهنگ انگلیسی هم خواندم، اما از لحظه‌ای که ترکی خواندم و مخصوصاً بعد از خواندن یک آهنگ معروف ترکی خیلی طرفدار پیدا کردم و شهرت‌ام بیشتر شد.

● **شما در آن مسابقه داوران را**

## مهدی خزعلی، «منتقد جسور» یا سوپاپ اطمینان؟



● **مهدی خزعلی از منتقدین حکومت برای چهارمین بار دستگیر شده، اما واکنش‌ها به او چندان مثبت نیست**

● **عده‌ای از زندانیان و فعالین سیاسی ادعا می‌کنند او سوپاپ اطمینان نظام است**

مهدی خزعلی از فعالین سیاسی منتقد جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۱۷ بهمن برای چندمین بار به حکم دادستانی تهران بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.

خزعلی پیش از این بازداشت عنوان کرده بود که از لحظه‌ای ورود به زندان دست به اعتصاب غذا خواهد زد. او که سال‌هاست به علت انتقاد از جمهوری اسلامی از سوی پدرش ابوالقاسم خزعلی، عضو پیشین شورای نگهبان طرد شده به طور معمول در چند بار اخیر که راهی زندان شد دست به اعتصاب غذا زد.

در مورد دلایل اصلی بازداشت او دو روایت مطرح است. اولی سخنرانی او درباره‌ی مشکوک بودن مرگ هاشمی رفسنجانی و دیگری سخنانی که طی آن از مردم خواسته به احترام دموکراسی در راهپیمایی فرمایشی ۲۲ بهمن ۹۵ به حکومت هر سال مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذارد شرکت نکنند.

● **با این حساب لاید در میان خواننده‌های غربی، ترک یا ایرانی الگو هم ندارید؟**

هنرمندانی هستند که از آنها الهام می‌گیرم. مدتی قبل از اینکه به بریتانیا بیایم، مشغول یادگیری تنبک بودم و در آن مقطع به موسیقی سنتی ایرانی گوش می‌کردم و یک بار هم به کنسرت محمدرضا شجریان و همایون رستم که اجرای‌شان را خیلی دوست داشتم و مرا به دنیای دیگری برد. در موسیقی ترک هم خیلی از خواننده‌ها را دوست دارم مثل Sezen Aksu. به طور کلی خیلی روی اسم‌ها تعصب ندارم و بیشتر موزیک خوب برایم مهم است.

● **چه سازهایی می‌نوازید؟ و از چه موقع نوازندگی را شروع کردید؟ و به جز آواز چه کارهایی را خودتان انجام می‌دهید؟**

پدرم نوازنده گیتار است و من هم از شانزده سالگی شروع به یاد گرفتن گیتار کردم و هم‌زمان شعر می‌نوشتیم و ترانه می‌ساختم. نوازنده حرفه‌ای نیستم، اما در حدی که بتوانم آهنگ بسازم مسلط هستم. تنبک را در سوئد شروع کردم و یک سال مشغول یادگیری بودم تا اینکه به بریتانیا آمدم و مشغله درس و دانشگاه وقتی باقی نگذاشت که ادامه‌اش بدهم.

● **دلیل دومی که شاید توجیهی برای دستگیری او بود، سخنان وی در مورد راهپیمایی ۲۲ بهمن بود که او در «سرای قلم» بر زبان آورد. «به احترام دموکراسی ۲۲ بهمن از خانه‌های‌مان بیرون نمی‌آیم و سیاهی لشکر اعزاء نخواهیم شد! به خیابان نمی‌آیم تا قتل و غارت، جرم و جنایت، چهل و حماقت و حبس و اسارت را تأیید**

کنیم. ۲۲ بهمن به احترام آزادی و دموکراسی در خانه می‌مانیم تا خودکامگان و انحصارطلبان، غارتگران و چپاولگران، دزدان و اختلاس‌گران در خیابان تنها بمانند.»

خزعلی گرچه شخصیتی مذهبی دارد، اما به وضوح در سال‌های گذشته در انتقاد از جمهوری اسلامی ایران اظهارات تند و تیزی داشته و در مقاطعی افشاگری‌هایی کرده که صحت داشته‌اند. او به همراه محمد نوری‌زاد و چند فعال سیاسی دیگر مدام انتقادهای تندی به جمهوری اسلامی می‌کنند و بدون نگرانی از عواقب مصاحبه با تلویزیون‌های فارسی زبان خارج از کشور که از نظر جمهوری اسلامی جرم محسوب می‌شود در مورد مسائل مختلف گفتگو و ابراز نظر می‌کنند.

خزعلی گرچه بارها به خاطر همین مصاحبه‌ها به زندان افتاده و یا از سوی نیروهای امنیتی و پاسداران لباس شخصی مورد ضرب و شتم قرار گرفته، اما حتی منتقدان حکومت و زندانیان سیاسی مخالف و منتقد جمهوری اسلامی نیز به دلیل عدم اطمینان از دستگیری خزعلی در مورد مسائل مختلف گفتگو و ابراز نظر می‌کنند.

● **به عنوان یک هنرمند، فضای ترکیه و سوئد و بریتانیا برایتان یکدیگر متفاوت نیست؟**

متفاوت که هست، اما همه این فرهنگ‌ها چیزی از وجود من و زندگی من است. به همین دلیل هم این تفاوت‌ها برای من بیگانه نیست.

● **با اینکه گفتید به هر چهار زبان خوانده‌اید، فکر می‌کنید چرا در میان مردم بیشتر به عنوان خواننده ترک شناخته می‌شوید؟**

من در مسابقه «او-سس» ترکیه شرکت کردم و در آنجا آهنگ انگلیسی هم خواندم، اما از لحظه‌ای که ترکی خواندم و مخصوصاً بعد از خواندن یک آهنگ معروف ترکی خیلی طرفدار پیدا کردم و شهرت‌ام بیشتر شد.

● **شما در آن مسابقه داوران را**

مهدی خزعلی از فعالین سیاسی منتقد جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۱۷ بهمن برای چندمین بار به حکم دادستانی تهران بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.

خزعلی پیش از این بازداشت عنوان کرده بود که از لحظه‌ای ورود به زندان دست به اعتصاب غذا خواهد زد. او که سال‌هاست به علت انتقاد از جمهوری اسلامی از سوی پدرش ابوالقاسم خزعلی، عضو پیشین شورای نگهبان طرد شده به طور معمول در چند بار اخیر که راهی زندان شد دست به اعتصاب غذا زد.

در مورد دلایل اصلی بازداشت او دو روایت مطرح است. اولی سخنرانی او درباره‌ی مشکوک بودن مرگ هاشمی رفسنجانی و دیگری سخنانی که طی آن از مردم خواسته به احترام دموکراسی در راهپیمایی فرمایشی ۲۲ بهمن ۹۵ به حکومت هر سال مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذارد شرکت نکنند.

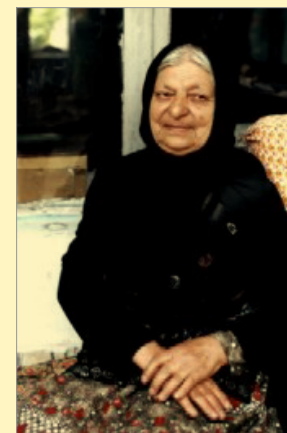
● **با این حساب لاید در میان خواننده‌های غربی، ترک یا ایرانی الگو هم ندارید؟**

هنرمندانی هستند که از آنها الهام می‌گیرم. مدتی قبل از اینکه به بریتانیا بیایم، مشغول یادگیری تنبک بودم و در آن مقطع به موسیقی سنتی ایرانی گوش می‌کردم و یک بار هم به کنسرت محمدرضا شجریان و همایون رستم که اجرای‌شان را خیلی دوست داشتم و مرا به دنیای دیگری برد. در موسیقی ترک هم خیلی از خواننده‌ها را دوست دارم مثل Sezen Aksu. به طور کلی خیلی روی اسم‌ها تعصب ندارم و بیشتر موزیک خوب برایم مهم است.

## زنان شاخص

### مکرمه قنبری

(۱۳۰۷ بابل - ۱۳۸۴)



مکرمه قنبری (شناخته شده به نام ننه مکرمه)، نقاش سبک پست مدرنیسم مازندرانی بود که به خاطر نقاشی‌هایش به شهرت جهانی رسید. نقاشی‌های وی موجب شد تا به عنوان بانوی سال نقاش در سال ۲۰۰۱ توسط دوازدهمین کنفرانس ایران‌شناسی در دانشگاه دولتی سوئد، معرفی شود. مکرمه تحصیلات دانشگاهی و سواد خواندن و نوشتن نداشت و دوره علمی هم نگذرانده بود، او در سن ۶۷ سالگی نقاشی را شروع کرد و نخستین نمایشگاهش در سال ۱۳۷۴ در گالری سیحون بر پا شد. اولین بار در سال ۱۹۹۸ فیلمی از مکرمه و آثارش توسط مجید ماهیچی ساخته شد. نمایشگاه‌های بسیاری از آثار مکرمه در سراسر دنیا برگزار شده و هر ساله برگزار می‌شود. مکرمه که خانه اش جزء میراث فرهنگی کشور به ثبت رسیده و به موزه تبدیل شده هرساله پذیرای بازدید کنندگان فراوانی از سراسر دنیا است. موزه مکرمه همکاریهای بسیاری با موزه‌های مختلف دنیا از جمله موزه باورز در ایالت کالیفرنیا داشته که حاصل آن

موهای زیبا و براق به بیش از یک شامپوی خوب و نرم کننده نیاز دارد. موهای سالم به برخی از مواد مغذی ضروری از جمله پروتئین، اسیدهای چرب امگا ۳، آهن، روی، کلسیم، بیوتین و ویتامین‌های آ، سی، ای و دی نیاز داریم. دانیم که انواع مختلفی از ویتامین‌ها و مواد معدنی وجود دارند، اما داشتن یک رژیم غذایی سالم و متعادل مواد مغذی لازم بدن شما را تامین می‌کند. ما ۱۰ مواد غذایی که برای موها سودمند است را در اختیار شما قرار می‌دهیم:

**ماهی**  
ماهی دارای مواد مغذی است که برای داشتن موهای سالم لازم است. ماهی قزل آلا و ماهی تن سرشار از پروتئین هستند و دارای اسیدهای چرب امگا ۳ و ویتامین دی هم هستند ولی اسیدهای چرب و کالری در همه آنها موجود نیست. ماهی آزاد یا ماهی تن را به یک سالاد سبز تازه اضافه کنید یا از آنها به عنوان یک سوشی لذت ببرید.

کنسرو ماهی تن و ماهی آزاد همیشه در دسترس است و دستورالعمل‌های بسیاری برای تهیه یک غذای خوب دارد. شاه ماهی، ساردین و ماهی قزل آلا نیز غنی از امگا ۳ است.

**سبزیجاتی با برگ‌های سبز تیره**  
اسفناج دارای مواد مغذی مورد نیاز برای موهای سالم است. اسفناج، برگ چغندر و کلم منابع بسیار خوبی از ویتامین آ، آهن، کلسیم و ویتامین سی است. این سبزیجات کم کالری هستند و اندازه دور کمر شما را نیز کوچک نگاه می‌دارند. از سبزیجاتی که دارای برگ‌های سبز تیره هستند، به عنوان مواد اصلی سالاد استفاده کنید. کمی روغن زیتون و سیر به آن نیز اضافه کنید.

**آجیل**  
آجیل مخلوط از جمله خوراکی‌هایی است که حاوی مواد مغذی برای سلامت موهاست. بادام، گردو و گردوی آمریکایی سرشار از پروتئین، بیوتین، مواد معدنی و ویتامین ای است. آجیل نیز منبع خوبی از اسیدهای چرب امگا

## موهای شما نیاز این مواد مغذی دارد

۳ است. گردو خام را به عنوان یک میان وعده و یا مخلوط با سالاد سبزیجات امتحان کنید. می‌توانید مقداری لوبیا سبز یا سبزیجات پخته را هم با گردو میل کنید.

**سبب زمینی شیرین**  
اگر می‌خواهید موهای پرطراوت و درخشانی داشته باشید، سبب زمینی شیرین بخورید. سبب زمینی شیرین سرشار از ویتامین آ، ویتامین سی، آهن و کلسیم است. سرو سبب زمینی شیرین در ظرف غذا به خوشمزه و شیرین شدن بشقاب غذای شما کمک می‌کند، ضمن اینکه پختن سبب زمینی شیرین به میزان شیرینی‌اش می‌افزاید و علاوه بر آن میزان کلسیم آن را نیز بیشتر می‌کند.

**تخم مرغ**  
تخم مرغ منبع خوبی از پروتئین و بیوتین است و علاوه بر اینکه حاوی

ویتامین‌های آ و ای است، آهن و کلسیم هم دارد. تخم‌های تولیدی مخصوصی که تخم مرغ امگا گفته می‌شوند هم منابع خوبی برای تامین اسیدهای چرب امگا ۳ برای بدن و موهای شما هستند.



**حبوبات**  
باید بدانید که لوبیا و عدس برای موهای شما خیلی خوبند. لوبیا، عدس و سویا سرشار از پروتئین، روی، آهن و بیوتین هستند. لوبیای پخته می‌تواند



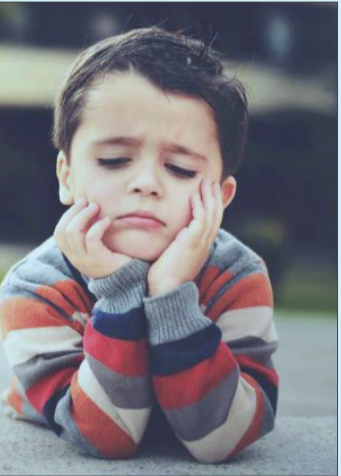
### تخریب سیستم بویایی با این کارها

آیا می‌دانستید افراد که دچار اضافه وزن شدید هستند تنها حدود ۵۰ درصد از سلول‌های بینی آنها کار می‌کنند؟  
بر اساس مطالعات اخیر رژیم غذایی با چربی بالا موجب کاهش حس بویایی می‌شود. محققان دانشگاه فلوریدا با بررسی موش‌هایی که از یک رژیم غذایی پرچرب پیروی می‌کردند، دریافتند که رژیم غذایی پرچرب با اختلال در حس بویایی همراه است. در حقیقت نتایج حاکی از این بود که در موش‌های تغذیه شده با رژیم غذایی پرچرب فقط نیمی از سلول‌های عصبی که کار تشخیص بو در مغز را بر عهده دارند، فعال هستند. برای انجام این تحقیق به موش‌ها آموزش داده شد که در ازای تشخیص یک بوی خاص، جایزه دریافت کنند. در پایان مطالعه مشاهده شد موش‌هایی که رژیم غذایی پرچرب داشتند در تشخیص ارتباط میان بو و جایزه نسبت به سایر موش‌ها، کندتر عمل می‌کردند. نکته جالب در این مطالعه این بود که موش‌هایی که به طور ژنتیکی چاق بودند، کاهش حس بویایی نداشتند اما موش‌هایی که با رژیم غذایی پرچرب چاق شده بودند با کاهش این حس مواجه شدند. محققان معتقدند احتمالاً رژیم غذایی پرچرب با اختلال در عملکرد مناطقی از مغز که در پردازش سیگنال‌های بویایی دخیل هستند، موجب کاهش حس بویایی می‌شود. شرح و نتایج این مطالعه در مجله نوروساینس منتشر شده است.

سبب زمینی سفید یا شیرین پخته بهترین غذا برای سلامت مو و پوست باشد. می‌توانید سوپ عدس بپزید یا کمی لوبیا و عدس پخته در سالاد بریزید.

**صدف**  
صدف میزان روی بسیار بالایی دارد و علاوه بر این یک منبع خوب پروتئین محسوب می‌شود. از خوردن صدف در پوسته‌اش لذت ببرید یا از آن برای شام یک سوپ بپزید.

**شیر و فرآورده‌های لبنی**  
فرآورده‌های لبنی سرشار از پروتئین



کودکان تأثیر منفی دارد من در سال ۱۹۹۰ هنگامی که به دنبال پیدا کردن اثر تلویزیون در قلمه‌گویی و داستان‌پردازی کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله در مدارس مختلف نورفولک (Norfolk) مطالعه می‌کردم، به مسأله سر رفتن حوصله و بیکاری کودکان برخوردیم و به این نتیجه رسیدیم که کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله این مدارس که وقت خود را به تماشای تلویزیون می‌گذرانند تاچه حد فاقد قوه تخیل و تصور (Imagination) هستند و این فکر برایم پیش آمد که آیا این فرایند نتیجه‌ی تماشای زیاد تلویزیون و یا بازی و وقت گذرانی آنان با استفاده از وسایل دیگری مانند کامپیوتر و آید نیست؟ پژوهش‌هایی که پیش از این در این زمینه به عمل آمده نیز به همین نتیجه رسیده است که تلویزیون قدرت تخیل و تصور کودکان را محدود می‌کند و چگونه داستان‌گویی آنان را تغییر می‌دهد. در واقع پژوهش‌های گذشته این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کرد که تلویزیون بر قدرت تصور و تخیل کودکان اثر می‌گذارد. در سال‌های دهه‌ی ۸۰ میلادی یک پروژه‌ی میدانی امکان داد که

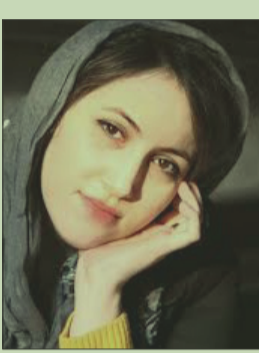


توسعه‌ی کودکان اهمیتی بسزا دارد. نه تنها اجازه و امکان می‌دهد که کودک بر غنای تجربه‌ی شخصی خویش بیفزاید بلکه به آنان اجازه می‌دهد که از علم و حرفه و صنعت دیگران بهره بگیرند و خود موجب ایجاد تغییر شود. ولی این نکات چه ارتباطی با بی حوصلگی و بیکاری کودک دارد؟ باید دانست که کودکان و حتی اشخاص بزرگتر برای رفع بی‌حوصلگی، خستگی روحی، یک‌نواختی، بی‌علاقگی، مشکلات مختلف و غیره، به تلویزیون و یا هر وسیله‌ی دیگری مانند آید، کامپیوتر و نظایر آن پناه می‌برند تا بی‌حوصلگی، نگرانی و غم و غصه را از خود دور نگه‌دارند.

چند سال پس از این پژوهش، متوجه شدم اشخاصی که پیشه و شغل آفریننده و خلاق دارند می‌گویند که بی‌حوصلگی و کسالت ناشی از بیکاری عامل مهمی برای خلاقیت آنان بوده است. این پدیده ناظر به زمان حال نیست و از کودکی وجود داشته است. برای درک بیشتر این مهم با بعضی از آنان مصاحبه کردم. برای نمونه میرا سیال، یک نویسنده و بازیگر، که در دوران کودکی به خارج شهر می‌رفته



### زن روز



گم شده ای  
راس ساعت دو صفر و دو صفر دقیقه  
که پیدا شوی شاید...  
نگرانی ام از نیمه شب است و سرما  
و تابلوهایی که نکند با باد چرخیده باشند!  
پیاده روها را به کفش هایت مبتلا نکن  
بگذار پا نخورده بماند این برف  
و به راه‌های بهتری فکر کن  
مثلا  
همین جا توی آغوش من هم  
می‌شود گم شوی  
راس هر ساعتی که دلت خواست  
که پیدا شوی شاید.

مهديه لطيفي

## بگذارید حوصله‌ی بچه‌ها از بیکاری سر برود

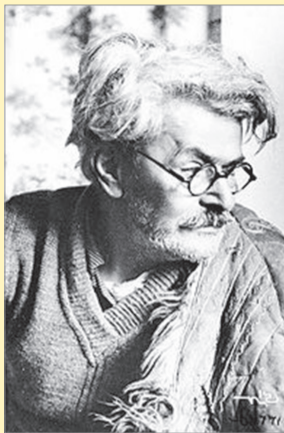
زمانی بسیار دراز از پنجره به تماشای مناظر اطراف می‌گذرانیده است. وی بسیار کارها می‌کرده که با کارهای روزانه‌اش تفاوت داشته. مثلاً با زنی که سنی از او می‌گذشته و همسایه‌ی آنها بوده شیرینی می‌پخته و همین اوقات ظاهراً خالی بود که او را به نوشتن حوادث روزانه‌اش وادار کرد و مقدمه‌ای برای حرفه‌ی نویسندگی بعدی شد. چه روح‌بخش است خلاقیت آن هم به این علت که آدم برای گذراندن وقت، آزاد باشد و بتواند کاری را که می‌خواهد انجام دهد. سوزان گرین‌فیلد دانشمند معروف اعصاب، مطالب مشابهی را نقل می‌کند. او به من گفت زمانی که کودک بوده کار زیادی نداشته که انجام دهد و بنابراین وقت خود را به نقاشی کردن و نوشتن می‌گذرانیده است. این گونه سرگرمی‌ها مقدمه‌ی انجام کار بزرگ‌اش - پژوهش علمی درباره‌ی رفتار انسان‌ها - گشت و این خود مقدمه‌ای برای انجام کارهای بزرگ دیگر شد. او امروز هر زمان به مسافرتی می‌رود به جای کامپیوتر با خود قلم، مداد و کاغذ برمی‌دارد و از این که فرصت استفاده از این زمان بیکاری به وی دست داده و وسیله‌ای دیگر برای کار کردن در اختیار ندارد، لذت می‌برد.

بدون تردید ورزش، موسیقی و فعالیت‌های دیگر از نظر بدنی، نیروی شناسایی، اجتماعی و فرهنگی برای کودکان مفید است ولی کودکان نیازمند وقتی برای خودشان هستند نیز برای آنکه خود را بیکاری و بطالت برهانند، به تخیل و تصور بپردازند، فکر کنند، برای خود اشتغالاتی اختراع کنند، توانایی‌های خود را بیازمایند و آنچه را برایشان مهم و مفید است کشف کنند. یک پژوهش دیگر نیز این نکته را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند در حالی که افکار شما در حال سرگردانی است شما دست به کار و فعالیت می‌زنید که چه از نظر جسمی و چه از نظر فکری تلاش خاصی لازم ندارد. در چنین صورتی شما برای پیدا کردن افکار جدید و راه حل‌هایی برای مشکلات خود شناس بیشتری پیدا می‌کنید. بنابراین باید به کودکان امکان داد که به فعالیت‌های ساده بپردازند به جای آن که مرتب به آنها گفته شود همیشه باید مشغول کاری مؤثر باشد.

**چگونه باید کودکی را که حوصله‌اش سررفته هدایت کرد؟**  
ممکن است پدران و مادران هنگامی که فرزندشان می‌گوید حوصله‌اش سر رفته است احساس گناه کنند. ولی بهتر آن است که این بی‌حوصلگی را فرصتی مناسب بدانند. پیشنهادات از پیش تعیین شده را برای رفع بی‌حوصلگی کودکان به کار نبرید که عملی بدون فایده است.



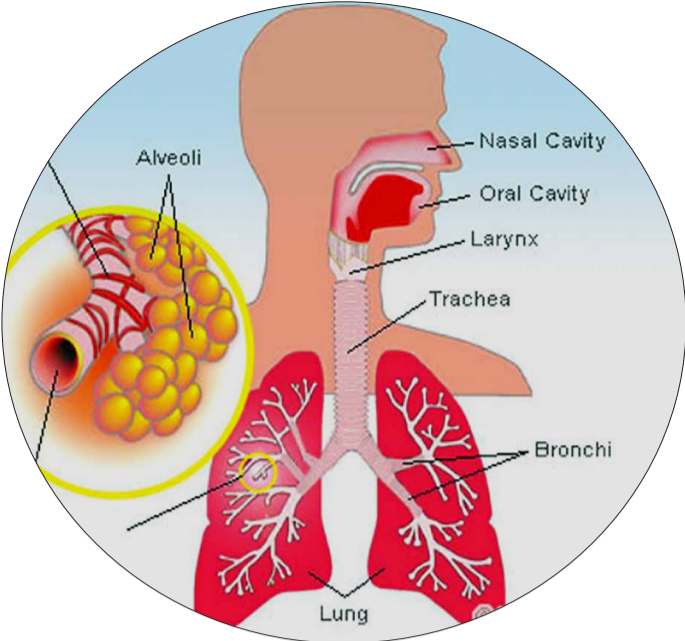
## مردان شاخص



### حسین بهزاد (۱۳۴۷ - ۱۲۷۳)

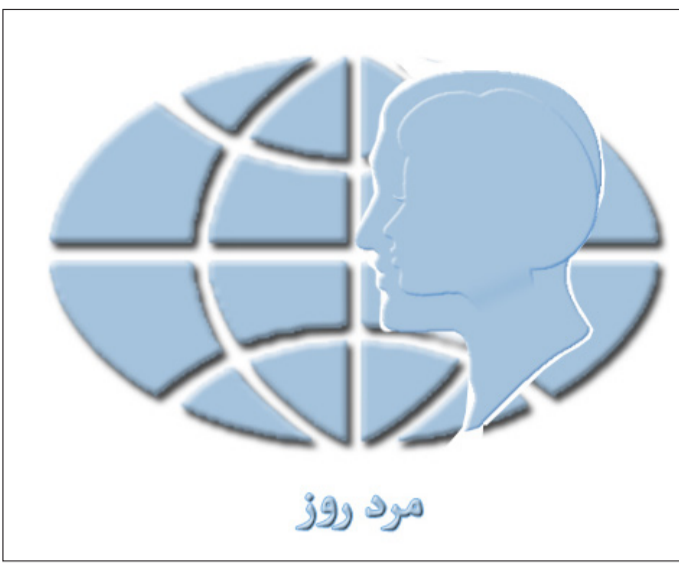
حسین بهزاد نقاش و در واقع مینیاتوربست بزرگ و نام آور ایران است. پدرش فضل الله اصفهانی قلمدان ساز و نقاش آبرنگ بسیار ماهر و زبردستی بود. حسین بهزاد از سن هفت سالگی و به امر پدر در کارگاه قلمدان سازی ملا علی قلمدان ساز به کار مشغول شد. پس از چندی پدرش از دنیا رفت و حسین بهزاد دوران کودکی و نوجوانی سخت و طاقت فرسایی را پشت سر گذاشت. پس از مرگ استاد، نخست به شاگردی میرزا حسن بیکرنگار گمارده شد و با توسعه کمی و کیفی کار استاد، حسین بهزاد نیز که در فراگیری مینیاتور استعداد قابل توجهی از خود نشان داده بود، خیلی زود به اشتغال رسید و بسیاری از آثار مینیاتوری سفارش شده به کارگاه میرزا حسن را بهزاد ساخته و پرداخته می کرد. حسین بهزاد به کارگاه میرزا حسن از آثار و نقاشی مینیاتوری قدیم که سخت مورد توجه اروپاییان و دلالان ایرانی بود، استعداد و توانایی بسیار زیادی از خود نشان داد. حسین بهزاد از سن ۱۸ سالگی کارگاه مینیاتوری

مستقلی دایر کرده به سرعت کار او با استقبال فراوان روبه رو شد. او به ویژه آثار کمال الدین بهزاد و رضا عباسی از مینیاتوربستهای صاحب نام و درجه اول دوران صفویه را با استادی تمام کپی می کرد. حسین بهزاد برای مطالعه در آثار نقاشی جدید و قدیم هنرمندان اروپایی، بارها از اروپا دیدن کرد و آثار و مینیاتورهای او در چندین نمایشگاه هنری ایران، اروپا و آمریکا به نمایش گذاشته شد و با استقبال فراوان روبه رو شد. ایوان مدائنی، فردوسی و قهرمانان شاهنامه از آثار ارزشمند وی است.



### علت مایع آوردن ریه چیست

بعضی اوقات آب آوردن ریه به دلیل مشکلات ریه نیست. برای آزمایشی که در اشخاص مبتلا به نارسایی قلبی به دلیل خون کمی که به قلب شان می رسد سبب بوجود آمدن ترشح در درون حباب های ششی پلاسما می شود و می گویند که ریه اش آب آورده است. در چنین حالتی که آب آوردن ریه ناشی از نارسایی قلب است پس درمی یابیم نارسایی قلبی باید درمان شود. البته زمانی هم در خود ریه آب ایجاد نمی شود، بلکه به طور معمول بین ریه و قفسه سینه فضایی وجود دارد که به آن فضای جنب گفته می شود. داخل آن نیز همیشه ترشح وجود دارد که جذب خون می شود و به طور کلی مایع ضد اصطلاحی است. بیماری هایی نیز موجب افزایش مایع داخل جنب می شود که عبارتند از نارسایی قلبی، عفونت های ریه (با ایجاد ذات الریه و ذات الجنب)، بیماری های لایه های جنب نظیر عفونت های ویروسی، باکتریایی و سل و تومورهای ریه که داخل برونش وجود دارند و با اعمال فشار بر عروق و مجاری لنفاوی موجب برگشت مایع داخل جنب شده که به کندی جذب خون و در آنجا تجمع می یابد. همچنین تومورهای مختص فضای جنب هم موجب افزایش مایع درون فضای جنب می شوند؛ برای نمونه بر اثر استنشاق آزیست توموری به نام آزیستور نیز ایجاد می شود. طی سال های قبل از آزیست برای لنت ترمز خودرو در ایران استفاده می شد. تومورهای برونش توسط عمل جراحی و در صورت عدم پاسخ دهی با شیمی درمانی قابل درمان هستند. میزان شیوع تومورهای موجود در این زمینه ۵ درصد همه کل تومورهای قفسه سینه را تشکیل می دهد.



### مرد روز



شهريار

باز کن نغمه جانسوزی از آن ساز امشب تا کنی عقده اشک از دل من باز امشب ساز در دست تو سوز دل من می گوید من هم از دست تو دارم گله چون ساز امشب مرغ دل در قفس سینه من می نالد بلبل ساز ترا دیده هم آواز امشب ز بر هر پرده ساز تو هزاران راز است بیم آنست که از پرده فتد راز امشب گلبن نازی و در پای تو با دست نیاز می کنم دامن مقصود پر از ناز امشب کرد شوق چمن وصل تو ای مایه ناز بلبل طبع مرا قافیه پرداز امشب شهريار آمده با کوبه گوهر اشک به گدائی تو ای شاهد طنان امشب

### برای ولنتاین چه کنید؟

روز ولنتاین یک روز ویژه برای جشن گرفتن یک رابطه عاشقانه است ولی ویژگی های مهم دیگری هم دارد. بنابراین اگر فراموش کردید که شاخه گلی بخرید نگران نباشید. اگر شما می خواهید عشق خود را به کسی انتقال دهید، راه های بسیاری وجود دارد، فقط کافی است کمی صادقانه رفتار کنید و خلاقانه و متنوع فکر کنید.

#### قدم بزیند

با هم به یک پیاده روی طولانی بروید. اگر جنگل طبیعی در اطرافتان دارید، به دل جنگل بزیند. اگر از نوای پرندگان یا حضور حیوانات لذت می برید به باغ وحش بروید. با پارتنر خود حیوانات را کشف کنید، زیبایی پرندگان و گل های وحشی را تماشا کنید. اگر در مرکز شهر هستید، با هم به نقاطی از شهر بروید که تا بحال نرفته اید. خیابان ها و کوچه ها را کشف کنید، مناطقی از شهر که کمتر پیش می آید گذرتان بیفتد.

#### آخر هفته غیرمعمول

یک آخر هفته غیرمعمول برای خود بسازید. همه روز را با یک کتاب در رختخواب بمانید یا صبحانه را در تخت بخورید. باید با پارتنر خود هر

#### یک شام دونفره

می توانید ترتیب یک شام دو نفره را بدهید. یک میز در رستوران رزرو کنید یا خودتان شام درست کنید. حتی می توانید یک قرار ناهار بگذارید. ترتیب دادن یک قرار ملاقات دونفره که خصوصیات خاص تری نسبت به قبل دارد، بهترین کار است. می توانید با گذاشتن چند اسم، کم کردن نور چراغ و انتخاب یک موسیقی ملایم شب رویایی داشته باشید.

#### برنامه ریزی کنید

شاید شما هم مثل خیلی های دیگر فرصت سفر یا حتی سرزدن به حومه شهر را هم نداشته باشید. یک مقدار درباره مناطق اطراف محل زندگی تان پرس و جو کنید. شاید دهکده یا جای دیدنی در اطراف شما باشد که خبر ندارید، یک نقطه را مشخص کنید تا به آنجا بروید و فارغ از دغدغه های روزانه در کنار کسی که به او عشق می ورزید استراحت کنید. حتی می توانید به جاهایی بروید که قبلا نرفته اید، موزه بروید، پینت بال بازی کنید و یا پیاده روی کنید.

#### به کافی شاپ بروید

پارتنر خودتان را برای صرف قهوه به یک کافی شاپ دعوت کنید. شاید به نظر کلیشه ای بیاید ولی آخرین باری که روبروی هم نشسته اید، چشم به چشم های دوخته اید چه وقت بوده؟ رفتن به کافی شاپ باعث می شود تا مستقیم روبروی هم بنشینید و با هم معاشرت کنید. گوشه موبایل را کنار

### یک دلیل خوب برای انجام ورزش روزانه

برعکس، هنگام انجام فعالیت های بدنی، فشارخون به میزان قابل توجهی بالا می رود. چرا؟ برای اینکه بدن به طور خودکار در مقابل فشار خون گاهی به صورت ناخودآگاه در وجود بیمار اثر می گذارد و در همین دلیل آن را قاتل بی سر و صدا نامیده اند و تقریباً نیمی از اشخاص بالغ که از نظر پزشکان گرفتار فشار خون هستند موفق به معالجه نمی شوند. که موجب کاهش فشار خون شود، خطر بیماری را محدودتر می کند.

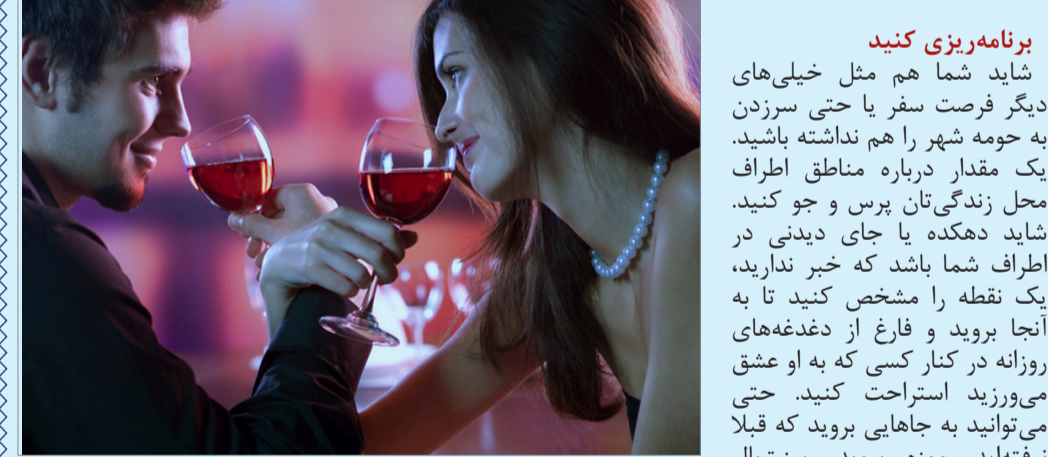
**ورزش روزانه**  
توصیه ای که به بیماران فشار خون می شود بیشتر در زمینه ی انجام ورزش روزانه و اهمیت آن در درمان و یا دست کم جلوگیری از عوارض آن است. این نکته را همکارانم و من در مجله علمی مایوکلینیک (معروف ترین

یادگرفتن رقص با هم قرار بگذارید، مثل نواآموزی که می خواهید قلموی رنگ را در دستانتان بچرخانید، خود را تکان دهید. رقص سرگرم کننده خواهد بود. هیچ چیز اندازه یک تانگوی عاشقانه یا یک موزیک جاز عشق شما را بیان نمی کند.

**یک نامه ولنتاین بنویسید**  
اگر هدیه ولنتاین نمی خرید ولی هرگز نامه ولنتاین را فراموش نکنید. به او بگویید که چقدر دوستش دارید و چه چیزهایی از او عاشقانه دوست دارید. احساسات



ورزش روزانه لازم نیست شدید و سنگین باشد. راه رفتن ساده نیز برای کاهش وزن و فشار خون مفید است



**در برابر آن ایمن نیستند**  
چرا باید فشار خون را مورد توجه خاص قرار داد و تلاش کرد که پایین بیاید؟ تنها به این دلیل که فشار خون می تواند موجب مرگ شود. فشار خون مسؤو ل و یا یکی از عوامل مؤثر در مرگ ۴۰۰ هزار آمریکایی در هر سال می شود. یک میلیارد از افراد بشر همه ساله به فشار خون مبتلا می شوند. در کشوری مانند آمریکا یک سوم مردم گرفتار آنند و پیش بینی می شود که این رقم تا سال ۲۰۳۰ هفت درصد افزایش یابد. این بیماری منحصر به سالمندان نیست. ۱۹ درصد از جوانان نیز گرفتار آنند. فشار خون خطر بیماری های قلبی را افزایش می دهد و موجب خطرهایی مانند عوارض رگ های قلبی یا مغزی می گردد یا مشکلات زیادی برای کلیه ها به وجود می آورد. هزینه مداوای این بیماری ها ارقام تصورات پذیری را تشکیل می دهد بخصوص هنگامی که داروهای مصرف شده و غیبت کارگران و کارمندان را برای معالجه بیماری شان تنها در آمریکا به

ده سال است که من رابطه بین ورزش و تندرستی را مورد پژوهش قرار داده ام و می توانم به شما اطمینان بدهم که ورزش و فعالیت بدنی به سرعت فشار خون را پایین می آورد. همین که شما به دوندگی خود (جاگینگ) و یا تند راه رفتن خودتان پایان می دهید فشار خون شما برای چندین ساعت پایین می آید و این به دلیلی که یادآوری می کنم برای تندرستی شما سودبخش است.

**باین آمدن فشار خون پس از ورزش و فعالیت بدنی**  
این پدیده را «کاهش فشار خون پس از ورزش» می نامند. پژوهش های بی شماری نشان داده اند که هر جلسه ورزش، فشار خون را از ۵ به ۷ میلی متر (فشارگیر) پایین می آورد. دلیل این پدیده هنوز روشن نشده ولی آنچه به نظر مسلم می آید این است که ورزش رگ ها را وسیع تر می کند و به هر صورت دلیل آن هرچه می خواهد باشد، نتیجه ی ورزش به روشنی سودمند است.

**داوطلب باشید**  
همیشه کارهایی وجود دارد که شما به پارتنر خود واگذار کرده اید و حتی یکبار هم نشده که تن به انجامش داده باشید. انجامش دهید. سگ را برای گردش به بیرون ببرید. حمام حیوانات خانگی را به عهده بگیرید. انباری را تمیز کنید یا حتی به نامه های اداری پاسخ دهید. این کار بکنید تا به پارتنرتان بفهمانید که چقدر برایش اهمیت قائل هستید. با انجام کارهای غیرمعمول اطمینان بخش عمل کنید.



\*منبع: The Conversation France  
\*نویسنده: ویلیام ب. فارکور  
استاد دانشگاه دلاویر  
\*مترجم: علی نوری

## کولاکوویچ سرمربی جدید تیم ملی والیبال ایران



کولاکوویچ سرمربی معروف والیبال که اهل مونتنگرو است به عنوان سرمربی جدید تیم ملی والیبال ایران از این هفته شروع به کار می‌کند. به تصویب هیأت رئیسه فدراسیون والیبال کولاکوویچ برای چهار سال به صورت دو دوره دو ساله تا پایان بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ هدایت تیم والیبال ایران را به عهده خواهد داشت و در صورت رضایت از نتیجه کار او در پایان دو سال اول برای دو سال دیگر با وی قرارداد دیگری امضا خواهد شد.

## جام جهانی کشتی فرنگی در آبادان



مسابقه‌های جام جهانی کشتی فرنگی سال ۲۰۱۷، روزهای ۲۶ و ۲۷ اسفندماه در شهر آبادان برگزار می‌شود. در این رقابت‌ها کشتی‌گیران هشت کشور روی تشک خواهند رفت. مسابقه‌های کشتی آزاد جام جهانی هم اکنون در کرمانشاه در حال برگزاری است.

## تیم فوتبال ایران اول آسیا سی و دوم جهان



در آخرین رده‌بندی تیم‌های ملی فوتبال کشورهای جهان که پنجشنبه این هفته رسماً از سوی فیفا اعلام خواهد شد فوتبال ایران همچنان در صدر کشورهای آسیایی دیده می‌شود اما در رده‌بندی جهانی سه رتبه پائین آمده و در مکان سی و دوم قرار گرفته است. در تازه‌ترین رده‌بندی فیفا آرژانتین، برزیل و آلمان جایگاه اول، دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند و شیلی، بلژیک، فرانسه، کلمبیا، پرتغال، اروگوئه و اسپانیا در مکان چهارم تا دهم حضور دارند.

## محرمیت تیم دوومیدانی روسیه تمدید شد



فدراسیون دوومیدانی جهان محرومیت اعضای تیم ملی دوومیدانی روسیه را برای یکسال دیگر تمدید کرده است و به این ترتیب دوندگان، پرندگان و پرتاب‌کنندگان روسی تابستان امسال اجازه حضور در مسابقه‌های دوومیدانی جهان را نخواهند داشت. بیشتر اعضای تیم دوومیدانی روسیه پیش از بازی‌های المپیک ریودژانیرو به علت استفاده از مواد نیروزا از شرکت در المپیک محروم شده بودند. تنبیه ورزشکاران روسی به این دلیل شدید است که وزارت ورزش و فدراسیون‌های ورزشی آن کشور دوپینگ ورزشکاران خود نقش داشته‌اند.

## کیروش: بازیکنان پرسپولیس به درد تیم ملی نمی‌خورند، چاق هستند



این گفتگوها مشکلات و موانع بر سر راه آمادگی تیم فوتبال ایران را در فاصله تقریباً کوتاه تا بازی‌های انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ برطرف نشده است و در واقع شرایط به همان صورت سابق است، به این معنا که برنامه آمادگی تیم ملی برای رقابت‌های مهم در پیش بسیار محدود است که موجب نگرانی است.

## کیروش: برنامه آماده سازی تیم ملی نگران کننده است

کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی ایران این هفته پس از مذاکره طولانی با مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال ایران گفت تشکیل جلسه به هر حال کار خوبی است اما فعلاً در وضعی نیستیم که بخواهم در مورد جزئیات بحث‌های این جلسه صحبت کنم اما به طور کلی می‌توانم بگویم در

## مارادونا، سامپائولی بهترین مربی دنیاست



خوزه سامپائولی مربی اهل آرژانتین و سرمربی تیم فوتبال سویل اسپانیا از نظر مارادونا اسطوره آرژانتینی بهترین مربی فوتبال جهان در حال حاضر است. وی گفت سیمونه مربی دیگر آرژانتینی هم بسیار مربی خوبی است اما وی زمانی که سرمربی تیم ریور پلات آرژانتین بود نتایج خوبی به دست نیاورد.

## هفته‌ای پانصد میلیون دلار هزینه برگزاری جام جهانی ۲۰۲۲ قطر



وزیر دارایی قطر گفته است زیر بار هزینه بسیار سنگینی برای برگزاری جام جهانی فوتبال سال ۲۰۲۲ رفته‌ایم که مبلغی معادل پانصد میلیون دلار در هفته است و احتمالاً نرخ این هزینه در چهار سال آینده بیشتر هم خواهد شد. علی شریعت‌المعالی یادآور شده که حدود دویست میلیارد دلار برای جام جهانی خرج خواهد شد. این مبلغ تنها برای تأسیسات ورزشی نیست بلکه به مصرف ساخت بزرگراه‌ها، خطوط راه‌آهن، فرودگاه و بیمارستان‌های جدید خواهد رسید. وی تأکید کرده سعی داریم

## قاضی ایالت واشنگتن مشکل سفر تیم کشتی آمریکا به ایران را حل کرد



با رأی جیمز روبرت قاضی ایالت واشنگتن مسئولان جمهوری اسلامی از مخمصه تصمیم‌گیری در مورد حضور تیم کشتی آمریکا در مسابقات بین‌المللی کرمانشاه خلاص شدند، بعد از دستور دونالد ترامپ رئیس جمهوری جدید آمریکا در مورد ممنوعیت ورود اتباع ایران و شش کشور دیگر مسلمان به آمریکا، جمهوری اسلامی پس از چند روز این پا و آن پا کردن سرانجام اعلام کرد برای کشتی‌گیران آمریکایی ویزای سفر به ایران صادر نمی‌شود. این تصمیم در شرایطی گرفته شد که مسئولان فدراسیون کشتی هر دو کشور علاقه زیادی به حضور آمریکایی‌ها در این رقابت‌ها داشتند. از سوی دیگر کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون کشتی جهان «فیلا» جلوگیری از مسابقات کرمانشاه را خلاف قوانین آی.اوسی و فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی دانستند و لالوویچ رئیس فیلا صحبت از تعلیق فدراسیون کشتی ایران به میان آورد.

## علی پروین: کیروش از مربیان بزرگ دنیاست و تغییرات اساسی در تیم ملی بوجود آورده است



علی پروین کاپیتان پیشین تیم ملی ایران و باشگاه پرسپولیس در دیدار با مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال به او گفت کی‌روش از مربیان بزرگ دنیا است. او توانسته تغییرات اساسی در تیم فوتبال به وجود بیاورد و فضای مناسبی برای حضور جوان‌های با استعداد در تیم ایجاد نماید بنابراین باید قدر او را بدانیم. او افزود: تیم ملی به مسابقات جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه خواهد رفت و همه هواداران فوتبال از جمله دوستداران پرسپولیس و استقلال باید از تیم ملی حمایت کنند. پروین از تاج خواست ترتیبی بدهد که بحث‌های موجود میان سرمربیان تیم ملی و باشگاه پرسپولیس پایان یابد، چون تیم ملی برای مردم بسیار مهم است. ایرانی‌ها مستحق خوشحالی و شادایی هستند و موفقیت تیم ملی این فضا را برای آنان فراهم می‌کند. در پایان این دیدار قرار شد از عطاءالله بهمنش گزارشگر معروف و توانای فوتبال ایران در پنجاه سال گذشته در ورزشگاه صد هزار نفری تحلیل به عمل آید و اعضای تیم‌های پرسپولیس و استقلال همراه با پروین و تاج بر مزار پیشکسوتان فوتبال ایران حاضر شوند.

## جدائی هشتاد درصد زن و شوهرها در پنج سال اول ازدواج



### تعداد زنان معتاد در حال افزایش است

به گفته رئیس سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی به علت آماده نبودن جوانها برای تشکیل زندگی خانوادگی هشتاد درصد زن و شوهرها در پنج سال اول زندگی طلاق می‌گیرند. او گفت: با وجود آنکه مسئولان سازمان‌هایی مانند بهزیستی، وزارت ورزش و جوانان و بخش خصوصی برای دوام زندگی مشترک زوج‌های جوان برنامه‌هایی دارند اما افزایش روزافزون طلاق سلامت جامعه را به شدت تهدید می‌کند.

از گسترش نگران کننده طلاق در جامعه جلوگیری کند. وی تأکید کرد این روزها اعتیاد نقش پررنگی در همجنان در حال افزایش است.

## دیدار تیم‌های دیویس کاپ ایران و پاکستان

## مسابقات دوچرخه‌سواری آسیا - دهلی نو مدال طلا برای ایران



تیم ملی تنیس ایران برای بازی مقابل تیم تنیس پاکستان در چهارچوب مسابقات دیویس کاپ در اسلام‌آباد به سر می‌برد. فدراسیون جهانی تنیس از مسئولان تیم ایران خواسته است به دلایل امنیتی اعضای تیم جز هتل محل اقامت و استادیوم تنیس به نقاط دیگر شهر نروند. این مسابقه روز پانزدهم بهمن برگزار می‌شود.

در مسابقات دوچرخه‌سواری قهرمانی آسیا که در دهلی نو جریان دارد محمد دانشور در مرحله نهایی یک کیلومتر تایم تریل موفق شد با بهبود رکورد ایران در این ماده مدال طلا بگیرد. رکورد دانشور یک دقیقه و سه ثانیه و ۷۵ صدم ثانیه بود. در این رقابت‌ها ۵۰۰ دوچرخه‌سوار از ۱۸ کشور شرکت دارند.

## فوتبالیست معروف و ماجرای همسران صیغه‌ای او



ناصر محمدخانی بازیکن پیشین تیم ملی و باشگاه پرسپولیس انگار نمی‌تواند بدون جنجال زندگی کند. او سال‌ها درگیر ماجرای کشته شدن همسر و مادر فرزندش به دست شهلا همسر صیغه‌ای خود بود و با آنکه شهلا در طول محاکمه‌های طولانی اتهام قتل را نپذیرفت اما پس از هفت سال زندگی در زندان به دار آویخته شد. این حادثه هنگامی روی داد که محمدخانی دیگر فوتبالیست بازی نمی‌کرد و به عنوان مربی با تیم پرسپولیس همکاری داشت. قتل همسر او وقتی روی داد که وی همراه تیم پرسپولیس در خارج از ایران به سر می‌برد و هنگام بازگشت علی پروین سرمربی پرسپولیس این خبر را در هواپیما به او داد. شهلا در دادگاه گفت از هواداران پرسپولیس بودم، از شهر ری برای دیدن بازی‌های این تیم به تهران می‌آمدم، کم‌کم به ناصر احساس خاصی پیدا کردم سرانجام توانستم با او تماس بگیرم، با هم دوست شدیم، خانه‌ای برایم تهیه کرد و در آنجا بساط تریاک‌کشی برای وی ترتیب می‌دادم. خانواده همسر محمدخانی در یکی از کشورهای

حاشیه خلیج فارس زندگی می‌کردند و هنگام وقوع قتل در ایران نبودند. این هفته پلیس به خبرنگاران گفت چند تن از اعضای خانواده همسر کنونی محمدخانی که او نیز صیغه‌ای است هنگامی که وی از سفر خارج بازمی‌گشت در فرودگاه مهرآباد او را به زور سوار اتومبیل کردند و به خانه خود در جنوب شهر بردند تا از او قول بگیرند دیگر با خانم خود بد رفتاری نکنند و او را کتک نزنند. یکی از بستگان همسر موقت محمدخانی به پلیس گفت: آقای فوتبالیست خانم خود را خیلی اذیت می‌کند و وساطت‌های بستگان تا کنون به جایی نرسیده تا آنکه چند روز پیش همسرش قهر کرد و به خانه پدر و مادرش رفت، ما که از این وضع خسته و نگران شده‌ایم تصمیم گرفتیم او را با زور به منزل خود ببریم و با وی اتمام حجت کنیم تا بلکه رفتار خود را در خانه تغییر دهد. پلیس هشت نفر را به اتهام بردن محمدخانی به زور به خانه فامیل همسرش بازداشت کردند.

## مادری که فرزند خود را آتش زده: دخترم فرزند شیطان بود



مادر ۳۴ ساله‌ای که چند هفته پیش دختر پنج ماهه خود را سوزانده بود در بازجویی‌ها گفت، از کاری که کرده‌ام راضی هستم چون دخترم فرزند شیطان بود. این زن بعد از آتش زدن کودک پنج ماهه به پلیس گفت سارق نقابداری وارد خانه شد و قصد داشت هر دوی ما را آتش بزند اما تنها توانست مینا را از بین ببرد. اما او در مرحله دیگری از بازجویی گفت مینا خود را آتش زده و کشته است. به گفته پزشکان قانونی این زن دچار افسردگی و جنون بعد از زایمان است. او در زمانی که تحت درمان بوده در یک لحظه در گهواره کودک پنج ماهه نفت ریخته و به

آن کبریت زده است. همسر وی نیز کسی در گوشش نجوا می‌کند که به پلیس گفته او همیشه می‌گفت همسر و فرزندت کشته خواهند شد.

## خودکشی دانش‌آموزان رو به افزایش است



معاون وزارت آموزش و پرورش گفته است شمار دانش‌آموزانی که داوطلبانه جان خود را می‌گیرند، هر سال نسبت به سال پیش از آن افزایش داشته است. کارشناسان باید بررسی کنند چه اتفاقی افتاده که تعداد خودکشی جوان‌ها امسال بیشتر از سال پیش و سال پیش بیشتر از سال قبل از آن بوده. زرافشان گفت وجود محیط شاداب در مدرسه از خودکشی تا حدی جلوگیری می‌کند ضمن آنکه اجباری بودن و نداشتن فرصت انتخاب باعث می‌شود که به علاقه‌های دانش‌آموزان پاسخ داده نشود.

آزادی و تفریحات درخور نوجوانان عنوان شده است که ما هم آن را قبول داریم.

## تهاجم فرهنگی و بی‌حجابی علت افزایش طلاق زوج‌های اردبیلی



امام جمعه اردبیل گفته است متأسفانه آمار طلاق به شدت رو به افزایش است و جدائی فزاینده زوج‌ها در اردبیل موجب تأسف و

نگرانی است. علت اصلی طلاق‌ها نیز تهاجم فرهنگی و بدحجابی است. آیت‌الله حسن عاملی در دیدار با خانم ملاوردی معاون حسن روحانی در امور زنان تأکید کرد که زنان ایران باید در دنیا زبازد خاص و عام بوده و الگوی زنان جهان باشند.

## مرگ عروس و داماد در شب عروسی



زن و شوهر جوان است. پلیس احتمال مسمومیت غذایی را رد نکرده است.

عروس و داماد جوانی چند روز پیش در شهر سیرجان پس از پایان جشن عروسی به خانه خود رفتند، با این برنامه که روز بعد در مراسم پانختی خود شرکت کنند، اما فردای عروسی از آنها خبری نشنیده شد، تلفن موبایل آنان نیز جواب نمی‌داد. دوستان و بستگان به منزل عروس و داماد رفتند اما هیچکس در را به رویشان باز نکرد، آنها با پلیس و اورژانس تماس گرفتند. پیش از ورود مأموران دیگران با شکستن شیشه پنجره‌ها سعی کردند وارد خانه شوند اما نتوانستند. آتش‌نشانان سرانجام به درون خانه رفتند و با کمال تأسف با پیکرهای بی‌جان عروس و داماد روبرو شدند، و آن دو را به بیمارستان بردند اما دیگر کار از کار گذشته بود. پلیس سرگرم تحقیق درباره مرگ

## با مقتول اختلاف ناموسی داشتیم او را با قمه کشتم



جنازه سوخته مردی این هفته در ناحیه بیضا در اطراف شیراز در میان زباله‌ها پیدا شد. مأموران پلیس و آتش‌نشانی جسد سوخته را به پزشکی قانونی بردند. به گفته پلیس این مرد را در جای دیگری کشته بودند سپس جسد او را در نقطه دیگری رها کرده بودند. پزشکی قانونی گفت این شخص با اصابت چند ضربه قمه به شکمش به قتل رسیده است و از کسانی که بستگان‌شان اخیراً مفقود شده بودند خواست به پزشکی قانونی مراجعه کنند.

خانواده مقتول جسد او را شناسائی کردند، پلیس آخرین فردی را که با مرد کشته شده تماس داشته دستگیر کرد وی در بازجویی‌ها گفت با مقتول اختلافات ناموسی داشتیم و به بیابان بردم با ضربات قمه به و در محل دیگری انداختم.

## دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۶)

(کیهان لندن شماره ۱۱۸۶)

نازشر

### احمد احرار

آن می‌گذارد و می‌خواهد سر بر روی آن گذارده دمی استراحت نماید. می‌پرسم شما نیستی؟ بلی. مگر دیشب بعد از فراغت از کار روزنامه نخواستید؟ خیر، رفتم بالای بام کشیک دادم، حالا خلاص شده می‌خواهم بخوابم.  
از غیرت این جوان حیرت می‌کنم. گونه‌های برافروخته او و سبزه زرخندان که تازه دمیده هیچگاه از برابر دیده اعتبار من دور نمی‌گردد و به شاخه نارس حکومت ملی به این نظر می‌نگرم که از خون این گونه جوانان آبیاری شده است.  
بالجمله، در این حال که نقش میرزا اسدالله خان کنار دیواری گذارده شده خالوی او، میرزا جهانگیرخان، رسیده نقش خواهرزاده مهربان خود را که بی‌نهایت به او علاقمند بود می‌بیند. در صورتی که تا این وقت

اندکی پس از غائله میدان توپخانه به رهبری شیخ فضل‌الله نوری و شکست مذاکرات صلح بین مجلس و دربار، محمدعلی‌شاه روز پنجشنبه ۱۴ خرداد ۱۲۸۷ (چهارم جمادی‌اولی ۱۳۲۶) قصر گلستان را ترک گفت و در باغشاه که بیرون شهر قرار داشت اقامت گزید. این روز مشروطه خواهان. سرانجام، روز سه‌شنبه دوم تیرماه (بیستم جمادی‌اولی) مجلس به توپ بسته شد.  
روزنامه «صوراسرافیل» این زمان توقیف بود و مدیر آن، میرزا جهانگیرخان شیرازی، دوشادوش گروهی از مشروطه خواهان که عمارت بهارستان (مجلس شورای ملی) را سنگر قرار داده بودند، برای دفاع از آزادی می‌جنگید. حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، که خود جزو



از کشته شدن او خبر ندارد. بی آن که اظهار تأسفی بنماید، به جوانانی که اظهار نعل او هستند رو کرده می‌گوید این نقش خواهرزاده عزیز من است و من سزاوارترم برای او سوگواری کنم. بروید مشغول کار خود باشید که وقت تنگ است و کار سخت.  
«صور اسرافیل» در مجموع ۳۲ شماره منتشر شد و پس از پنج بار توقیف، انتشار آن در ایران با قتل میرزا جهانگیرخان موقوف گشت. میرزا جهانگیرخان به هنگام مرگ ۳۴ سال داشت.

متخصصین و شاهد و ناظر بوده است، می‌نویسد:  
میرزا جهانگیر خان مدیر صور اسرافیل که مردی جنگجو و تیراندازی قابل است با جوش و خروش فوق‌العاده جنگ می‌کند. گاهی به مسجد (سپهسالار) می‌رود و در بالای گنبد و گاهی سر در بهارستان کار می‌کند و به هر حال جنگجویان را تحریص و ترغیب می‌کند. همشیره‌زاده او میرزا اسدالله خان جوانی است به سن ۲۵ سال، خوشخو، با طراوت و جنگجو. بعد از آنکه اطراف توپ محاذی سر در را از توپچیان خالی می‌بیند از سنگر فرود آمده می‌خواهد برود توپ را به مجلس بیاورد و همین که در مجلس باز می‌شود و این جوان خارج می‌گردد، از قراولخانه مقابل سر در مجلس گلوله‌ای بر پیشانی او اصابت کرده از پا درمی‌آید. جوانان نعش او را به بهارستان برده کناری می‌گذارند. میرزا اسدالله خان بعد از اصابت تیر مهلک، آب می‌طلبد. شاهزاده حسن از مجاهدین انجمن شاه‌آباد، از حوض بهارستان کفی آب آورده به حلق او می‌ریزد و بیچاره جان می‌سپارد.  
این قصه پرغصه را دولت‌آبادی چنین ادامه می‌دهد: «میرزا اسدالله خان در ایام تحصن بهارستان، اغلب با نگارنده بود. روزها زحمت روزنامه صور را تحمل می‌کرد و شبها تا نزدیک صبح، به‌نوبت در بالای بام کشیک می‌کشید. شب دوشنبه ۲۳ جمادی‌اولی که نگارنده در بهارستان بودم این جوان را در نیمه‌شب دیدم خورجینی بر دوش دارد، به اطالی که متخصصین در آند وارد می‌شود. در این خورجین اوراق طبع شده روزنامه صور است که در مطبعه گرفته آورده است در بهارستان توزیع کند و این آخرین شماره صور است که در طهران طبع شد. نگارنده استراحت می‌کند و آن جوان به بستن بسته‌های روزنامه می‌پردازد. تصور می‌شود با همه زحمت و خستگی، بعد از فراغت از کار روزنامه، استراحت نخواهد کرد ولی بین‌الطولین است. نزدیک گوش من صدایی مرا بیدار می‌کند. چشم گشوده می‌بینم اسدالله خان تفنگ خود را زیر سر و قطار فشنگ را که تازه از کمر باز کرده به روی

می‌بندند. در بردن آنها به باغ شاه و هنگام ورود به محبس و در محبس باغ شاه آنها را آزار بسیار می‌کنند. دست ملک‌المتکلمین جراحات برمی‌آورد. شبانه پالکونیک لیاخوف و شاپشال (اولی فرمانده قوای قزاق و دومی معلم زبان روسی محمدعلی شاه) به دیدن آنها می‌روند. ملک‌المتکلمین به پالکونیک از بابت کتک بسیار که به آنها می‌زند شکایت می‌کند و او می‌سپارد دیگر آنها را نزنند. شاپشال با ملک‌المتکلمین صحبت داشته می‌گوید چرا اینقدر از من بدگفتی؟ می‌گوید شما را می‌گویند به مصلحت روس و بر ضد صلاح دولت و ملت ما کار می‌کنید. به میرزا جهانگیرخان می‌گوید تو از کجادانستی من یهودی هستم؟ جواب می‌دهد اینطور شنیدم. تکلیف روزنامه‌نویس این است که هر چه می‌گویند بنویسد و اگر دروغ است بعد تردید کند. بالجمله شماتت بسیار به آنها می‌کنند و می‌گویند فردا شما را به دار خواهند زد و می‌روند... محبوسین آن شب را با کمال سختی می‌گذرانند. فردا صبح، پاسی از روز برآمده دو نفر قزاق به میرزا جهانگیرخان راه که این جمع را می‌بروند بعضی از مردم نادان به آنها ناسزا گفته نسبت‌های ناشایسته می‌دهند. میرزا جهانگیرخان پی در پی نطق می‌کند و از کتک و زخم کارد و زبان، اندیشه نکرده می‌گوید ای مردم، ما رفتیم، اما شما دست از مشروطه برندارید. به قزاقان می‌گوید ما مقصر پلیتیکی هستیم. کسی مقصر پلیتیکی را آزار نمی‌کند.

این یگانه فدائی وطن از آن هنگام که گرفتار می‌شود دست از جان شسته هرچه در دل دارد می‌گوید. بلی، روز اول آن مرد وطن‌پرست جان عزیز را با قلم نگارش صوراسرافیل یکمرتبه به کف گرفته نوشت آنجاست نوشتنی بود و اینک چند ساعت بقیه عمر خود را غنیمت می‌داند که ناگفته‌ها را بگوید تا در خدمت به ملت کوتاهی نشده باشد. ملک‌المتکلمین سکوت کرده در همه صدمات که به او می‌رسد حرفی نمی‌زند؛ تنها گاهی می‌گوید لاجول ولا قوه الا بالله. به همین حالت آنها را می‌برند تا وارد قراقرخانه می‌کنند و آنجا محبوس می‌شوند. صاحبمنصبان قراقرخانه پی در پی آمده آنها را فحش داده آزار

در پی آمده آنها را فحش داده آزار می‌دهند...  
در شماره آینده: علی اکبر دهخدا (دخو) «ادامه دارد»

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوجو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت.  
وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌های نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به باز نشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.



داریوش همایون (۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

## ملی مذهبی «پیروز»

کیهان لندن شماره ۱۲۲۰ - ۳۱ مرداد ماه ۱۳۸۷

نازشر

می‌توانند بی‌دشواری زیاد از آن بیرون بزنند. در هر جای جهان پیشرفته فوج فوج ایرانیان را می‌توان دید که تازه مهاجرت کرده‌اند. در آماري که چندی پیش در جمهوری اسلامی انتشار یافت فرار مغزها به سالی ۱۸۰ هزار تن رسیده بود. دانشجویان ممتاز ایرانی تقریباً بی‌استثنا در دانشگاه‌های بیرون از دست می‌روند. از دانش‌آموزان برنده المپیاد های ریاضی یکی هم در ایران نمی‌ماند. رئیس بانک در دبی به آشنای ایرانی خود در اروپا اظهار شگفتی می‌کند که در کشور شما، کشوری که همه ما داریم از کف می‌دهیم، چه خبر است که هر که پولی به دستش می‌رسد به آنجا می‌برد. در کانادا و آمریکا و استرالیا و اقتصاد های بزرگ‌تر جهانی البته این انتقال سرمایه از ایران چنان نمودی ندارد؛ ولی اگر گفته آن پیمانکار قدیمی ایرانی که دست از کار کشیده است درست باشد مهندسان جوان نیز در نخستین فرصت سرمایه‌هائی را که به کاردانی و زرنگی گرد آورده‌اند به بیرون می‌فرستند و شرکت‌های خود را جمع می‌کنند. ایران با همه امکانات کار امکاناتی که بیش از



در جنبش مشروطه با شعار زنده باد ملت ایران پیروزی نهائی خود را اینک کمر بسته‌اند بر ضد عنصر ایرانی و بر ضد آنچه از زیبایی و والایی که دست‌شان می‌رسد یکی از زنده‌ترین جلوه‌های حکومت اسلامی است. انقلابی که رنگ ملی مذهبی به آن داده بودند نمی‌توانست ناسازگاری آشکار این بندبازی و تقلب ایدئولوژیک را تاب آورد. انقلاب، مذهبی بود و حکومت آن هر چه بیشتر زانده های ملی را پس از مصرف بدور افکند.

در ایران ستیزی خمینی و پیروانش تنها ملاحظات ایدئولوژیک در کار نمی‌بود. جدا از اینکه پرورش حوزه‌ای و حذف کردن تاریخ و فرهنگ بشری به سود یک دوره کوتاه و چند شخصیت محدود، روان‌های کوچک آنان را به دشمنی با هر چه جز خودشان است برمی‌انگیخت، ناگزیر بودند به یک ملاحظه حیاتی عملی نیز بیندیشند. آخوندها صد سال دیر رسیده بودند. جامعه ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، دو سه دهه را از بسیاری جهات درنوردیده بود. آنها تنها با ایرانی سر و کار نداشتند که به ۱۵۰۰ سال تاریخ پر افتخار و استثنائی پیش از اسلام خود سربلند بود و زخم آن حمله نخستین را هنوز بر دل داشت. اسلامی‌ها برای آنکه به‌مانند بایست هم آن صد سال و هم آن ۱۴۰۰ سال را نبود می‌کردند. بهشتی که هوشمندترین رهبر انقلابی بود در همان آغاز کار، هم مشکل رژیم تازه را دریافت و هم راه حل آن را. او گفت ما آخوندهای بی‌خبر و خشک مغز نمی‌توانیم به اندازه یک جامعه امروزی مانند ایران برسیم؛ می‌باید جامعه را به اندازه خودمان برسانیم. مذهب درجا زنده‌های که توانسته بودند آن را با لگد انقلاب، پنج سده به پس رانند بایست آنچه را که از پیشرفت و روشنگری و والائی در برابر می‌یافت در بحار الانوار دفن کند.

ندشند و گذشته خود را پاک فراموش نکردند. ایران پیش از اسلام، ایران غیر از اسلام، مانند شعله‌هایی از یک آتش درونی در اینجا و آنجا همچنان درخشید و در کوچک‌ترین فرصت از زیر خاکستر بیرون آمد و سرانجام ۱۸۰ هزار تن رسیده بود. دانشجویان ممتاز ایرانی تقریباً بی‌استثنا در دانشگاه‌های بیرون از دست می‌روند. از دانش‌آموزان برنده المپیاد های ریاضی یکی هم در ایران نمی‌ماند. رئیس بانک در دبی به آشنای ایرانی خود در اروپا اظهار شگفتی می‌کند که در کشور شما، کشوری که همه ما داریم از کف می‌دهیم، چه خبر است که هر که پولی به دستش می‌رسد به آنجا می‌برد. در کانادا و آمریکا و استرالیا و اقتصاد های بزرگ‌تر جهانی البته این انتقال سرمایه از ایران چنان نمودی ندارد؛ ولی اگر گفته آن پیمانکار قدیمی ایرانی که دست از کار کشیده است درست باشد مهندسان جوان نیز در نخستین فرصت سرمایه‌هائی را که به کاردانی و زرنگی گرد آورده‌اند به بیرون می‌فرستند و شرکت‌های خود را جمع می‌کنند. ایران با همه امکانات کار امکاناتی که بیش از

در جنبش مشروطه با شعار زنده باد ملت ایران پیروزی نهائی خود را اینک کمر بسته‌اند بر ضد عنصر ایرانی و بر ضد آنچه از زیبایی و والایی که دست‌شان می‌رسد یکی از زنده‌ترین جلوه‌های حکومت اسلامی است. انقلابی که رنگ ملی مذهبی به آن داده بودند نمی‌توانست ناسازگاری آشکار این بندبازی و تقلب ایدئولوژیک را تاب آورد. انقلاب، مذهبی بود و حکومت آن هر چه بیشتر زانده های ملی را پس از مصرف بدور افکند.

در جنبش مشروطه با شعار زنده باد ملت ایران پیروزی نهائی خود را اینک کمر بسته‌اند بر ضد عنصر ایرانی و بر ضد آنچه از زیبایی و والایی که دست‌شان می‌رسد یکی از زنده‌ترین جلوه‌های حکومت اسلامی است. انقلابی که رنگ ملی مذهبی به آن داده بودند نمی‌توانست ناسازگاری آشکار این بندبازی و تقلب ایدئولوژیک را تاب آورد. انقلاب، مذهبی بود و حکومت آن هر چه بیشتر زانده های ملی را پس از مصرف بدور افکند.

در جنبش مشروطه با شعار زنده باد ملت ایران پیروزی نهائی خود را اینک کمر بسته‌اند بر ضد عنصر ایرانی و بر ضد آنچه از زیبایی و والایی که دست‌شان می‌رسد یکی از زنده‌ترین جلوه‌های حکومت اسلامی است. انقلابی که رنگ ملی مذهبی به آن داده بودند نمی‌توانست ناسازگاری آشکار این بندبازی و تقلب ایدئولوژیک را تاب آورد. انقلاب، مذهبی بود و حکومت آن هر چه بیشتر زانده های ملی را پس از مصرف بدور افکند.

می‌ماند؟  
بی‌دشواری زیاد در آن دوام آورد ولی

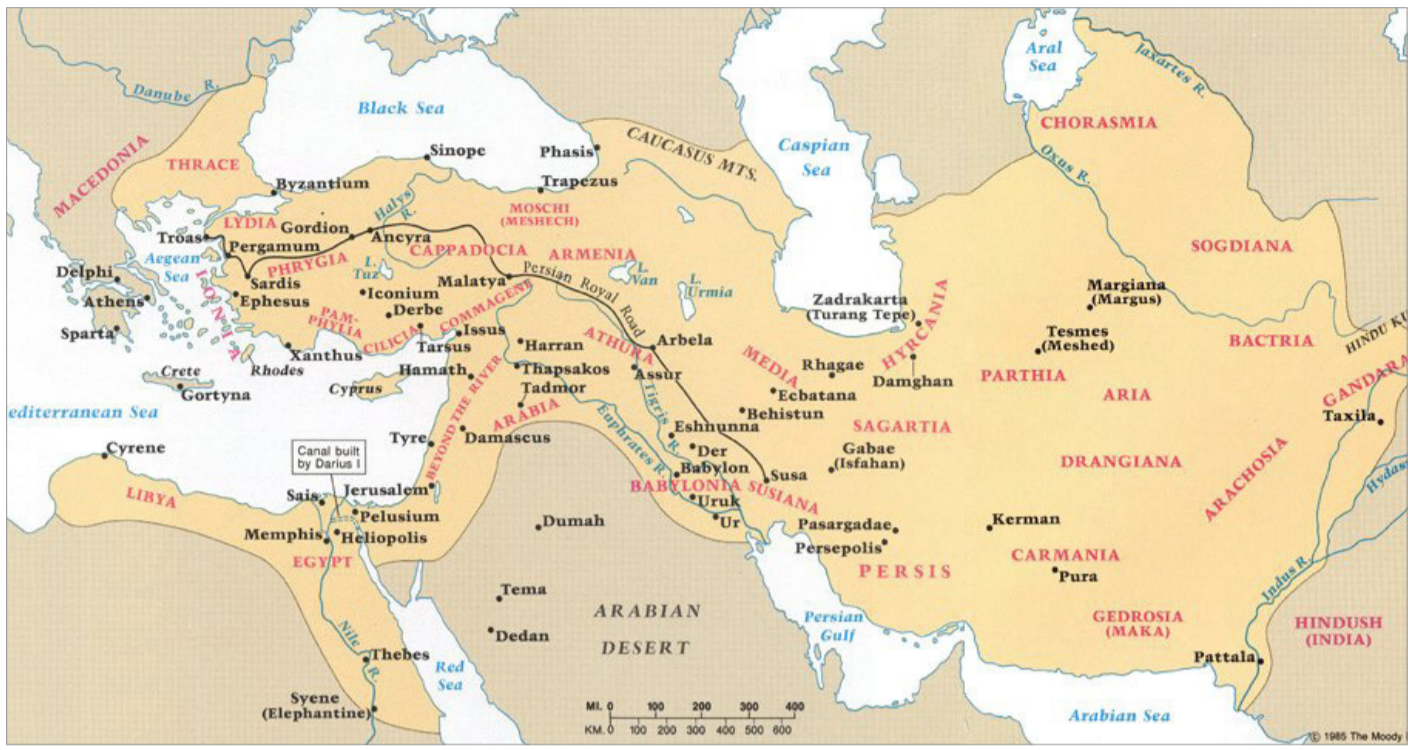
## «ایران» در برابر «پرشیا»

میترا مارکوس مصباح زاده  
دکتر مریم برندن (مصباح زاده)

دکتر احسان یارشاطر استاد مطالعات ایرانی و سرپرست مرکز مطالعات ایرانی دانشگاه کلمبیا می گوید «گزینش نام و کاربرد کلمه «ایران» بدون تردید به شهرت فرهنگی کشور لطمه زد و درازمدت به زیان جدی منافع کشور است» کاربرد نام «پرشیا» نمایانگر تاریخ و فرهنگ سرزمین و مردمان آنجا است. همانطور که دست آوردهای آن زیر عنوان Persian Art, Persian Carpet etc (هنر و ادبیات و فرش ایران و غیره، به کار می‌رود، در انجیل از «پرشیا» به نام یک کشور امپراتوری مستقل و نیرومند یاد می‌شود که کورش کبیر بردگان یهودی را از اسارت بابلی‌ها نجات داد و یاری نمود که معبد آنها در اورشلیم بازسازی گردد. نام ایران در اذهان مردم سایر کشورها یادآور فرهنگ غنی در تاریخ و تمدن درخشان این سرزمین نیست. از این رو در سال ۱۹۵۹ احساس نیازی به برگردان «ایران» به «پرشیا» در کشور احساس شد. با وجود اینکه دولت برای این کار علاقه و آمادگی داشت ولی اقدام وزارت خارجه ضعیف بود و به این ترتیب که رسماً درخواست برگردان «ایران» به همان نام «پرشیا» نشد و فقط وزارت خارجه در سال ۱۹۵۹ شروع به استفاده از هر دو نام «ایران» و «پرشیا» نمود. عملاً نام ایران بیشتر به کار رفته و می‌رود و این نیز باعث شد که زبان فارسی که همیشه به نام Persian Language نامیده می‌شد زبان فارسی گفته شود.

به طور کلی همانطور که می‌توان دید، کاربرد «ایران» به جای «پرشیا» موجب شده است که دست آوردهای گذشته درخشان فرهنگ و تمدن و سهم ما در اشاعه فرهنگ غنی و پیشرفت‌های علمی و ادبی گذشته جهان نادیده گرفته شود. اکنون بسیاری از ایرانیان ترجیح می‌دهند که از «صفت» «پرز» در معرفی وطن خود یاد کنند، گرچه از نظر تکنیکی ممکن است درست نباشد.

به این موضوع مطرح کرده است، کلمه‌ای که فرانسوی‌ها برای «پرشیا» به کار می‌برند «Perse» به طور ضمنی اشاره دارد به ضعف و تزلزل استقلال ایران در قرن نوزدهم یعنی هنگامی که کشور صحنه بازی شطرنج استعمارگران اروپایی بوده است ولی به عکس کلمه ایران یادآور خاطرات غرور انگیز تاریخ شکوفایی باستانی این کشور است. اما در واقع «ایران» به عنوان نام یک کشور وابستگی نژادی با غرب را به یاد نمی‌آورد. بلکه نام یک کشور عربی را در ذهن القا می‌نماید. در ابتدا خیلی‌ها در غرب نمی‌دانستند که «ایران» همان «پرشیا» قدیمی است. فکر می‌کردند کشور تازه تاسیس یافته و یا تازه استقلال یافته است. خیلی‌ها تصور می‌کردند «ایران» همان «عراق» است.



زمین مانند انجیل به تمام منطقه امپراتوری کورش «Parsa» اطلاق شده است. برخی از استاد تاریخی توضیح می‌دهد که تغییر ناگهانی نام «پرشیا» به «ایران» در مغرب زمین به تشویق نازی‌ها صورت گرفته است. چون معنی آن را «سرزمین آریایی» تشریح نیویورک تایمز در این باره چنین نوشته است: «بر اساس پیشنهاد سفارت شاهنشاهی ایران در برلن، دولت ایران در نوروز یعنی ۲۱ مارس ۱۹۳۵ به طور رسمی نام «ایران» را به جای «پرشیا» تعیین کرد. این تصمیم تحت تاثیر علاقه «نازی‌ها» برای زنده کردن نژاد آریایی بوده است که گهواره آنها در ایران قدیم هنوز هم به آن «پارس» یا «پارس» می‌گویند. در کتب و نوشته‌های مغرب که وزارت امور خارجه در گزارش راجع

«ایران» و «پرشیا» دو نامی است که به یک منطقه جغرافیایی گفته می‌شود. اما این دو نام احساسات و خاطرات متفاوتی برای ایرانیان زنده می‌کند. بسیاری از ایرانیان در خارج از ایران این روزها به جای «Iranian» خود را «Persian» می‌خوانند. این عده که از زمان انقلاب ۱۳۵۷ به عنوان پناهنده و یا مهاجر به خارج از کشور آمده‌اند، گمان دارند که نام «پرشیا» وابستگی آنها را بهتر به تاریخ و فرهنگ و تمدن باشکوه ایران باستان مرتبط می‌سازد و در عین حال برای خارجی‌ها ارتباط ذهنی با انقلاب، گروگان گیری و آیین بنیادگرایی ایجاد نمی‌کند. با وجود اینکه اکثر مردم به طور کلی آگاهند که از اوایل قرن بیستم نام «پرشیا» به ایران تغییر یافته است ولی کمتر کسی می‌داند این تغییر چگونه رخ داد. مهمتر و جالب تر این است که بدانیم آیا دلایلی که آن هنگام موجب این تغییر نام گردید، در زمان حال هم وجود دارد یا نه؟ سرانجام آنکه داوری در باره اینکه در آینده در خارج باید کشور ما را «پرشیا» و یا «ایران» خواند، با خود شماس است. در اینجا ما به آنچه موجب این تغییرات گردیده است اشاره می‌کنیم: در سال ۱۹۳۵ میلادی در زمان حکومت رضا شاه پهلوی، دولت ایران رسماً از تمام کشورهایی که با آنها رابطه سیاسی داشت درخواست کرد که از آن پس نام کشور را «ایران» به جای «پرشیا» که ریشه یونانی دارد بخوانند. مبداء هر دو کلمه «ایران» و «پرشیا» به قرن‌ها پیش باز می‌گردد. از حدود ۶۰۰ سال پیش از مسیح یونانیان امپراتوری هخامنشی را که کوروش کبیر بر آن فرمانروایی داشت PERSIS نام از زبان ایران باستان «پارس» یا «پارسا» می‌آید که به منطقه‌ای که عشیره کورش بزرگ در آن می‌زیست گفته می‌شد. این منطقه با وجود اینکه در زمان قدیم وسعت بسیار بیشتری داشته هنوز هم به آن «پارس» یا «پارس» می‌گویند. در کتب و نوشته‌های مغرب

۸		۱		۵					
۹		۵		۸					۱
	۲				۷	۳			
	۴			۹		۵			۲
				۷		۶			
۱		۷		۲					۸
			۲	۶		۸			
	۳	۱			۷		۸	۲	۶
					۴				۹

جدول اعداد (سودوکو)

		۲						
		۳						
۶								
				۵				

عمودی:

- اثری از ولفگانگ آمادئوس موتسارت
- شهری که یک شبه ساخته نشد - آماس - کتابی است آسمانی
- سیاستمدار، ادیب و پژوهشگر فرهیخته معاصر و فقید ایران
- جدایی - مور بی سر
- سرکرده - بیلاقی در دامنه البرز
- واحد پول کشوری است - از بیلاقی کنار تهران قدیم
- حرف ندا - شهری در ایران
- توضیحی - لطیف
- قسمتی از اندام - گلی است - تکخال
- بخشی از اوستا - بعید
- از شهرهای بزرگ جهان با کارناوالی معروف

حل جدول شماره قبل

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

عمودی:

- پیشکسوت هنر خوانندگی اپرا در کشور ما
- دست سودگی - وفور
- مرکز تحقیقات فضایی آمریکا - ورزشی است
- از میوه‌ها - دست
- دزدی - او هم کیشی دارد
- خواننده‌ای فراموش‌ناشدنی از کشور ما - نام نوعی جت جنگنده
- گوشه - سائل
- درختی است - الفت
- جنس مذکر - تازه وارد بازار شده - گذشته
- درویشان می‌کشند - معروف
- جنس مؤنث - ایستا - درختی است

حل جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

جدول اعداد (سودوکو)

عمودی:

- نخست‌وزیر یکی از کشورهای آسیایی که در قرن گذشته اعدام شد
- محل داد و ستد - درهم ریختگی و بی‌نظمی
- پهلوان - پایتخت کشوری است - چوب‌بست
- نیکو - تنگه‌ای است از وسایل موسیقی
- هم فلس ماهی است و هم پیشیز - از فلزات - شهری تاریخی در اروپا
- کشوری است - آزمون - تکرار یک حرف
- بخشی از استان فارس - او هم حرفه‌ای دارد
- شکلی است هندسی - ماده‌ای لازم برای ادامه حیات - حاشیه
- سرودمان یکی از خاندانهای حکومتی در ایران
- شکوه - مداوا - از کشیدنی‌ها - تلاش
- فرودگاهی در فرانسه - آشوب و درهم‌ریختگی
- از ورزشها - از نزولات آسمانی - سبکی در شعر فارسی
- از ماه‌های قمری - جاندار است - انتها
- پرورش - از ادبا و پژوهشگران بلند پایه ایران و استاد فقید دانشگاه تهران
- مدل و واضح - عددی است - گلی است

حل جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

افقی:

- دارایی - اپرایی از وردی - رفوزه
- از شهرهای کنار کوبیر ایران - استنتاج
- راه بی‌پایان - لحظه - عصاره - دو دلی
- شاعر و صوفی بزرگ ایران و مؤلف نفعات‌الانس
- وسیله تکلم - گذرگاه - مدخل
- ملازم به هم ریخته - پیکر - دو رویی
- جنگ‌افزایی مخرب - علت - فایده - تکخال
- فراخ - جای اصلی - همجنسی
- محلول ید و الکل برای التیام زخم - دیوانه و کم‌عقل - گورستان زرتشتیان
- او - لحظه - از غزلسرایان نامدار معاصر و فقید ایران

## فصل بیست و چهارم

**سفیر پارهای احساسات واقعی ایرانیان را نسبت به زنان نشان می‌دهد که نمود آن در چرکسی بروز می‌کند - آماده شدن برای بازگشت**

تصمیم سفیر برای جدا ساختن خود از تنه اصلی خدمتکاران در حالت تعلیق باقی ماند، برای این که نمی‌دانست با کنیز چرکسی چه کند او یک زن بود و تنها زنی بود که تا آن جا که می‌دانستیم، به انگلستان قدم گذارده بود. سفیر احساس می‌کرد برای او بدنامی خواهد آورد که اجازه دهد بدون حمایت و حفاظت اربابش دور دنیا راه بیفتد. شاید آن قدر به من اطمینان نداشت که او را به من بسپارد. محروم کردن خود از خدمات غلامانش سید و محبوب که همواره چرکسی را تحت مراقبت و حفاظت داشتند نیز دشوارتر از آن بود که خود را به آن تسلیم کند. در نتیجه درمانده شده، نمی‌دانست چه کند و دچار گیج گیجی شده بود. دلیلی هم نمی‌دید از رفتار ناراضی باشد، چرا که او خود را با شیوه‌های یک زن مسلمان تطبیق داده بود و وقتی کفار انگلیسی نسبت به او تعصب می‌ورزیدند، او با رفتار خود آنان را متقاعد می‌ساخت که تا چه حد تقیدات دینی می‌تواند روی رفتار انسان‌ها اثر بگذارد. هرگز از خانه تکان نمی‌خورد و کمتر از اتاقی که در بدو ورود در آن جا مستقر شده بود، خارج می‌شد. با انگشتانش غذا می‌خورد و با وسواس تمام دست می‌شست و همیشه سر وقت نماز می‌خواند و لباس‌های سفیر را چون کنیزی مهربان و قابل، می‌شست و دوخت و دوز می‌کرد. اما شرایطی پیش آمد که ضمن تشدید ناراضی سفیر، او را در روانه کردن کنیز چرکسی مصمم‌تر گرداند.

در انگلستان خانه‌های شهر به شیوه‌ای ساخته شده که هیچ مسلمانی نمی‌تواند ساختمان همسران خود را از نگاه نامحرمان بدون دشواری بسیار و دردسر زیاد، دور نگه دارد. به استثنای خانه‌هایی که پیش روی آن‌ها میدان قرار دارد، همه خانه‌ها در معرض دید است و از آن جا که این خانه‌ها معمولاً به یک شیوه ساخته شده‌اند، چشم‌چران‌ها می‌دانند برای دیدن زن‌های دیگران به کدام سمت و سو نگاه کنند. شوهران انگلیسی برای دور نگاه داشتن زنان خود از چشم‌چرانی‌ها به یک پرده تور که پشت پنجره بیاویزند، راضی هستند در حالی که از نظر ایرانیان دیوارها نه آن قدر بلند است و نه آن قدر ضخیم که به آنان قوت قلب دهد. پنجره‌های اتاق چرکسی که در آن خود را محبوس کرده بود در معرض دید یک رشته خانه‌هایی بود که در زاویه دید خانه سفیر قرار داشت و وقتی در وهله اول وارد شدیم چندین سر را دیدیم که از پشت آن پنجره، با کنجکاوئی نگاه می‌کردند و دید می‌زدند. اگر می‌توانستیم یکی از آنان را دستگیر کنیم، به آنان نشان می‌دادیم که جزای چشم‌چرانی در حرمسرای دیگری یعنی چه، تا دیگر بدون به یاد آوردن آن بلا قدمی به سوی حرمی برندارد.

صدای «محبوب کجاست؟»، «سید کجاست؟» در سرتاسر خانه پیچید و آن دو نفس‌زنان آمدند و معلوم بود که بین خواب و بیداری هستند و آن گاه این صحنه پیش آمد:

سفیر: کجا بودید شما بی‌پدرهای رذل؟  
غلام‌ها: خوابیده بودیم.  
سفیر: دلفریب کجاست؟  
محبوب: در اتاقش.  
سفیر: فرمساق‌ها چه شنیده‌ام؟ چرا امروز قفلکش دادید؟  
غلام‌ها: قفلکش؟ ما کی او را قفلکش دادیم؟

سفیر: به این ریش قسم - می‌بینید؟ (و ریش خود را به طرف آنان گرفت) اگر دروغ بگویید، چوب به ماتحت هر دویتان فرو می‌کنم. کفار هرگز دروغ نمی‌گویند و یکی از آنان همین چند دقیقه پیش به من گفت شماها را از پشت پنجره دیده که یکی این طرف و دیگری آن طرف چرکسی را قفلکش می‌داده‌اید. حقیقت دارد یا نه؟ حرف بزنید قبل از آن که زبانتان را از دهانتان بیرون بکشم. دو غلام به یک دیگر نگاه کردند و آن گاه محبوب گفت: - اجازه بدهید

جیمز موریه، دیپلمات انگلیسی، دو بار در ایران مأموریت داشت، بار اول از ۱۸۰۸ تا ۱۸۰۹ میلادی و نوبت دوم از ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۴ به عنوان کاردار سفارت انگلیس در تهران. ضمن این مأموریت‌ها، موریه که علاقه زیادی هم به تفحص در احوال و آداب مردم مشرق زمین داشت، با حاجی میرزا ابوالحسن اصفهانی روابط نزدیکی به هم رسانید و او را نمونه کامل عیاری از رجال سیاسی ایران در آن عصر و زمان یافت. خلیقات و خصوصیات این دولتمرد دربار فتحعلی شاه را جیمز موریه در وجود «حاجی بابای اصفهانی» قالب ریزی کرده و در دو کتاب انعکاس داده که در عین حال تصویرگر اوضاع و احوال عمومی سرزمین حاجی باباپرور ایران در آن دوره است. حاجی میرزا ابوالحسن اصفهانی معروف به ایلچی (سفیر) در سال ۱۸۰۹

عرض کنم که قفلکش نمی‌دادیم و راستش این است که برای خدمت بهتر به شما بود. سفیر: چه طوری؟ محبوب: خُلق او خیلی تنگ بود. گریه می‌کرد و خسته از اتاق خود و زندگی‌اش بود. هر چه به او گفتیم تا او را آرام کنیم فایده نکرد. به همین جهت او را به طرف پنجره بردیم و قفلکش دادیم.

سفیر: ای احمق‌ها، چه کسی تا حالا شنیده که با این کار کسی شاد می‌شود؟ مگر هزار بار به هر دوی شما نگفتم او نباید به پنجره نزدیک شود تا هیچ کافری او را نبیند؟ چرا حرف‌های مرا گوش نکردید؟ سید: در این کار هیچ آسیبی به او



نمی‌رسید. فکر نمی‌کردیم هیچ کافری او را ببیند، در ضمن هوای تازه برای او لازم بود.

سفیر: اگر هوای تازه برای او لازم بود، چه ربطی به قفلکش دارد؟ سید: او خواست تحرک داشته باشد، می‌خواست ورزش کند.

سفیر: اگر همین طور اسیر شما دو نفر باشیم، به زودی خواهیم مرد. این از آن مزخرف‌های محمدبیگ، این از آن آبتنی کردن در برابر فرنگی‌ها و این هم از قفلکش دادن چرکسی! روح مرا خسته کردید. او باید با بقیه شما به ایران برگردد و آن وقت خلاص می‌شوم. و اضافه کرد: «بروید، بروید» و گناهکاران و نیز همه افراد خانه را برای استراحت شبانه مرخص کرد. صبح روز بعد، موضوع بازگشت مادیرگر بار مطرح شد و از آن جا که ماجرای چرکسی پیش آمده بود، دیگر دلیلی برای تأخیر وجود نداشت. ما طبق دستور شروع به فراهم آوردن مقدمات کردیم و هیاهوی عمومی و شادی بسیاری سراسر خانه را فرا گرفت. زین‌ها و افسارها آورده شد و در کیسه‌های خود جای گرفتند. تفنگ‌های سرپر که مدت‌ها در گوشه‌های فراموش شده به جای مانده بود، پاک و آماده استفاده شد و هر چیز که داشتیم دیگر بار حال و هوای ایران به خود گرفت. شاه ایران بخشی از هزینه‌های سفارت

## حاجی بابا اصفهانی در انگلستان (۴۱)

# خشم سفیر از سندسازی کافران و دردسر آفرینی همراهان

باز نشر



برگرداند و ایران را با تصویری همانند دوران خاقان مغفور و حاجی بابای اصفهانی و ملاهای جهادگر به دنیای قرن بیست و یکم معرفی کند.

فریدون جوان فوق‌العاده باهوشی بود که هیچ گاه چشم و گوش بسته رفتار نمی‌کرد و همیشه سرگرم انجام کاری بود، زیرا برخلاف بقیه همراهان به ندرت از سر بیکاری تسبیح می‌انداخت. او زودتر از همه ما انگلیسی را فراگرفته و بهتر از هر یک از ما با چم و خم آنان آشنا بود و توانسته بیشترین هدایا را از مردم انگلیس بگیرد. کافر شاکلی یک تولیدکننده صابون بود، او نوع جدیدی از صابون را اختراع کرده بود و با ورود سفیر و هیات همراهش به انگلستان، او با صابون جدید خود وارد شده، تا شهرتی کسب کند و از سفیر بخواهد که دروغی سرهم کند و بگوید که او «ابوالصابون» است. سفیر فکر می‌کرد این یک شیوه فرنگی برای تعارف و



گرفته شود. هر چند برای ما غریب بود، اما ناچار از پرداخت شدیم و به واقع متوجه شدیم که کافری مسلح به یک صورت حساب، به خطرناکی مسلمانی است که به فرمان شاه مسلح باشد، هر دوی آنان قادر مطلقند.

## فصل بیست و پنجم

**دردسر فریدون سلمانی - یک راه‌آدار انگلیسی آنان را سرکیسه می‌کند**

علاوه بر حمله‌ای که با صورت حساب‌ها به ما شد، لحظه عزیمت گویی خبر از حدوث بدفرجامی‌های بسیاری را می‌داد. همان ستاره نحسی که به هنگام ترک از میر دیده بودیم، دیگر بار ظاهر شد که می‌گفت نباید انگلستان را ترک کنید. در گرماگرم آشوب همگانی که سفیر نیز خود در رأس خدمتکاران، دچار سرگیجه شده بود از توقعات چمدان سازی که سفارش یک جفت یخ‌دان به او داده شده و او پولی را طلب می‌کرد که به اندازه ساختن یک خانه در ایران بود، پیرمرد کافر بدخامی همراه با زن بدمنظر و ترش‌رویی تحت ریاست و کیلی که لباس سیاه چرکی به تن داشت وارد شدند. معلوم شد مقصود آنان شکایت از فریدون است که به وعده خود عمل نکرده و با زنی که پیش روی ما بود، تن به ازدواج نداده است.

دندان» می‌گیرند به جهت آن که زحمت کشیده‌اند و مرغ و خروس‌ها و سایر آذوقه‌های آنان را که به زور گرفته‌اند، جویده‌اند. با این حساب اگر دندان پزشکی دندان مرا بکشد باید مبلغی هم بابت «ترس بدنی» از صورت حساب او کم کنم.»

مهماندار در خصوص این صورت حساب پرس و جویی کرد و از نقاش توضیح خواست و نقاش ادعا کرد که در ابتدا فکر می‌کرده رنگ کردن اسب مثل رنگ کردن خانه است، اما بعداً متوجه شده که خانه لگد نمی‌زند، اما این حیوان می‌زند و حالا هم فقط با لطف خداوند بوده که مغزم متلاشی نشده و در آسمان پریشان نشده است. مسلم است که آن شرایط باید درنظر

میلادی (برابر با ۱۲۲۴ هجری قمری) از طرف فتحعلی شاه قاجار به عنوان سفیر به دربار «سنت جیمز» اعزام شد و جیمز موریه در این سفر به عنوان مترجم و راهنما او را همراهی می‌کرد. ماجراهای «حاجی بابای اصفهانی در انگلستان» فرآورده این سفر است و دیپلمات انگلیسی، همانند کتاب اولش «ماجراهای حاجی بابای اصفهانی»، با طنزی خاص برخورد حاجی بابا را - که بعداً وزیر دول خارجه و صدراعظم ایران شد - با دنیای کاملاً متفاوت غرب تصویر می‌کند.

کتاب اخیر جیمز موریه، برخلاف کتاب اول او، در ایران شناخته شده نبود. این کتاب که در سال ۱۹۸۶ توسط روبر پهن (Robert Pepin) از انگلیسی به فرانسه ترجمه شد، در سال ۱۳۷۹ با ترجمه آقای مهدی افشار (از انگلیسی به فارسی) انتشار

خانه‌های انگلیسی در ایران را به هنگام ورود سفرا به قلمرو او به عهده گرفته بود و به همین جهت دولت انگلیس نیز بخشی از هزینه‌های سفارت خانه ما را متقبل شده بود، اما با این حال دیون بسیاری بود که باید شخص سفیر پرداخت می‌کرد و مبالغ این بدهی باید قبل از عزیمت ما مشخص می‌شد. وقتی در شهر پیچید که ما قصد ترک انگلستان را داریم، خدا می‌داند چه طور زنان و مردان هجوم آوردند. هر یک قطعه کاغذی در دست و روی آن مبلغی را بابت طلب‌هایشان نوشته بودند و از سفیر می‌خواستند که این وجوهات پرداخت شود. حقیقت این که در آن لحظه سفیر مشکلی در پرداخت نداشت چرا که کیسه‌های پول ایرانی

که بود، چه می‌توانست بکند؟ او سرانجام عاشق شد، حداقل آن طور که صابون‌پز می‌گفت و دختر صابون‌پز قربانی این عشق بود. قضیه را در وهله نخست این گونه به ما فهماندند، اما مرد کوچک‌اندام سیاه‌چرکین جامه، درباره رفتار هموطن ما حرفهایی زد که ما را متحیر کرد و موضوع شکایت را چنان چرخاند و چرخاند که براساس وعده ازدواج فریدون، دختر صابون‌پز شخصیت خود را از دست داده و دیگر امیدی به ازدواج ندارد و پیشنهاد فریدون موجب شده که صفوف به هم فشرده خواستگاران دختر که همه از سلمانی‌ها و آرایشگرها بودند، پراکنده شوند و این اتفاق نمی‌افتاد اگر فریدون این چنین نزد دختر التماس و زاری نمی‌کرد.

سفیر وقتی درخواست آنان را شنید، گفت: «به خدا قسم این دیگر تحمل کردنی نیست. این واقعا بدتر از همه است. این کافران عجب اخاذها و باج‌گیری‌ها هستند که مثل آن را در کشورمان نمی‌توانیم ببینیم.» آن گاه خطاب به فریدون گفت:

«پدر سگ ریش تراش، این چه حرفی است که می‌شوم؟ کی به تو گفت به شهر بروی و وعده ازدواج بدهی؟»

فریدون حیرت زده گفت: «چه قولی؟ چه وعده‌ای؟ ای ارباب! راستش

یک روز من از این زن که قیافه‌اش مثل پیرترین قحبه‌ها است پرسیدم برای دو ماه حاضر است صیغه من شود و برای یک چنین امری ضرورتی ندیدم با جناب‌عالی موضوع را مطرح کنم. چرا که در کشور خودمان رسم است این‌سبیل‌ها و مسافران چنین کاری را می‌کنند و هرگز فکر نمی‌کردم برای یک چنین تقاضایی باید دو هزار تومان بدهم. والله بالله، من هیچ وعده‌ای و هیچ قولی نداده‌ام و فقط از او خواستم صیغه من شود، ببینید چه احمک‌شنگه‌ای به پا کرده.» در پی این سخن هر سه آنان هم زمان شروع به صحبت کردند. هیاهو بالا گرفت و ما احتمالاً باید شیوه رفتاری خودمان در ایران را پیش می‌گرفتیم و پاشنه‌هایمان را ور می‌کشیدیم که خوشبختانه مهماندار به یاری‌مان رسید. وقتی رشوه‌بگیرها و اخاذها دیدند که یکی از هموطنان خودشان به یاری ما آمده، لال شدند و زبان در کام کشیدند و مرد کوچک‌اندام لیخندی بر لب نهاد تا ببیند یاد از کدام سو می‌وزد. مهماندار بی‌هیچ مشکلی آنان را روانه کرد و همان گونه که یک مقام عالی‌رتبه در ایران، آدم فرودستی را روانه می‌کند و به سفیر اظهار داشت که این آدم بی‌حیات از آن است که سفیر بخواهد لحظه‌ای فکر خود را به او مشغول دارد. آن مرد سیاه جامه که فرنگی‌ها او را اوکیل می‌خواندند، وقتی دید که اصل ماجرا از این قرار است و اگر در این دعوی پافشاری کند، چه طور شاه او را فلک خواهد کرد، فکر کرد سرش را جای پایش بگذارد و برود.

سفیر گفت: «اما ترا به خدا می‌بینید که در کشور شما عدالت معنایی ندارد؟ آیا هر قمرساقی که دختر زشت و نفرت‌انگیزی دارد برای سرکیسه کردن به سراغ غریبه‌های بی‌گناه می‌رود؟ گویا او یکی از جلدان شاه بود.»

مهماندار گفت: «نقض قول ازدواج یک امر جدی در کشور ماست قوانین ما از آن جا که این رفیق صابون‌ساز با سلمانی‌ها و دلاک‌های انگلیسی بسیاری رفیق بود، او با آنان نیز باب دوستی گشود و مجموعه‌ای از تیغ‌ها، چرم‌های تیغ‌تیز کنی، فیچی‌ها و چاقوهایی که بسیار شگفت‌انگیز بود، از آنان گرفت. فریدون در عوض به آنان آموخت چه طور به شیوه ما موها را رنگ کنند و این هنری بود که آنان اقرار داشتند او به‌راستی در آن سرآمد است و نیز به آنان شیوه‌های شامپو کردن و مشت و مال دادن و جناق شکستن را آموزش داد. آنان او را تشویق می‌کردند دکانی برای خود راه بیاورند و هنرنمایی‌هایش را نشان دهد و از توانایی‌هایش بهره‌گیرد و اگر از ترس سفیر نبود، احتمالاً این کار را می‌کرد، برای این که با توصیفی که از حمام‌های ایرانی کرده بود، به آنان فهمانده بود بدون این حمام‌ها، هیچ ملتی رنگ سعادت را نخواهد دید. اما یک مسلمان دست تنها در شرایطی

در پی او خیاط، کفاش، پیراهن‌دوز و انواع خرده‌فروش‌ها نظر می‌کشید بودند و همه آنان به نظر می‌رسید چشم دوخته بودند به تکه کاغذی که در دست داشتند به عنوان حقایقی که اعتراض‌ناپذیر است و چون وحی منزل تثبیت شده و غیر قابل تغییر است. **ادامه در صفحه ۱۵**

## تقویت جامعه مدنی ایران تنها راه غلبه بر اسلام افراطی و پیکار جو



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

در پی صدور دستور اجرایی دونالد ترامپ برای منع ورود اتباع ایران و ۶ کشور دیگر اکثراً مسلمان به آمریکا برای ۹۰ روز که البته اجرای آن پس از چند روز با حکم یک قاضی دادگاه فدرال موقتاً متوقف شده، شاهزاده رضا پهلوی رییس نهاد شورای ملی برای انتخابات آزاد با ارسال نامه‌ای به آقای ترامپ از او خواسته تا حساب مردم ایران را از جمهوری اسلامی جدا کند.

فرزند ارشد شاه فقید با اشاره به نگرانی مردم آزادخواه ایران از محدودیت‌های سفر به آمریکا، خاطرنشان ساخته که ایرانیان نگرانند که همزمان هم توسط دیکتاتوری

معممین سرکوب می‌شوند و هم به طور بالقوه با محدودیت‌های دستور اجرایی جدید جریمه خواهند شد. رضا پهلوی ابراز امیدواری کرده که محدودیت جدید باعث صدمه دیدن بیشتر ایرانیانی نشود که از رژیم تروزیست جمهوری اسلامی گریختند و به آمریکا پناه بردند.

در این نامه تأکید شده که تنها راه پیروزی بر اسلام افراطی و پیکار جو حمایت و تقویت جامعه مدنی ایران است که در قلب خاورمیانه قرار دارد. بیژن فرهودی در مورد این نامه و پیامدهای احتمالی آن با سعید جباری عضو دفتر سیاسی شورای ملی در کالیفرنیا گفتگو کرده است.

● اعمال و سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی را باید از خواست‌های مردم ایران که زیر سلطه یک نظام مخوف و سرکوبگر زندگی می‌کنند جدا کرد.

● این گفته جمهوری اسلامی که در برابر دستور مهاجرتی ترامپ مقابله به مثل خواهد کرد یک یازی است.

● برای جمهوری اسلامی رفتن آمریکایی‌ها به ایران مهم‌تر از این است که اتباع ایران بتوانند به آمریکا سفر کنند.

● دنیای آزاد و به ویژه آمریکا نباید از یک‌سو دم از ارزش‌های دموکراتیک بزند و از سوی دیگر به خاطر منافع تجاری به مردم ایران که زیر سلطه یک رژیم سرکوبگر زندگی می‌کنند بی‌اعتنا باشد.

● به نظر من در دولت آمریکا هیچ‌کس چه جمهوریخواه و چه دموکرات سازمان مجاهدین خلق را به عنوان یک آلترناتیو واقعی برای رژیم کنونی ایران جدی نمی‌گیرد.

## در خواست شاهزاده رضا پهلوی برای مذاکره مستقیم با دولت ترامپ



شاهزاده رضا پهلوی

شاهزاده رضا پهلوی پیش از این نیز در گفتگو با کیهان لندن که نوامبر سال ۲۰۱۶ انجام شد ضمن اشاره موقعیت و بحران‌های داخلی جمهوری اسلامی و بررسی شرایط نیروهای سکولار دموکرات در خارج از کشور، به گزینه‌های پیش روی ترامپ در سیاست‌های آمریکا در قبال حکومت ایران پرداخت.

آنچه در این مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی صراحتاً به آن اشاره کرد، او با اشاره به اینکه مردم ایران با دست خالی در حال مبارزه هستند، تأکید کرد که مبارزات سیاسی فعالین داخل و خارج از کشور با کمترین امکانات در حال انجام است.

وی اشاره کرد که وقتی کمبود و محدودیت امکانات باشد تشکیلات دچار مضیقه می‌شود، ولی اگر با یک برنامه‌ی هدفمند و هماهنگ با بخشی از جهان که با ارزش‌های ما همخوانی دارند و سرمایه‌گذاری می‌کنند

همکاری شود، پیشرفت بیشتری حاصل خواهد شد.

رضا پهلوی در هما مصاحبه با کیهان لندن در پاسخ به این سوال که اگر از سوی کاخ سفید با شما برای ارائه‌ی برنامه تماس گرفته شود، آیا برنامه‌ای برای ارایه به آمریکا جهت گفتگوی آنها با نیروی‌های سکولار خواهید داشت، گفت: «برای تغییر نباید منتظر کمک دولت‌های خارجی باشیم، اما اگر در بین آنها دولت‌های دلسوزی بودند که منافع‌شان نیز در تغییر رژیم ایران باشد شرایط سریع‌تر پیش خواهد رفت.»

رئیس شورای ملی ایران در همین مصاحبه تأکید کرد، که اپوزیسیون با دست خالی و بدون حمایت مالی و معنوی هیچ کاری نمی‌تواند کند. با این حال افزود: «ریش ما نباید در گرو هیچ دولت خارجی باشد تا در آینده مطالبه‌گری نکنند، ولی بار اول نیست در جهان کشورهای دموکراتیک به داد نیروهای عامل تغییر رسید و از آنها حمایت کردند.»

● رئیس شورای ملی ایران در این مصاحبه گفته اکنون زمان آن رسیده که با صدای بلند خارج از رژیم جمهوری اسلامی سخن بگوییم

شاهزاده رضا پهلوی، در گفتگو با نشریه آمریکایی وال استریت ژورنال خواسته مقامات ارشد ایالات متحده آمریکا و اپوزیسیون دموکراتیک ایران گفتگوی مستقیم کنند.

رئیس شورای ملی ایران در این مصاحبه که در واشنگتن صورت گرفته، گفته «چنانچه آمریکایی‌ها تمایل به گفتگوی دو جانبه با مخالفان داشته باشند، جواب ما مثبت است.»

او همچنین در این مصاحبه، ضمن انتقاد از رویکرد باراک اوباما در حمایت نکردن از نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی، تأکید کرد: «کنون زمان آن رسیده که با صدای بلند خارج از رژیم جمهوری اسلامی سخن بگوییم.»

فرزند ارشد آخرین پادشاه ایران با طرح این پیشنهاد که «دولت ترامپ باید به طور مستقیم با رهبران اپوزیسیون‌های ایرانی وارد مذاکره شود» تأکید کرد روابط بین غرب با ایران بهبود می‌یابد. رضا پهلوی در این مصاحبه تأکید داشت که روابط بین ایران و غرب تنها با حذف حکومت مذهبی بهبود پیدا می‌کند.

رئیس شورای ملی ایرانیان پس از انتخاب دونالد ترامپ به چهل و پنجمین ریاست جمهوری آمریکا، در یک نامه‌ی تریک به وی توصیه کرد که از هرگونه اقدام نظامی و جنگ علیه رژیم ایران پرهیز کند و راه براندازی اسلام سیاسی را در گفتگوی صریح و جدی با اپوزیسیون جمهوری اسلامی دانست.

۳۸ سال از ۲۲ بهمن ۵۷ گذشته است، مراسم و برنامه‌های «دهه فجر» در شرایطی هر سال در نقاط مختلف ایران برگزار می‌شود که فضای اقتصادی و اجتماعی کشور همچنان پر از تنش و فشارهای بسیار و مضطرب و ملتهب است.

ایران تقریباً چهار دهه پس از انقلابی که وعده‌های بزرگ می‌داد، همچنان فاقد مطبوعات آزاد، احزاب و سازمان‌های سیاسی و تشکل‌های مدنی است. یکی از اهداف انقلابی که بیشترین توده‌های مردم را به خود جلب کرده بود، برچیده شدن زندان‌های سیاسی بود. انقلاب اسلامی اما دامنه‌ی سیاست و امنیت را چنان گسترش داد که کمتر خانواده‌ای است که به هر دلیلی سر و کارش با زندان نیفتاده باشد. در عین حال انقلاب اسلامی علاوه بر قبضه کردن قدرت سیاسی و اقتصادی در دست خانواده‌های مافیایی روحانی و سپاهی، قشر تازه به دوران رسیده‌ای را پرورش داد که ثروت نجومی و بادآورده به جیب زده در حالی که طبقه‌ی متوسط هر روز نحیف‌تر و لایه‌های تنگدست بیش از پیش به زیر خط فقر رانده می‌شوند. «دهه فجر» در واقع جشن کسانی است که با جیب‌های گشاد به قدرت رسیده و قصد سپردن آن به مردم و نمایندگان واقعی آنها را ندارند.

### از آرش تا...

یکی از مهم‌ترین خواسته‌اش عدالت اجتماعی و اقتصادی بوده، در زمانی که بیشترین مردمان‌اش از فقر رنج می‌بردند و دهک‌های بین طبقاتی مدام در حال فروریزی هستند و هرروز تعداد قابل توجهی از مردم به زیر خط فقر سقوط می‌کنند، چه چیزی را می‌خواهد گرامی بدارد؟

او می‌افزاید: «وضعیت معیشتی مردم بحرانی است و دولت قادر به اشتغال‌زایی نیست، ازسوی دیگر بسیاری از شغل‌های قبل تعطیل می‌شوند، در همین حال، حاشیه و زاغ‌نشینیه که برچیدن آن مهم‌ترین اولویت انقلاب خوانده می‌شد چنان گسترده شده که جمعیت میلیونی را شامل می‌شود. در چنین وضعیتی هزینه کردن پول هنگفت به بهانه گرامی‌داشت انقلاب، دامن زدن به راه انداختن و دمیدن در شیپور و پخش کردن نقل و نبات چیزی استوار نمی‌شود. بزرگداشت واقعی انقلاب بازگشت به گفت‌وگو و اهداف دست اول انقلاب است. بزرگ‌نمایی‌هایی از نوع دهه فجر، نمایش حقیر و نحیف شدن ارزش‌های راستین انقلاب است، که می‌خواهیم با بزرگ‌نمایی آن رافربه وغنی نشان دهیم.»

### از صفحه ۱۴

وقت اسب‌های سفیر از آن جا گذر کرده تا کنون یک پول سیاه نیز به او پرداخت نشده. کوشیدیم دریابیم آیا او از نوکران شاه انگلیس است یا نه و او با کله‌شقی بر خواسته خود پای می‌فشرده و هرچند گاه می‌گفت راهدار است و دریافت کننده عوارض عبور و مرور.

او گفت که کاری به کار شاه ندارد، اما از قدرت دیگری صحبت می‌کرد که آن را «امنا» می‌نامید و ظاهراً بالاتر از شاه بود، برای این که یک بند می‌گفت «امنا این دستور را داده‌اند و امنا آن دستور را داده‌اند.»

سرنجام سفیر از سر نومیدی غرید: «ما کسی را جز جورج شاه نمی‌شناسیم. ما تا به حال درباره «امنا شاه» چیزی ننشیده‌ایم. به خاطر خدا راهت را بگیر و برو، همه راه‌ها به روی همه سفرها باز است و این یکی از قدیمی‌ترین رسم‌ها

### از آرش تا...

یک کارمند ۴۸ ساله می‌گوید: «من از اولش هم راضی نبودم با این که آن موقع سن‌ام کم بود.»

علت را می‌پرسم، پاسخ می‌دهد: «شاید باور نکنید من از سن ۱۲ سالگی دوست داشتم تروزیست شخصیت‌های سیاسی باشم البته با هدف. از این که مسولان کشورم اینها هستند احساس شرم می‌کنم.»

او در مورد «دهه فجر» معتقد است: «این دهه برای آدم‌های چاپلوس و نان به نرخ روزخور خوب است، آدم‌های کنیف و فرصت‌طلب، نه من که عاشق کشورم هستم. من واقعاً احساس بدی دارم از این دیکتاتورهای دزد.»

گرامی‌داشت انقلاب دامن زدن به فقر ملی است

یک استاد تدریس ممنوع رشته اقتصاد در مورد برگزاری مراسم «دهه فجر» معتقد است: «من به طور کل با هر نو کارناوال‌بازی مخالف هستم و معتقدم پروپاگاندا در هر عرصه‌ای جواب برعکس می‌دهد. امری مانند انقلاب اگر قرار باشد گرامی داشته شود که باید بشود با تحقق اهداف اعلام شده‌اش هم گرامی داشته می‌شود و هم جنبه‌های مختلف و اثرگذار آن بازتولید می‌شود. انقلابی که

### حاجی بابا اصفهانی در...

سرنجام به یاری مهماندار که با توضیحاتی در خصوص طبایع شاهان و سفیران آنان، به ظاهر توانست مدعیان را نرم کند و قرائتی تازه از ارقامی داشته باشند که روی تکه کاغذهایشان نوشته بودند. آنان مطالبات خود را به آرامی دریافت کردند و بی‌دردرس راهشان را در پیش گرفتند، اما همچنان یک شکایت لاینحل باقی مانده بود که از زمان ورودمان موجب آزار من شده بود و آن مربوط به کافر درشت هیکل بی‌شرم سطح پایینی بود که صورتی سرخ و شکمی برآمده، آماده ترکیدن داشت و جامه‌های زنده و فرسوده مثل یاپانچه (ردای مخصوص قزاق‌ها) می‌پوشید و به دور کمرش پیش‌بندی می‌بست که از بدنش را به دو بخش تقسیم می‌کرد. او گفت که در دروازه جاده اصلی از صبح تا شام کشیک می‌دهد و از بدو ورودمان هر

### از صفحه ۸

بپذیرند هرکاری در نخستین قدم انجام نمی‌شود و باید پایداری کرد و کاری را به سرانجام رساند. با فراهم آوردن موجبات توسعه‌ی این امکانات و توانایی‌های فرزندان، پدران و مادران می‌توانند صفاتی را در فرزند خود به بار آورند که در تمام دوران زندگی به دردتان خواهد خورد.

چنانچه کودکی چیزی و راهی به خاطرش نمی‌رسد شما می‌توانید با او مبارزه‌طلبی و چالش بکنید که او را وادار به فعال کردن و بهره بردن از تصور و تخیل خود کند. مثلاً می‌توانید به او پیشنهاد کنید که در باغ، خوراکی‌هایی را که به درد دایناسورها می‌خورد پیدا کند. و یا آنکه به او پیشنهاد کنید با دوستانش و به وسیله یک دوربین دیجیتال عکس‌هایی برای آلبوم شخصی خود بردارد.

بیشتر پدران و مادران خواهان آنند که فرزندان خود را افرادی مستقل و قادر به اتخاذ تدابیر، تنها و بدون دیگری فکر کردن و تصمیم گرفتن بار آورند. ولی اگر شما برنامه روزانه و زندگی فرزند خود را به جای خود او

### از صفحه ۸

بگذارید حوصله‌ی بچه‌ها... برعکس کودک نیازمند آن است که اشخاص بالغی که دور و برش هستند پی ببرند که او خواهان فضا، وقت و زمان و حتی گاهی هم بی‌نظمی است (آن هم نوعی بی‌نظمی که کودک می‌تواند همین که بازی با آن به‌پایان رسیده، نظم بر اساس میل خود به آن بدهد). و بدین وسیله بتواند وسایل وقت‌گذرانی خود را تعیین کند. گاهی ممکن است کودکان به وسایلی کاملاً ساده نیاز داشته باشند. می‌دانیم که کودکان غالباً به بسته‌بندی هدایای خود بیش از خود هدیه علاقه دارند. برای کودکان بزرگتر چند تکه تخته‌پاره‌ی چوبی و یک سبذ پر از انواع کتاوی پشمی می‌تواند ساعت‌های دراز سرگرم‌شان کند. ولی برای آنکه وسیله دارای تأثیر بیشتری باشد کودکان به منابع و امکانات موجود خود نیاز دارند: کنجکاو و پشتکار، شیطنت و زرنگی و اعتماد، به آنان اجازه‌ی درک، خلق، ایجاد و توسعه‌ی امکانات جدید، ساختن و در دنیای محدود خود اختراع کردن می‌دهد. این کیفیت به آنان اجازه می‌دهد که

### از صفحه ۷

بازی در کدام را ترجیح می‌دهید؟ -من پروژه خوب را ترجیح می‌دهم. از هر فرهنگی که باشد.

● تا امروز کارهای تولیدی خودتان کدام‌ها بوده؟ -کارهای زیادی تولید کرده‌ام. اما یکی از تازه ترین‌ها آهنگی ترکی است که خودم ساخته‌ام به اسم «گل» (به معنی بیا) که منتشر شده و الان در یوتیوب هم در دسترس است. همه کارهایم به صورت دیجیتال در اینترنت عرضه می‌شود.

● شما به ایران هم سفر می‌کنید؟ -یک بار وقتی چهارده سالم بود رفتم تهران و فامیل پدرم را دیدیم، اما بعد از آن دیگر نشد.

● الان اگر به ایران بروید چه اتفاقی برایتان می‌افتد؟ -نمی‌دانم (می‌خندد).

### آیدا مُسَرَف، آواز خوانی ...

● رفتار هواداران ایرانی، ترک و غربی با شما چقدر متفاوت از یکدیگر است؟ -فرقی ندارد. من همه مخاطبانم را به یک اندازه دوست دارم و آنها هم متقابلاً علاقه نشان می‌دهند و کارهای مرا دنبال می‌کنند، ایرانی و ترک و غربی هم ندارند.

● مردم به صدای آوازخوان بیشتر اهمیت می‌دهند یا به صورت و ظاهرش؟ -امیدوارم که به صدای‌اش بیشتر اهمیت بدهند. البته متأسفانه امروزه صدا به تنهایی عامل موفقیت خواننده نیست.

● پیشنهاد بازی در فیلم و سریال هم داشتید؟



ساکن تهران که خود را فردی مذهبی معرفی می کند می گوید: «به نظرم انقلاب باعث شد که امنیت به جامعه برگردد تا مردم بتوانند آزادانه نظرشان را اعلام کنند و مستقل شوند. دین و مذهبشان را مخفی نکنند و اسلامستیزی از جامعه خارج شد ولی از نظر اقتصادی وضعیت زندگی مردم بدتر شده.»

از او می پرسیم آیا اطمینان دارد که پس از انقلاب اسلامی آزادی بیان و عقیده اجرا می شود؟ پاسخ می دهد: «در مستندهایی که از زمان شاه در تلویزیون پخش می کنند می توان به وضوح دید که چقدر قبل از انقلاب به مردم فشار می آوردند و هر کسی که می خواست از اسلام و شیعه دفاع کند یا شکنجه می شد یا شهید. چون قبل از انقلاب، مسوولان به دین عقیده نداشتند و هر بلایی می خواستند سر مردم معترض در می آوردند. اما الان مردم دینشان را آزادانه بیان می کنند و محدودیتی ندارند. مخصوصا الان که بحث مدافعان حرم حضرت زینب مطرح شده و خیلی از جوانهای مذهبی داوطلبانه در جنگ شرکت می کنند و عاشق شهادت اند.»

این دانشجو که حجاب و پوشش کامل خود را یک مصونیت در جامعه عنوان می کند معتقد است حجاب مانعی برای او نیست و بیشتر باعث امنیت زن ها است.

### با وجود فحشا و اعتیاد چطور از «دهه فجر» حرف بزنیم

یک خانم پرستار که در بخش بیماران عفونی یک بیمارستان دولتی کار می کند در گفته های خود به وضعیت اجتماعی دوران پس از انقلاب اشاره می کند و می گوید: «ای بابا، چه سوال هایی می کنید، داریم تو فحشا و اعتیاد و قتل... غلت می زنیم.»

او که تا به حال از نزدیک با برخی از زنان خیابانی و کارتن خواب در بیمارستان محل کارش روبرو شده می گوید: «گاهی وقت ها عذاب وجدان می گیرم، از اینکه نمی توانم مفید باشم، به خودم حق نمی دهم از وضعیت زندگی ام گلایه داشته باشم چون من شب در خانه گرم و نرم ام روی تخت نرم و بالشی پر از پر می خوابم، ولی ۱۰ شب به بعد خیابانها پر است از زن های خیابانی و کارتن خواب، آن وقت چطور من از انقلاب و دهه فجر حرف بزنم وقتی وضعیت اجتماعی ما به این شکل در آمده؟»

یک دختر ۲۳ ساله ساکن منطقه مهرشهر کرج در پاسخ به پرسش های من می خندد و می گوید: «والله من که در آن دوران نبودم، ولی وقتی که فیلمها و حرف های مربوط به دوره شاه را می شنوم خیلی غبطه می خورم که چرا الان شاه نیست و شدیداً از این که انقلاب شده ناراضی هستم. واقعا الان دوران خیلی مزخرفی است، فقط اسمش است که انقلاب شده ولی نه اوضاع اقتصادی کشور درست است و ما دختر پسرها اصلا شکل مسلمانانی نیستند که حکومت می خواهد باشند.» او در ادامه می گوید: «چند وقت پیش، ماموران گشت ارشاد مرا در خیابان انقلاب تهران به داخل ماشین خود بردند، در صورتی که اصلا آرایش نداشتم فقط به خاطر بافتی که پوشیده بودم و جلوبیش باز بود، در صورتی که زیر بافت، یک لباس خیلی بلند پوشیده بودم. این است وضع انقلاب ما و انقلابی که بیشتر پدر و مادرها به خاطرش به خیابانها ریختند و الان همانها از این کارشان پشیمان هستند.»

او که پدرش، بازنشسته نیروی زمینی سپاه است ادامه می دهد: «مامان و بابایم از این که انقلاب شده راضی هستند نظرشان این است که چون مسلمانیم و در ایران قوانین اسلام رعایت می شود.»

# دهه فجر، بزرگ نمایی ارزش های نحیف انقلاب اسلامی



۱۸۰ درجه ای به منظور تحریف انقلاب مصر خود را حامی آن تعریف می کند، به همین ترتیب، سالها قبل در مورد انقلاب مردم ایران رفتار کرد، خمینی و جریان روحانیت را تقویت کرد تا هم در عرصه خارجی بخشی از سیاست «کمربند سبز» به منظور پس زدن اتحاد جماهیر شوروی را عملی کرده باشد و در عرصه داخلی نیز، به عنوان یک کشور بسیار مهم خاورمیانه نگذارند یک جریان سومی در منطقه سر راست کند. تضمین خمینی به کارتر و تسهیلات کارتر در آرام کردن ارتش بخشی از این برنامه بود. این همکاری در مکاتبات خمینی و کارتر قابل مشاهده است.»

وی می افزاید: «البته هر دو جریان برانداز در مورد خمینی نیز در محاسبات خودشان اشتباه کردند. چه جریان مجاهدین خلق که از خمینی به عنوان «رهبر کبیر انقلاب» نام می برد و چه جریان فدایی-توده (اکثریت) که خمینی را به عنوان یک رهبر «ضد امپریالیستی» قلمداد می کردند. این اشتباهات، تأثیرات بسزایی در انشعابات درونی جریانات برانداز نیز داشت که ما آن را مثلاً به شکل فدایی اکثریت و اقلیت می بینیم ولی جریان روحانیت به هیچ کدام رحم نکرد و همه را، چه آن جریانی که معتقد به ربودن انقلاب توسط خمینی بود و چه جریانی که به خمینی دلخوش کرده بود را از دم تیغ گذراند. در این میان هرچند دخالت غرب در موفقیت خمینی نقش بسزایی داشت ولی کم آگاهی مردم ایران نقش بیشتری داشت و «تا قبل از بهمن ۵۷ دو جریان عمده مخالف وجود داشت، جریان اصلاح طلب و محافظه کار وابسته به جبهه ملی و توده و جریان برانداز ملی-اسلامی (مجاهدین) و مارکسیست ها (فدایی). اما همان طور که در چند سال اخیر در جریان بهار عربی و به ویژه مصر دیدیم که آمریکا تا دقیقه ۹۰ از حسنی مبارک دفاع می کرد و یکباره با چرخش

که ساکن اورمییه است در پاسخ به اینکه آیا از وقوع انقلاب راضی است، می گوید: «اگر منظور شما از انقلاب، انقلاب اسلامی است، خیر، هر انقلاب باید به یک تحول و پیشرفت منجر شود مثل انقلاب صنعتی و یا انقلاب فرانسه؛ ولی انقلابی که تمام مبانی حقوق بشر را زیر پا بگذارد و چند هزار سال عوض پیشرفت، عقب گرد بکند از چه چیزش باید راضی باشم؟ در حکومتی که حقوق شهروندی در آن زیر صفر است و همیشه به عنوان یک مجرم به تو نگاه می کنند، جایی برای راضی بودن باقی نمی ماند.»



### مراسم «دهه فجر»، تحمیق بیشتر توده ها

یک دانش آموخته جامعه سیاسی با گرایش سیاسی چپ معتقد است: «تا قبل از بهمن ۵۷ دو جریان عمده مخالف وجود داشت، جریان اصلاح طلب و محافظه کار وابسته به جبهه ملی و توده و جریان برانداز ملی-اسلامی (مجاهدین) و مارکسیست ها (فدایی). اما همان طور که در چند سال اخیر در جریان بهار عربی و به ویژه مصر دیدیم که آمریکا تا دقیقه ۹۰ از حسنی مبارک دفاع می کرد و یکباره با چرخش

بار تاکید می کند سیاسی نیست می گوید: «استش باتوجه به شنیده ها و خواننده هایم از دوره قبل و با آنچه که در این دوره دیدم و زندگی کردم در هر دو دوره مشکلات بسیاری بوده و هیچ کدام از دولت ها طرف مردم نبودند.»

او می افزاید: «رضاشاه شخصیت برجسته دوره قبل بود ولی من ایشان را هم از لحاظ شخصیتی و حکمرانی در کشور قبول دارم.»

از این معلم در مورد برگزاری مراسم «دهه فجر» در مدارس می پرسیم. جواب می دهد: «در مورد برگزاری مراسم دهه فجر تا آنجایی که یادم هست در سال های قبل، در این ۱۰ روز، مراسم خاص تری برگزار می شد، هم از طریق رسانه ها و هم مراکز آموزشی و مدارس، یادم می آید در دهه شصت و حتی سال های دهه ۷۰ کلاس های مدارس را تزئین می کردیم و کلا در این ۱۰ روز، هر روز در مدرسه ها مراسم برگزار می شد. رسانه ها مثل رادیو و تلویزیون هم برنامه های زیادی داشتند ولی الان این مراسم کمرنگ شده فقط راجع به راهپیمایی ۲۲ بهمن خیلی تبلیغات می کنند.»

ترمه فارغ التحصیل رشته گرافیک در گفتگو با خبرنگار «دهه فجر» می گوید: «دهه فجر» معتقد است: «اگر انقلاب نشده بود الان کشوری توسعه یافته و مدرن داشتیم. خیانت دولت های غربی به شاه، باعث شد دود انقلاب به چشم خودشان برود.»

مرگ و میر بسیاری از ایرانیان در اثر قطعی گسترده منجر شد. تلفات آن قطعی شاید بیشتر از تلفات دهه نخست انقلاب اسلامی بوده باشد. آنچه در سال ۵۷ تازگی داشت، انقلاب برای استقلال و ارتجاع بود. نیروهای اجتماعی و سیاسی مترقی جامعه ی ایران، در کنار مطالبه آزادی، خواستار استقلال سیاسی بودند، نیروهای اجتماعی غیرمترقی هم خواستار برچیده شدن بساط آزادی های اجتماعی و فرهنگی برآمده از ظهور مدرنیسم در ایران بودند. اگرچه رهبران سیاسی این نیروهای اجتماعی، این مطالبه را صریحا مطرح نمی کردند تا حمایت نیروهای اجتماعی مترقی را در جریان انقلاب از دست ندهند. این مطالبات پس از تثبیت قانونی ولایت فقیه تدریجا مطرح و متحقق شدند. پس با منها کردن جمهوریت و خشونت سیاسی، می توان نتایج کلان انقلاب اسلامی را به استقلال سیاسی و ارتجاع فرهنگی محدود کرد. تلخی ارتجاع فرهنگی فقها در ایران پس از انقلاب در حدی بود که امروز بسیاری از مردم ایران باور دارند که «استقلال» را نمی توان مهم ترین ارزش سیاسی دانست. از این منظر، مهم این است که نظام سیاسی مستقل در اختیار چه کسانی قرار می گیرد. کسانی که به ارزش های

دموکراتیک جهان مدرن باور دارند یا کسانی که استقلال سیاسی را یکی از لوازم اصلی تحقق ارزش های غیر دموکراتیک قرون گذشته در جامعه ایران می دانند.»

### دهه زجر نه دهه فجر

یک فارغ التحصیل رشته تاریخ که تاکید می کند «دهه زجر» است و نه «دهه فجر» معتقد است: «اگر انقلاب نشده بود الان کشوری توسعه یافته و مدرن داشتیم. خیانت دولت های غربی به شاه، باعث شد دود انقلاب به چشم خودشان برود.»

● استاد علوم سیاسی: نتیجه ی کلان انقلاب اسلامی، استقلال سیاسی و ارتجاع فرهنگی بود.

● دختر دانشجو: در مستندهایی که از زمان شاه در تلویزیون پخش می کنند می توان به وضوح دید که چقدر قبل از انقلاب به مردم فشار می آوردند و هر کسی که می خواست از اسلام و شیعه دفاع کند یا شکنجه می شد یا شهید. ولی الان مردم آزاد هستند.

● کارمند ۴۸ ساله: از اینکه مسوولان کشورم اینها هستند احساس شرم می کنم.

فیروزه رمضان زاده- بزرگداشت های موسوم به «دهه فجر» انقلاب اسلامی که به روزهای پایانی آن نزدیک می شویم برای مردم ایران یادآور برگزاری مراسم فرمایشی و تبلیغاتی سالانه با هزینه های گزاف و برپایی راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» در نقاط مختلف ایران است. سی و هشت سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران می گذرد. پس از گذشت این سالها آیا شهروندان ایران با وقوع انقلاب اسلامی موافق هستند؟ در مورد برپایی مراسم تبلیغاتی «دهه فجر» چه فکر می کنند؟ این انقلاب، چه دستاوردهایی برای مردم ایران داشته است؟

در گزارش میدانی زیر به سراع تعدادی از شهروندان ایرانی در سنین و موقعیت های اجتماعی و تحصیلات متفاوت رفته و پرسش هایی را با آنها در میان گذاشته ایم.

### وقوع انقلاب و ارتجاع فرهنگی

یک استاد علوم سیاسی دانشگاه مهم ترین نتایج مثبت و منفی انقلاب اسلامی ایران را در دو عبارت استقلال سیاسی و ارتجاع فرهنگی خلاصه می کند و می گوید: «پس از پیروزی انقلاب و تحقق و تثبیت ولایت فقیه، جامعه ایران با ارتجاع فرهنگی بدخیمی مواجه شد که ناشی از تلاش حکومت برای اجرا و تحمیل احکام فقهی و پاک کردن خشونت آمیز جامعه از مظاهر نقض احکام اسلامی بود. بنابراین در دهه ۱۳۶۰ اگرچه تصمیمات بالاترین مرجع قدرت سیاسی و سایر نخبگان حاکم در ایران تحت نفوذ مقامات سیاسی جهان غرب به ویژه آمریکا و انگلستان نبود، ولی جامعه ایران با مشکلاتی در زمینه آزادی های اجتماعی مواجه شد که در دهه های قبل اصلا «مشکل» محسوب نمی شدند. به عبارت دیگر، استقلال سیاسی نتوانست به آزادی های سیاسی مطلوب در ایران منتهی شود ولی ارتجاع فرهنگی نتوانست آزادی های اجتماعی را تا حد زیادی از بین ببرد.»

به گفته این استاد دانشگاه، برخی افراد «تحقق جمهوریت» و «خشونت و کشتار و اعدام های سیاسی و جنگ هشت ساله» را هم جزو نتایج مثبت و منفی انقلاب اسلامی می دانند. اگرچه این رأی نادرست نیست ولی با توجه به منسوخ بودن جمهوریت در ایران پس از انقلاب، و نیز با توجه به بی سابقه نبودن جنگ و اعدام سیاسی در تاریخ ایران از زمان قاجار تا به امروز، احتمالا می توان جمهوریت منسوخ و خشونت ناشی از سیاست را در این بررسی کوتاه، کنار بگذاریم.

این استاد علوم سیاسی معتقد است: «فقدان استقلال سیاسی ایران در دهه ۱۳۹۰ خورشیدی نیز به